ترجمهٔ صحیفهٔ علویّه

تألیف

سیّد ابوالفضل برقعی قمی

صحیفه علویه ۲

بسم الله الرحمن الرحیم

شکر و سپاس خدائی را سزاست که با کمال عزت و بزرگی و بی نیازی درهای لطف و رحمت خود را برای بندگان گشوده و بکوچک و بزرگ و مطیع و عاصی و مؤمن و کافر اذن عام داده که هر وقت و ساعت از شب و روز در خلوت و جلوت او را بخوانند و با خود او سخن گویند و با حضرتش عرض حاجت کنند و دردها و احتیاجات خود را با پروردگار خود در میان گذارند نه امیری گذاشته نه وزیری نه دری و نه دربانی نه واسطه و نه دلالی بلکه چنانچه امیرالمؤمنین در خطبه ۱۹۳ نهج البلاغه فرموده بدون واسطه در همه جا حاضر و ناظر و از درد دل و حوائج بندگان آگاه است هر بنده ای از رگ گردن نزدیکتر و هر کسی در هر جا میتواند با او راز گوید و او به درد دل و هر زبانی آگاه و داناست نه ترجمی خواهد نه معرفی چون نیست که کسی صدای بندگان را به او برساند فاصله ندارد تا کسی او را خبر سازد از هر بزرگی مهربانتر است و لذا بر بندگان منت نهاده و اجازه سخن گفتن با خودش را اعلان نموده و فرموده واسئلوا الله من فضله و در آیه دیگر ادعونی استجب لکم یعنی مرا بخوانید تا اجابت کنم و حواله به بنده صالح و یا مقرب درگاه ننموده و دستور داده که درد خود را بغیر من نگوئید و از غیر من حاجت مخواهید و کسی را برای واسطه بودن احضار نکنید چون میدانسته که بنده نمیتواند هر ساعت و هر مکان پیغمبری و یا بنده مقربی را احضار سازد و چنین تمکن ندارد پس وسیله ای جز تقوی و ایمان و عمل صالح و تضرع و زاری از بنده نخواسته و نفرموده وسیله را بخوانید بلکه فرموده وسیله ای بجوئید یا ایها الذین آمنوا اتقوا الله وابتغوا الیه الوسیله یعنی ای مؤمنین از خدا بپرهیزید و وسیله ای بسوی او بجوئید و رسول خدا و ائمه هدی اداگفته شان

باین آیه عمل نموده و فرموده به وسیله با ایمان و عمل صالح و دعا و تضرع و زاریست حتی روزی
پنج مرتبه از لطف و کرم بندگان را دعوت کرده تا خود او را بخوانند و با او انس گیرند و تجدید عهد بندگی
نمایند عجب خدای بی نیاز بنده نواز دانای راز کارسازی است فشکراً له ثم شکراً له

هر که خواهد گو بیا و هر چه خواهد گو بخواه　　کبر و ناز و حاجب و دربان درین درگاه نیست

وبعد این بنده ابوالفضل بن حسن ازال الله عنه البلوی والمحن بعرض برادران اسلامی میرسانم
که یکی از وظائف بندگی این است که خدا را بهمان نحو که خودش دستور داده بخوانند و دستور دعا را
که یکی از عبادات است در برنامه قرآن ذکر نموده تخلف نکنند ولی متأسفانه در اثر نادانی و نشر
بدعتها اکثر بندگان خدا راه دعا را گم کرده‌اند و با اینکه دعا عبادت و خواندن معبود غیبی است
و در عبادت بلکه نباید غیر خدا را دخالت داد زیرا قرآن آنرا شرک شمرده و فرموده قل
انما ادعو ربی ولا اشرک به احداً و در سوره اسراء آیه ۵۶ و ۵۷ فرموده قل
ادعوا الذین زعمتم من دونه فلا یملکون کشف الضر عنکم ولا تحویلاً اولئک
الذین یدعون یبتغون الی ربهم الوسیلة ایهم اقرب ویرجون رحمته ویخافون
عذابه یعنی بگو ای پیغمبر بخوانید آن کسانیرا که گمان میکنید جز خدا میشود آنانرا خواند که
ایشان مالک و اختیار برطرف کردن ضرر را از شما ندارند و تغییر حال شما را عهده دار نیستند
ایشانرا که میخوانند خودشان بسوی پروردگارشان وسیله ای میجویند هر یک از ایشان که
نزدیکترند محتاج بوسیله ای هستند و امید برحمت او دارند و از عذاب او میترسند و مردم
در اثر بیخبری و گفتار گویندگان دور از قرآن بنام ارادت به امام و پیغمبر هر امام و پیغمبر
و بلکه هر امامزاده ایرا میخوانند و آنرا عبادت میدانند آیا ایاک نعبد و ایاک نستعین را

۳۱

خوانده‌اند که باید گفت خدایا فقط ترا بنده‌ایم و فقط از تو مدد میجوئیم ایشان تا نیمه شب با داد و فریاد بندگان خدا را میخوانند درصورتیکه آن بندگان ~~خود~~ از این کار نهی کرده و از این شرک بیزارند و در قیامت در محکمهٔ عدل الهی خجلند و با ایشان مخاصمه خواهند کرد این بنده از بس دعاهای ضد قرآنی در کتب ادعیه دیدیم و شنیدیم ناچار برای انجام وظیفه در هنمائی گمگشتگان راه توحید کتابی بنام ادعیة المعتبرة نوشتم ولی تاکنون بچاپ نرسیده از دعاهای ضد قرآنی نه کسی جلوگیری است و نه کسی نهی میکند علمای از ترس ساکتند عده‌ای برای حفظ دکان و یا بی اطلاعی از قرآن ناشر آنند و اکثر مردم از کثرت گرفتاری فرصت تفکر ندارند در این ایام بنده خدائی بنام آقای

علی قوچانی زید توفیقه

متعهد شد که اگر صحیفهٔ علویه ترجمه شود آنرا بچاپ برساند شاید مردم با دعاهای امیرالمؤمنین ؑ آشنا شوند و آنرا بخوانند تا بواسطه ~~...~~ خواندن آن از دعاهای دیگران بخرافات مبتلا نشوند لازم است مسلمین بکلمات و مضامین این دعاهای علوی دقت کنند تا به عقاید او درک نمایند و ببینند که آنحضرت در تمام دعاهای خود غیر خدا را نخوانده و ~~...~~ بشر صالح و نبی مقربی را واسطه قرار نداده و از غیر خدا حاجت نخواسته بلکه از آن امام تقلید کنند و دست از دعاهای شرک آمیز بردارند و روح آن امام را شاد و پیروی او را ارشاد نمایند و بیشتر از این بنام آن امام مردم را از قرآن و اسلام دور نسازند باید دانست که این صحیفه مجموعه‌ای از دعاهای حضرت امیر است که در کتب سابقین متفرق بوده و آنحضرت که شاگرد مکتب قرآن و دست پرورده رسول خدا است طبق برنامه الهی این دعاها را بزبان رانده ~~شیخ جلیل و عالم بزرگوار الشیخ عبدالله بن [illegible] بن علی البحرانی الماحوزی که از علمای بحرین بوده در سنه ۱۱۳۵ قمری فوت نموده این دعاها را از کتب سابقین جمع آوری کرده~~ و این دعاها را علماء سابق در کتب خود نسبت بآنحضرت داده‌اند اگرچه سندی ذکر نکرده باشند مگر در مقداری از آنها و آن مقداری که سند دارد جزو احادیث و مدارک ما عبارتست از جلد ۹۴ و ۹۵ و ۹۶ بحار جدید و صحیفه علویه شیخ عبدالله صمعی [illegible] بحرانی [illegible] ۱۱۳۵ [illegible] ... [illegible]

و چون ذکر سند در یک پس در واقع اینها [redacted] مجهول است و در کتب سابقین با سند ذکر شده
ولی اگر در بعضی از اینها سندی ذکر شده خبر واحد است پس از جهت سند نمیتوان ادعای صحت نمود در تمام آنها
و اما از جهت متن بعضی اینها چون طبق قرآن و عقل است پس دارای اعتبار است و ضعف سند آنها
اشکالی ندارد ولی این صحیفه [redacted] چند چاپ شده و در بعضی از چاپها چاپ کنندگان آن
شرح و دعاهای صفحی قریشی که از مجعولات دشمنان اسلام و مخالف عقل و قرآن و تاریخ است در کتاب
چاپ افزوده‌اند ولی بحمد الله در چاپ این صحیفه که بدست ما رسیده و در حاشیه [redacted]
چاپ شده آنها را [redacted] ما در ترجمه دعاهای این صحیفه سعی کردیم که روان و آسان
و همه کس فهم باشد و از طول ترجمه و استعمال الفاظ غیر مأنوس دوری جسته‌ایم و دیگر اینکه در بین
جملات دعاها و هم در بین ترجمه نمره گذاری گردیده شده تا هر کس بداند مثلا جملهٔ ۵ مثلاً
در شمارهٔ پنج ترجمه شد و جمله ۶ در ترجمه در شمارهٔ ۶ آمده و هم چنین و فهرست دعاها و عدد
آن در آخر کتاب نوشته خواهد شد مراجعه فرمایند امید است بانی و مترجم و کاتب و ناشر
و خواننده همه در این ثواب شرکت داشته باشند البته سعی شده با تطبیق با کتب دیگر بعضی از
غلط‌های چاپی که در نسخهٔ ما بود رفع گردید و بسیاری از دعاهای خرافی که در کتب سابقین بنام صحیفه و دعاهای دیگر
بآنحضرت نسبت داده شده و مخالف قرآن و عقل بود ما در این صحیفه نیاوردیم و اگر کسی دعاهائی را
بخواهد که از هر جهت معتبر باشد و سند و متن آن هیچ اشکالی نداشته باشد باید دعاهائی که در
قرآن ذکر شده بخواند که خدا در کتاب خود آنها را تصویب نموده است و ادلهٔ مطلقات که مطلق دعا
امر شده برای خواندن هر دعا کافی است ولو اینکه از شرع نرسیده باشد اما بشرطیکه دعاهای غیر وارده
که سند معتبری ندارد بقصد ورود نخوانند دعاهائیکه اصلاً سندی ندارد اگر کسی بقصد ورود بخواند جائز نیست
خصوصاً دعاهائیکه مخالف توحید و مخالف دستورات قرآنست که خواندن آنها حرام و بدعت است

باید دانست دینی که خدا فرستاده بنام اسلام یکی است و پیغمبر و یا امام باید متدین بهمان دین باشند
و دین او و دین ما که در این زمانیم فرقی ندارد هر طوریکه آنان مکلف بوده در خواندن دعا
ما نیز همان طور و بهمان روش باید دعا کنیم مختصر اینکه دستور دعا در اسلام برای همه یکسان است و تمام
مسلمین در این جهت در عرض یکدیگرند و یا ایها الناس انتم الفقراء الی الله و الله هو الغنی الحمید همه را
فقیر خوانده در عرض هم و فقط خدا را غنی دانسته

١- دعائه ؏ في الحمد والثناء على الله تع

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله الذى لا اله الا هو الحى القيوم الدائم الملك الحق المبين ١
المدبر بلا وزير ولا خلق من عباده يستشير ٢- الاول غير موصوف
والباقى بعد فناء الخلق العظيم الربوبيه ٣- نور السموات و
الارضين وفاطرهما ومبتدعهما ٤- خلقهما بغير عمد ترونه
وفتقهما فتقا ٥- فقامت السموات طائعات بامره واستقرت
الارضون باوتادها فوق الماء ٦- ثم علا ربنا فى السموات العلى
الرحمن على العرش استوى ٧ له ما فى السموات وما فى الارض و
ما بينهما وما تحت الثرى ٨ فانا اشهد بانك انت الله لا رافع
لما وضعت ولا واضع لما رفعت ولا معز لمن اذللت ولا مذل
لمن اعززت ولا مانع لما اعطيت ولا معطى لما منعت ٩

۱- دعاء آنحضرت در حمد و ثناء بر خدا تعالی

بنام خدای بخشنده مهربان

سپاس خدائیرا که نیست جز او معبودی زندهٔ پاینده پادشاه ثابت الوجود
بیان کننده ۱ تدبیر کنندهٔ بدون وزیر و بدون اینکه از بندهٔ از بندگانش
مشورت کند ۲ اول است وصف نشدنی و او پس از فناء خلق باقی است پروردگاری
او بزرگست ۳ نمایانندهٔ آسمانها و زمینها ایجاد کننده و هستی دهندهٔ آنها
۴ آفرید آنها را بدون ستونیکه رؤیت کنیم آنرا و شکاف آنها را شکافتنی
عجیب ۵ پس آسمانها برپا شد در حالیکه فرمانبرداریند و زمینها بواسطهٔ
کوههای مانند میخ بر روی آب قرار گرفت ۶ سپس پروردگار ما در آسمانهای بلند
برتری نمود بخشاینده ایکه قدرت او بر عرشش نافذ شد ۷ ملک خاص اوست آنچه در آسمانها
و آنچه در زمین و ما بین آنها و آنچه زیر خاکست ۸ پس من گواهم باینکه توئی خدای
کامل الذات که بالا برنده نیست آنچه را که تو پست کرده ای و پست کننده ای نیست آنچه را
تو بالا برده باشی و عزیز کننده ای نیست آنکه را تو ذلیل کرده ای و ذلیل کننده ای نیست آنکه را
تو عزیز کرده ای و مانعی نیست مر آنچه را که تو عطا کرده باشی و عطا کننده نیست آنچه را تو دریغ نمائی ۹

وانت الله لا اله الا انت كنت اذلم تكن سماء مبنية ولا ارض
مدحية ولا شمس مضيئة ولا ليل مظلم ولا نهار مضيئ
ولا بحرٌ لجيٌّ ولا جبل راس ولا نجم سار ولا قمر منير ولا ريح
تهب ولا سحاب يسكب ولا برق يلمع ولا رعد يسبح ولا
روح تنفس ولا طائر يطير ولا نار تتوقد ولا ماء يطرد ١٠
كنت قبل كل شيئ وكونت كل شيئ وقدرت على كل شيئ
وابتدعت كل شيئ ١١ واغنيت وافقرت وامت واحييت
واضحكت وابكيت وعلى العرش استويت فتباركت يا الله و
تعاليت ١٢ انت الله الذى لا اله الا انت الخلاق المعين
امرك غالب وعلمك نافذ وكيدك غريب ووعدك صادق و
قولك حق وحكمك عدل وكلامك هدى ووحيك نور ورحمتك
واسعة وعفوك عظيم وفضلك كثير وعطائك جزيل وحبلك
متين وامكانك عتيد وجارك عزيز وباسك شديد ومكرك مكيد ١٣

و توئی خدای کامل الذاتیکه نیست معبودی جز تو بودی تو وقتیکه نه آسمان ساخته و نه زمین
پرداخته و نه خورشید تابانی و نه شب تاریکی و نه روز روشنی و نه دریای مواجی
و نه کوه پابرجائی و نه ستارهٔ سیاری و نه ماه تابنده‌ای و نه باد وزنده‌ای و نه ابر
بارنده‌ای و نه برق درخشنده‌ای و نه رعد بتسبیح غرنده‌ای و نه روح نفس
داری و نه پرندهٔ پرواز کننده‌ای و نه آتش برافروزنده‌ای و نه آب جاری شونده‌ای
بود ۱۰ بودی تو قبل از هر چیز و هر چیز را تو هستی دادی (کسی اگر که خود محتاج دارند ایجاد خود ناتوان و از تو
وجود خود را بگیرد نمیتواند بغیر هستی دهد) و توانائی بر هر چیز و بدون سابقه هر چیز را تو ایجاد
کردی ۱۱ و بی نیاز کنی و فقیر کنی و بمیرانی و زنده کنی و بخندانی و بگریانی و
بر عرش نافذی پس مبارکی ایخدای کامل الذات و برتری ۱۲ توئی خدای
کامل الذاتیکه نیست معبودی جز تو آفرینندهٔ یاری دهنده امر تو غالب
و علم تو نافذ و کید تو از فکرها دور و وعدهٔ تو راست و گفتار تو حق و حکم
تو بعدل و کلام تو هدایت و وحی تو روشن و رحمت تو وسیع و گذشت تو بزرگ
و فضل تو بسیار و عطاء تو فراوان و رشتهٔ تو (دین تو) محکم و
تمکن دادنت آماده و پناهندهات عزیز و غضبت شدید و مکرت مؤثر است ۱۳

انت يارب موضع كل شكوى وحاضر كل ملاء وشاهد
كل نجوى منتهى كل حاجة مفرج كل حزين غنى كل مسكين
حصن كل هارب امان كل خائف ١٤ حرز الضعفاء
كنز الفقراء مفرج الغماء معين الصالحين ١٥ ذلك الله رب
العالمين ١٦ ربنا لا اله الا هو تكفى من عبادك من توكل عليك
وانت جار من لاذبك وتضرع اليك ١٧ عصمة من اعتصم بك ناصر
من انتصر بك تغفر الذنوب لمن استغفرك ١٨ جبار الجبابرة عظيم
العظماء كبير الكبراء سيد السادات مولى الموالى ١٩ صريخ المستصرخين
منفس عن المكروبين مجيب دعوة المضطرين اسمع السامعين ابصر
الناظرين احكم الحاكمين اسرع الحاسبين ارحم الراحمين خير الغافرين
قاضى حوائج المؤمنين مغيث الصالحين ٢٠ - انت الله لا اله الا انت
رب العالمين ٢١ انت الخالق وانا المخلوق وانت المالك وانا المملوك
وانت الرب وانا العبد وانت الرازق وانا المرزوق وانت المعطى وانا
السائل وانت الجواد وانا البخيل وانت القوى وانا الضعيف وانت

توئی پروردگارا محل هر شکایتی و حاضر هر جماعتی و شاهد هر رازی و نهایت
هر حاجتی (هر حاجتی باراده تو برآورده خواهد شد) گشاینده هر اندوهی بی نیاز کن
هر مسکینی پناه هر گریزانی امان دهنده هر هراسانی ۱۴ پشت ضعفائی
گنج فقرائی غمدار ازدلگشتگانی یاریده شایستگانی ۱۵ چنین است خدای
کامل الذات پروردگار جهانیان ۱۶ پروردگارا نیست معبودی جز او هر که از بندگانت
بر تو توکل کند تو او را کفایت میکنی و آنکه بتو پناهنده شود و بدرگاهت زاری کند تو او را
پناهی ۱۷ هر که از تو نگهداری جوید تو او را نگهداری هر که از تو یاری جوید تو او را یاری
هر که از تو آمرزش خواهد تو او را بیامرزی ۱۸ شکننده جباران و ستمگرانی بزرگ
بزرگانی سرسرورانی آقای آقایانی مولای مولایانی ۱۹ دادرس دادخواهانی
غمخوار گرفتاران اجابت کن دعای بیچارگان شنواترین شنوندگان (هر شنونده‌ای نمیتواند
صداهای متعدد را در آن واحد باهم بشنود ولی خدا تمام صداها و سخنان مخلوقات را باهم میشنود) بیناتر
نظرکنندگان بهترین ~~حاکم رحم کنندگان~~ داورترِ داوران سریعترین حساب کنندگان مهربانتر
مهربانان بهترین آمرزندگانی برآورنده حاجت مؤمنان فریادرس شایستگان ۲۰
توئی خدای کامل الذاتی که نیست معبودی جز تو پروردگار جهانیان ۲۱ توئی خالق و منم
مخلوق و توئی مالک و منم مملوک و توئی پروردگار و منم بنده و توئی روزی ده
و منم روزی خور و توئی عطا کنی و منم گدا تو بخشنده ای و منم بخیل تو توانائی و منم ناتوان

العزيز و انا الذليل وانت الغنى وانا الفقير وانت السيد وانا
العبد وانت الغافر وانا المسيئ وانت العالم وانا الجاهل و
انت الحليم وانا العجول وانت الرحمن وانا المرحوم وانت المعافى
وانا المبتلى وانت المجيب وانا المضطر ٢٢ - وانا اشهد بانك انت
الله لا اله الا انت المعطى عبادك بلا سؤال ٢٣ واشهد بانك انت
الله الواحد الاحد الفرد الصمد واليك المصير ٢٤ وصلى الله على محمد
واهل بيته الطيبين الطاهرين واغفر لى ذنوبي واستر على عيوبي وافتح
لى من لدنك رحمة ورزقاً واسعاً يا ارحم الراحمين ٢٥ والحمد لله رب
العالمين حسبنا الله ونعم الوكيل ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم ٢٦

٣ - دعائه فى نعت الله وتعظيمه ٣

الحمد لله اول محمود واخر معبود واقرب موجود البدىء بلا معلوم
لازليته ولا آخر لاوليته ١ والكائن قبل الكون بغير كيان والموجود
فى كل مكان بغير عيان والقريب من كل نجوى بغير تدانى ٢ علنت
عنده الغيوب وضلت فى عظمته القلوب فلا الابصار تدرك عظمته
ولا القلوب على احتجابه تنكر معرفته ٣ تمثل فى القلوب بغير مثال تحده
الاوهام او تدركه الاحلام ٤ ثم جعل من نفسه دليلا على تكبره عن الضد

وتوئی عزیز و منم ذلیل و تو بی نیازی و منم فقیر و تو آقائی و منم بنده و تو آمرزنده‌ای
و منم بدکار و تو عالمی و منم جاهل و تو بردباری و منم عجول و تو رحمانی و منم مرحوم
و تو عافیت بخشی و منم بیمار و تو اجابت کننده‌ای و منم پریشان ۲۲ و من گواهم بر
اینکه توئی خدای کامل الذاتیکه جز تو معبودی نیست توئی که بندگانرا بدون سئوال عطا بکنی ۲۳
و گواهم باینکه توئی خدای کامل الذات یگانه یکتای تنهای بی نیاز و برگشت همه بسوی تو
است ۲۴ و صلوه و رحمت خدا بر محمد و خاندانش که پاکیزه و پاکند و بسیار زکی‌ها را برا
و بپوش عیبهای را و ببگش برایم از نزد خود رحمت و رزق فراوانی یا ارحم الراحمین ۲۵
و سپاس برای خدای کامل الذاتیکه پروردگار جهانیانست و کافیست ما را خدا و خوب وکیلی است
و نیست قدرت و قوه‌ای مگر از خدای والای بزرگ

۲ـ دعای آنحضرت در تمجید و تعظیم خدا تعالی

سپاس مر خدای کامل الذاتیکه اولین ستایش شده و آخرین عبادت شده و نزدیکترین موجودات
~~موجود اولیکه~~ اولین وجودیکه معلوم نیست ابتداء او و برای اولیت او نهایتی نیست ۱ و بوده است
قبل از هستی بدون چگونگی و او موجود است در هر مکانی بدون آنکه شناخته شود و نزدیک بر
راز نیست بدون آنکه خود را نزدیک نماید ۲ غیبها نزد او آشکار و دلها در عظمت او حیرانست
پس نه دیده‌ها عظمت او را درک میکند و نه دلها با اینکه او پنهانست انکار معرفت او کند ۳
در دلها حاضر شود بدون مانندیکه آنرا او هام اندازه گیرد و یا افکار آنرا درک کند ۴ـ پس
از طرف خود را هنمائی قرار داد برایکه او برتر است از داشتن ضد و همتا و شکل و مانند (حضرت
بین اشیاء ایجاد تضاد و تزاحم نمود چون هر شیئی نمیتواند ضد خود را معدوم کند پی بعجز خود برده و بداند
که خالق از این عجز و نقص منزه است)

والند والشكل والمثل فالوحدانية آية الربوبية والموت الآتى
على خلقه مخبر عن خلقه وقدرته ٥ ثم خلقهم من نطفة ولم يكونوا شيئاً
دليلا على اعادتهم خلقا جديدا بعد فنائهم كما خلقهم اول مره ٦
والحمد لله رب العالمين الذى لم يضره بالمعصية المتكبرون ولم ينفعه بالطاعة
المتعبدون ٧ الحليم عن الجبابرة المدعين والممهل للزاعمين له شريكا
فى ملكوته ٨ الدائم فى سلطانه بغير امد والباقى فى ملكه بعد انقضاء
الابد والفرد الواحد الصمد والمتكبر عن الصاحبة والولد رافع السماء بغير
عمد ومجرى السحاب بغير صفد قاهر الخلق بغير عدد لكن الله الاحد الفرد
الصمد الذى لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ٩ والحمد لله الذى
لم يخل من فضله المقيمون على معصيته ولم يجازه لاصغر نعمه المجتهدون
فى طاعته الغنى الذى لا يضيق برزقه على جاحده ولا ينقص عطاياه ارزاق
خلقه ١٠ خالق الخلق ومفنيه ومعيده ومبديه ومعافيه عالم ما اكننته
السرائر واخبته الضمائر واختلفت به الالسن ونسته الازمن ١١ الحى
الذى لا يموت والقيوم الذى لا ينام والدائم الذى لا يزول والعدل الذى لا يجور
الصافح عن الكبائر بفضله والمعذب من عذب بعدله لم يخف الفوت فحلم
وعلم الفقر اليه فرحم وقال فى محكم كتابه ولو يؤاخذ الله الناس بما

پس یگانه بودن نشانهٔ پروردگاری اوست (چون عجز ندارد و در تکوین یگانه است پس
پروردگار همه اوست) و بزرگیکه بر مخلوقات بیاید خبر از خلقت و قدرت او میدهد ۵
پس آفریدن انسانها را از نطفه و حال آنکه چیزی نبودند برای آنکه دلیل بر قدرت او بر اعاده
ی آن باید با آفرینش جدیدی بعد از فنای آن چنانچه در ابتدا انسانها را آفرید ۶
و سپاس مر خدای کامل الذاتیکه پروردگار جهانست آنکه ستمگران بعصیان خود باو
ضرر نرسانند و اهل عبادت باطاعت خود باو نفعی ندهند ۷ با ستمگران بردبا
بردبار است و با آنکه بخیال خود شریکی در ملک او روا داشتند مهلت داده است ۸
آنکه سلطنت دائم دارد بدون آنکه بنهایت رسد و در ملک خود باقی است پس از آنکه
مدت هر چیزی بپایان رسد و یکتا یگانهٔ بی نیاز و منزه از زن و فرزند است آسمانها
بالا برده بدون ستون و ابرها را رانده بدون زنجیر خلق را مقهور نموده بدون لشکر
بلکه او خدای کامل الذات یگانهٔ یکتای بی نیازیست که نه فرزند دارد و نه فرزند کسی است
و برای او احدی همتا نبوده است ۹ و سپاس برای خدای کامل الذاتیکه از فضل او
گنه کاران بی بهره نمانده اند و گردنکشان در طاعت او کوچکترین نعمت او را تلافی
نکرده اند بی نیازیکه از رزق دادن بر ملک خود دریغ ندارد و بهادادن ارزاق خلق،
عطایای او کم نمیشود ۱۰ آفریننده و فانی کننده و عود دهنده و هستی دهنده و عقاب کننده
خلق است، و آنچه باطنها آنرا مستور نموده و دلها آنرا پنهان کرده و زبانها درباره آن اختلاف کرده
و زمانها آنرا فراموش کرده عالم است ۱۱ زنده ایکه نمی میرد پاینده ایکه نمیخوابد دائمیکه
از بین نمیرود عادلیکه ستم روا ندارد بفضل خود از گناهان بزرگ بگذرد و هر کسرا شکنجه
کند بعدالت شکنجه نماید از فوت وقت نترسیده که بردباری کرده و احتیاج خلق را داشته که رحم کرده

كسبوا ماترك على ظهرها من دابة ١٢ احمده حمداً استزيده فى نعمته و
استجير به من نقمته والتقرب اليه بالتصديق لنبيه المصطفى لوحيه
المتخير لرسالته المختص بشفاعته القائم بحجته محمد صلى الله عليه
واله وعلى اصحابه وعلى النبيين والمرسلين والملائكة اجمعين ١٣
الهى درست الآمال وتغيرت الاحوال وكذبت الالسن واخلفت
العدات الاعدتك فانك وعدت مغفرة وفضلا ١٤ اللهم صل على محمد
وال محمد واعطنى من فضلك واعذنى من الشيطان الرجيم سبحانك وبحمدك
ما اعظمك واحلمك واكرمك وسع حلمك تمرد المستكبرين
واستغرقت نعمتك شكر الشاكرين وعظم حلمك عن احصاء المحصين
وجل طولك عن وصف الواصفين ١٥ كيف ولولا فضلك حلمت عمن خلقته
من نطفة ولم يك شيئاً فربيته بطيب رزقك وانشأته فى تواتر
نعمتك ومكنت له فى مهاد ارضك ودعوته الى طاعتك فاستنجد
على عصيانك باحسانك وجحدك وعبد غيرك فى سلطانك ١٦ كيف ولولا
حلمك امهلتنى وقد شملتنى بسترك واكرمتنى بمعرفتك واطلقت
لسانى بشكرك وهديتنى السبيل الى طاعتك وسهلتنى المسلك الى كرامتك
واحضرتنى سبيل قربتك فكان جزائك منى ان كافأتك عن الاحسان
بالاسائة حريصا على ما اسخطك منتقلا فيما استحق به

کیفیت شفاعت در ۳ جای [illegible]

ودر کتاب محکم خود (سورهٔ فاطر آیه ۴۵) فرموده واگر خدا مؤاخذه کند مردم را بآنچه کرده‌اند
هر آینه بر پشت زمین جنبنده‌ای نگذارد، ۱۲ سپاس میگذارم او را سپاسی که بآن
زیاد کنم نعمت او را و پناه میبرم باو از عذاب او و تقرب میجویم بسوی او بواسطه تصدیق
برسول برگزیده برای وحی او آنرا که انتخاب نمود برای رسالت خود و شفاعت را باو عنایت
کرد آن رسولیکه قیام کرد برای اداء حق او محمد رحمت خدا براو و بر پیروان و اصحاب او
و بر پیمبران و رسولان خدا و بر تمام فرشتگان ۱۳ خدایا آرزوها کهنه شده و حالات متغیر گردید
و زبانها در ومانده شده و وعده‌ها خلاف شده مگر وعده‌های تو زیرا تو وعده کردی آمرزش و فضل خود را
۱۴ خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و از فضل خود عطا کن مرا و از شیطان رانده شده پناهم
ده بتنزیه و سپاس تو مشغولم چه قدر با عظمت و با حلم و با کرمی [illegible] فرا گرفته
سرکشان ستمگر را و نعمت غرق نموده شکر گذاران را و حلم تو بزرگتر است از اینکه شماره
کنندگان شماره کنند و فضل تو اجل است از توصیف وصف کنندگان ۱۵ واگر فضل تو
نبود چگونه حلم نمودی از آنکه او را از نطفه خلق کردی و حال آنکه چیزی نبود پس او را برزق پاکیزه
تربیت کردی و او را در نعمتهای پی در پی پرورش دادی و او را در گهوارهٔ زندگی تمکن دادی
و او را باطاعت خود دعوت نمودی او بر عصیان تو جرئت نمود بواسطه احسان تو و تو را انکار
و غیر تو را در سلطنت تو پرستش کرد ۱۶ چگونه مرا مهلت میدادی اگر حلمت نبود و بتحقیق
مرا مشمول لطف کردی و عیب مرا پرده پوشیدی و مرا بشناسائی خود گرامی داشتی و زبانم را
بشکر خودت باز کردی و براه طاعتت هدایتم کردی پس [illegible] و راه کرامتت را برایم آسان
نمودی و براه قرب خود احضارم نمودی پس جزای تو از من این شد که احسان تو را به بدی تلافی کردم
و بر آنچه مورد غضبت تو است حریص شدم تا اینکه خود را مستحق عذاب زیادتری گردانم ۱۷

المزيد من نقمتك ١٧ سريعاً الى ما ابعد رضاك مغتبطا بغرة الامل
معرضا عن زواجر الاجل لم يقفعني حلمك عنى وقد آتانى توعدك
باخذ القوة منى حتى دعوتك على عظيم الخطيئة استزيدك فى نعم
غير متاهب لما قد اشرفت عليه من نقمتك مستبطئاً لمزيدك
ومتسخطا لميسور رزقك مقتضيا جوائز بعمل الفجار كالمراصد
رحمتك بعمل الابرار مجتهداً ١٨ا تمنى عليك العظائم كالمدل الآمن
من قصاص الجرائم فانا لله وانا اليه راجعون مصيبة عظم رزؤها
وجل عقابها ١٩ بل كيف لولا املى ووعدك الصفح عن زللى ارجو
اقالتك وقد جاهرتك بالكبائر مستخفيا عن اصاغر خلقك فلا
انا راقبتك وانت معى ولا راعيت حرمة سترك على ٢٠ باى وجه
القاك وباى لسان اناجيك وقد نقضت العهود والايمان بعد توكيدها
وجعلتك على كفيلا ثم دعوتك مقتحما فى الخطيئة فاجبتنى ودعوتنى
واليك فقرى فلم أجب فوا سوأتاه وقبح صنيعاه اية جراة تجرأت
واى تغرير غررت نفسى ٢١- سبحانك فبك اتقرب اليك وبحقك
اقسم عليك ومنك اهربُ اليك ٢٢ بنفسى استخففت عند
معصيتى لا بنفسك وبجهلى اغتررت لا بحلمك وحقى اضعت
لا عظيم حقك ونفسى ظلمت ولرحمتك الآن رجوت وبك آمنت

و بدور شدن از رضای تو سرعت جویم در حالیکه خویشتن بغرور آرزو دوری جسته‌ام از
نشانه‌های مرگ . حلم تو از من مرا قانع ننمود در حالیکه تهدید تو بگرفتن قوایم فرا رسید
تا تو را بر بزرگی خطایم بخوانم . توقع زیادی نعمت دارم و مهیای عذابهائیکه بآن مشرف
شده‌ام نیستم ~~توقع زیادی این است که بکمی~~ بدیر آمد نعمت زیاد تو بینم و بکمی
رزق تو غضبناکم با همه نابکاران خواهش جایزه‌های تو دارم مانند آنکه در رحمت بچه
با همه نیکوکاران در حال کوشش خود __۱۸__ تمنای ثوابهای بزرگ از تو دارم مانند آنکه نازدارد
و با همین است از جزای گناهانش باید بگویم انا لله و انا الیه راجعون مصیبتی دارم که
بزرگست گرفتاری آن و عظیم است عقاب آن __۱۹__ بلکه چگونه خواهد شد اگر نبود آرزوی
من و وعده گذشت تو از لغزشهایم امید گذشت از تو دارم و حال آنکه آشکارا مرتک
گناهان بزرگ شدم خود را از کوچکترین خلق تو پنهان میکنم ولی ملاحظهٔ تو را که با من نکردم
و مراعات احترام پرده‌پوشی تو را بر خودم ننمودم __۲۰__ — بچه رودی تو را ملاقات کنم و بچه زبانی
با تو راز گویم و حال آنکه پیمانهای بندگی تو را شکستم و قسمهای مؤکد را نقض کردم و حال آنکه
تو را بر خود کفیل قرار داده بودم ، پس تو را در حال هجوم بختها خواندم تو مرا اجابت کردی و مرا
خواندی بسوی خود با اینکه محتاج تو بودم اجابت نکردم پس وای از بدی و زشتی کار من بچه
جرئتی جرئت کردم و بچه غروری خود را مغرور کردم __۲۱__ تو را تنزیه میکنم پس بیاری تو بسوی تو
تقرب میجویم و بحق خودت بر تو قسم میخورم و از غضب تو فرار میکنم بسوی تو __۲۲__ خود را سبک
کردم چون تو را عصیان نمودم نه تو را و بجهل خودم مغرور شدم نه بحلم تو و حق خود را ضایع کردم
نه حق بزرگ تو را و بخود ستم کردم و الآن برحمتت امیدوارم و بتو ایمان آورده‌ام و بر تو توکل نمودم

وعليك توكلت واليك انبت وتضرعت فارحم اليك فقري وفاقتي
وكبوتي لحر وجهي وحيرتي في سوأة ذنوبي انك ارحم الراحمين ٢٣
يا اسمع مدعو وخير مرجو واحلم مغض واقرب مستغاث ادعوك
مستغيثا بك استغاثة المتحير المستيئس من اغاثة خلقك فعد
بلطفك على ضعفي واغفر بسعة رحمتك كبائر ذنوبي وهب لي عاجل
صنعك انك اوسع الواهبين ٢٤ لا اله الا انت سبحانك اني
كنت من الظالمين يا الله يا احد يا الله يا صمد يا من لم يلد ولم يولد ولم
يكن له كفوا احد ٢٥ اللهم اعيتني المطالب وضاقت علي المذاهب و
اقصاني الاباعد وملني الاقارب وانت الرجاء اذا انقطع الرجاء والمستعان
اذا عظم البلاء والملجأ في الشدة والرخاء فنفس كربة نفس اذا
ذكرها القنوط مساويها آيست فلا تؤيسني من رحمتك يا ارحم
الراحمين ٢٦

٣ـ دعائه في نعت الله وتعظيمه وهو لكل مهم وشدة

اللهم انك حي لا تموت وصادق لا تكذب وقاهر لا تقهر وخالق لا تعان ١
وبدئ لا تنفد وقريب لا تبعد وقادر لا تضام وغافر لا تظلم وصمد
لا تطعم وقيوم لا تنام ومجيب لا تسأم وبصير لا ترتاب وجبار لا تعان ٢
وعظيم لا ترام وعليم لا تعلم وقوي لا تضعف وحليم لا تجهل وعظيم لا
توصف ووفي لا تخلف وعدل لا تحيف ٣

و بجانب تو برگشته و زاری میکنیم پس بفقر و بیچیزی دبرو افتادیم و حیرانیم در بدرگاهتم
رحم کن زیرا تو ای ارحم الراحمین ۲۳ ای شنواترین خوانده شده و بهترین محل امید
و بردبارترین گذشت کننده و نزدیکترین فریادرس (اینجا باید یک نکته ~~بگو~~ بنده‌ها بتقرب خدا را
میخوانند باید گفت نزدیکترین فریادرس را بخوانید که خدا باشد) میخوانم ترا درحالیکه بتو استغاثه
دارم فریادرس خواه متحیر مأیوس از فریادرسی خلق میباشم پس بلطف خود نظر بر ضعفم
و بوسعت رحمتت بیامرز گناهان بزرگمرا و نعمت حاضر ترا بمن عطا کن زیرا بهترین عطا
کنندگانی ۲۴ نیست معبودی و پناهی جز تو منزهی و بتحقیق من از ستمگرانم ای خدای کامل الذات
ای یگانه ای خدای کامل الذات ای بی نیاز ای آنکه نه فرزندی دارد و نه فرزند کسی است و او را
احدی همتا نبود، ۲۵ خدایا خسته کرده مرا مطالب و تنگ شد بر من راههایم و مردم مرا
راندند و نزدیکانم مرا آزرده کردند و تو امیدی چون امیدها قطع گردد و تو یاوری چون
بلا بزرگ شود و تو در سختی و آسانی پناهی پس برطرف نما گرفتاری کسیرا که چون ناامیدی
او را بیاد به نیایش اندازد مأیوس شود پس مرا مأیوس مگردان از رحمتت یا ارحم الراحمین ۲۶

۳ — دعای آنحضرت در تمجید و تعظیم خدا و اینکه عادت هر مهم بود میخواند

خدایا تو زنده‌ای که نمی‌میری و راستگوئی که دروغ نمیگوئی و قاهری که مقهور نمیشوی و خالقی که
محتاج بکمک نیستی ۱ و ایجاد کنی که تمام نمیکنی (همیشه ادامه میدهی) و نزدیکی که دور نمیشوی و توانائی که ستم نمیشوی
و آمرزنده که ستم نمیکنی و بی نیازی که احتیاج بطعام نداری و پاینده‌ایکه نمیخوابی و جواب
دهنده‌ایکه که خسته و ملول نمیشوی و بینائی که ~~غفلت نمیکنی~~ اشتباه نمیافتی و جباریکه ضعیف نمیشوی ۲
و بزرگی که بنظر نیائی و دانائی که یاد نگرفتی و ~~توانائی~~ نیرومندی که ضعیف نمیشوی و بردباری که بجهالت
موصوف نشوی و بزرگی که وصف نشوی و باوفائی که خلاف نمیکنی و دادگری که ~~اسراف نداری~~ جور نداری

وغالب لا تُغلب وغنى لا تفتقر وكبير لا تصغر وحكم لا تجور ووكيل
لا تُحقَر ومنيع لا تُقهر ومعروف لا تُنكر ووتر لا تستأنس وفرد
لا تستشير ووهاب لا تَملّ وسميع لا تذهل وجواد لا تبخل وعزيز لا تذل ٤
وحافظ لا تغفل وقائم لا تسهو وسميع لا تشك و
رفيق لا تَعنف وحليم لا تجل وشاهد لا تغيب ومحتجب لا ترى ودائم
لا تُفنى وباق لا تُبلى وواحد لا تشبه ومقتدر لا تنازع ٥
ياكريم ياجواد يا متكرم ياقريب يامجيب يا متعال ياجليل يا سلام يامؤمن
يامهيمن ياعزيز يامتعزز ياجبار يامتجبر ياكبير يامتكبر ياطاهر يا
متطهر ياقادر يا مقتدر ٦ يامن ينادى من كل فج عميق بالسنة
شتى ولغات مختلفة وحوائج متتابعة لا يشغلك شيئ عن شيئ ٧
انت الذى لا تبيد ولا تفنيك الدهور ولا تغيرك الازمنة ولا تحيط بك
الامكنة ولا تأخذك نوم ولا سنة ولا يشبهك شيئ وكيف لا تكون كذلك
وانت خالق كل شيئ ٨ لا اله الا انت كل شيئ هالك الا وجهه
الكريم الوجه سبوح ذكرك قدوس امرك واجب حقك نافذ قضاؤك
لازم طاعتك ٩ صل على محمد وال محمد ويسر لى من امرى ما اخاف
عسره وفرج عنى وعن كل مؤمن ومؤمنة ما اخاف كربه وسهل لى

و تو غالبی که مغلوب نمی‌شوی و بی‌نیازی که محتاج نمی‌گردی و بزرگی که کوچک نمی‌شوی و داوری
که ستم روا نداری و نماینده‌ای (کارکردهایش شمرده) که حصر نشوی و شناخته شده‌ای که انکار نشوی و یگانه‌ای که انس
با غیر نمی‌گیری و یکتائی که با غیر شورت نداری و بخشنده‌ای که آزرده نمی‌شوی و شنوائی
که غافل نمی‌شوی و صاحب جودی که بخل نمی‌ورزی و عزیزی که ذلیل نمی‌گردی ۴
و تو حافظی که غافل نمی‌شوی و ~~برپائی~~ (قائمی) که سهو نمیکنی و شنوائی که شک نداری رهنمائی که رحمت
نمی‌دهی و بردباری که عجله نداری و گواهی که غایب نمی‌شوی و پنهانی که دیده نمی‌شوی و بادوامی
که فانی نمی‌شوی و با بقائی که پوسیده نمی‌شوی و یکتائی که شبیه نداری و دارای قدرتی که
نزاع نشوی ۵ ای کریم ای جواد ای گرامی دار ای نزدیک ای جوابگو ای برتر
ای بزرگ ای امان ده ای سرپرست ای عزت ده ای جبران کن ای صاحب جبروت
ای بزرگ ای متکبر ای پاک ای پاک کننده ای توانا ای صاحب قدرت ۶ ای کسیکه
ندا میشود از هر دره عمیقی بزبانهای پراکنده و لغات مختلفه و حاجتهای پی در پی
مشغول نکند (ترا) چیزی از چیزی ۷ تو ئیکه از بین نمیروی و روزگارها ترا فانی نکند و زمانها ترا
تغییر ندهد و مکانها بتو احاطه ندارد و تو را خواب و چرت نگیرد و چیزی شبیه تو نباشد
و چگونه چنین نباشی و حال آنکه تو خالق هر چیزی ۸ نیست معبود و پناهی جز تو
هر چیزی هلاک است جز ذات او که گرامی ترین ذات است منزه است یاد تو پاک است آثار تو واجب است
حق تو نافذ است داوری تو لازم است طاعت تو ۹ رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آسان
کن از امر من آنچه را میترسم سختی آنرا و بگشا از من و از هر شدن و دلتونه آنچه را که میترسم
گرفتاری آنرا و آسان کن برایم

ما اخاف صعوبته وخلصني مما اخاف هلكته يا ارحم الراحمين
يا ذا الجلال والاكرام لا اله الا انت سبحانك انى كنت من الظالمين و
صلى الله على محمد واله الطيبين الطاهرين ١.

٤ - دعائه في الثناء على الله مما علمه اويس

يا سلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر الطاهر المطهر القادر القاهر
المقتدر ١ يا من ينادى من كل فج عميق بالسنة شتى ولغات مختلفة
وحوائج اخرى يا من لا يشغله شأن من شأن انت الذى لا تغيرك الازمنة
ولا تحيط بك الامكنة ٢ ولا تأخذك نوم ولا سنة يسر لى من امرى
ما اخاف عسره وفرج لى من امرى ما اخاف كربه وسهل لى من امرى
ما اخاف حزونته ٣ - سبحانك لا اله الا انت انى كنت من الظالمين
عملت سوء وظلمت نفسى فاغفر لى انه لا يغفر الذنوب الا انت والحمد لله
رب العالمين ولا حول ولا قوة الا بالله العلى العظيم وصلى الله على محمد نبيه
واله وسلم تسليما

٥ - من دعائه في الثناء ايضا وهو مما علمه اويسا

بسم الله الرحمن الرحيم اللهم انى اسئلك ولا اسئل غيرك وارغب
اليك ولا ارغب الى غيرك اسئلك يا امان الخائفين وجار
المستجيرين انت الفتاح ذو الخيرات مقيل العثرات ١

آنچه راکه از شکلی آن میترسم و از هلاک آنچه میترسم مرا خلاص نما یا ارحم الراحمین ای صاحب جلال و اکرام نیست معبود و پناهی جز تو منزهی تو بتحقیق بوده ام من از ستمگران و رحمت فرستد خدا بر محمد و پیروان پاکیزه و پاکان او ۱

۴ – دعای آنحضرت در ثناء بر خدا از آنچه باویس تعلیم فرموده

ای بی عیب مانده سرپرست عزیز جبار متکبر پاک کننده توانای دارای قهر و دارای اقتدار ۱ ای آنکه خوانده میشوی از هر دره و بیان جوری بزبانهای پراکنده و لغات مختلفه و حاجتهای دیگری ای آنکه مشغول نمیکند او را شأنی از شأن دیگر توئی که زمانها تغییرت نمیدهد و مکانها بتو احاطه ندارد ۲ و ترا خواب بهجرت نگیرد آسان کن برایم از کارم آنچه میترسم سختی آنرا و بگشا برایم از کارم آنچه میترسم گرفتاری آنرا و سهل کن برایم از کارم آنچه را میترسم مشکلی و غصه آور آنرا ۳ منزهی تو نیست معبود و پناهی جز تو بتحقیق بوده ام من از ستمگران عمل بد کردم و بخود ستم نمودم پس بیامرزم بتحقیق نمی آمرزد گناهها را جز تو و سپاس خدای کامل الذاتیکه پروردگار جهانیانست و نیست قدرت و قوه ای جز بخدای والای بزرگ و خدا رحمت فرستد بر محمد پیمبرش و بر آل او و سلم تسلیماً

۵ – از دعای آنحضرت در ثناء بر خدا و این را نیز باویس آموخته

بنام خدای بخشنده مهربان خدایا بتحقیق من سؤال میکنم ترا و از غیر تو سؤال نمیکنم و بسوی تو رغبت کردم و بغیر تو رغبت ندارم سؤال میکنم ترا ای امان ترسداران و پناه پناه خواهان توئی گشاینده صاحب خیرات و برگرداننده لغزشها ۱

وماحى السيئات وكاتب الحسنات ورافع الدرجات اسئلك بافضل
المسائل كلها وانجحها التى لا ينبغى ان يسئلوك الا بها وبك يا الله
يا رحمن وباسمائك الحسنى وامثالك العليا ونعمك التى لا تحصى وباكرم
اسمائك عليك واحبها اليك واشرفها عندك منزلة واقربها منك وسيلة
واجزلها ثواباً واسرعها منك اجابة وباسمك المخزون الجليل الاجل الاعظم
العظيم الذى تحبه وترضيه وترضى عمن دعاك به وتستجيب دعائه وحق
عليك ان لا تحرم به سائلك ٢ وبكل اسم هو لك فى التورية والانجيل
والزبور والفرقان وبكل اسم هو لك علمته احداً من خلقك او لم تعلمه احداً
٣ـ وبكل اسم دعاك به حملة عرشك وملائكتك واصفيائك من
خلقك وبحق السائلين لك والراغبين اليك والمتعوذين بك والمتضرعين
اليك ٤ـ وبحق كل عبد متعبد لك فى بر او بحر او سهل او جبل ادعوك
دعاء من قد اشتدت فاقته وعظم جرمه واشرف على الهلكة وضعفت
قوته ومن لا يثق بشيئ من عمله ولا يجد لذنبه غافراً غيرك ولا
لسعيه شاكراً سواك ٥ هربت اليك غير مستنكف ولا مستكبر عن عبادتك
يا انس كل فقير مستجير ٦ اسئلك بانك انت الله لا اله الا انت الحنان
المنان بديع السموات والارض ذوالجلال والاكرام عالم الغيب والشهادة الرحمن
الرحيم ٧ـ انت الرب وانا العبد وانت المالك وانا المملوك وانت

و توئی محو کننده گناهان و نویسنده حسنات و بلند کننده درجات سئوال میکنم ترا ببهترین تمام ۱
سئوالها و برآورده ترین مسئلتها آنها که سزاوار نیست که سئوال کنند ترا مگر بهمان سئوالها
و بحق خودت ای خدای کامل الذات وای بخشنده و بنامهای نیکوی و مثلهای بلندت و قسم بنعمتهایت
که بشمار نیاید و بگرامی ترین اسماء تو بر تو و محبوبترین آنها بسوی تو و شریفترین آنها نزد تو
و نزدیک ترین وسیله از تو و فراوان ترین آنها از ثواب و آنها که زودتر باجابت میرسند
و باسم پنهانی تو که بزرگ و اجل و اعظم و عظیم است آن اسمی که دوست داری و می پسندی
و هر کس ترا بآن بخواند خوشنود میشوی و دعای او را باجابت میرسانی و سزاوار است بر تو
که محروم نکنی سئوال کننده آنرا ۲ و بهر اسمی که برای تو است در توراة و انجیل و زبور
و فرقان و بهر اسمی که ترا است که آموخته ای بیکی از مخلوقات و یا نیاموخته ای باحدی
۳ - و بهر اسمیکه خوانند ترا بآن اسم حاملین عرش تو و فرشتگانت و برگزیدگانت
از میان مخلوقات و بحق آنانکه بر تو را سئوال میکنند و بسوی تو رغبت دارند و بتو پناه
میبرند و بسوی تو زاری میکنند ۴ - و بحق هر بنده ایکه بزبان تو است در بیابان
و یا در دریا و یا در صحرا و یا در کوه میخوانم ترا خواندن آنکه بتحقیق بیچیز را و سخت
شده و جرم او بزرگ گردیده و بر هلاک مشرف شده و نیروی او ناتوان شده و آنکه بچیزی
از عمل خود اعتماد ندارد و برای گناهش آمرزنده جز تو نیافته و برای کوشش خود شکرگذاری
جز تو پیدا نکرده ۵ اقرار کنیم (کردن) بسوی تو خود داری ندارم و از عبادت تکبر نمیورزم
ای انیس هر فقیر پناهنده (خواهان ه) ۶ - سئوال میکنم ترا برای اینکه توئی خدای کامل الذاتیکه
پناهی نیست جز تو که مهربان منت گذاری پدید آرنده آسمانها و زمینی صاحب جلال و کرمی
دانای غیب و حاضری بخشنده مهربانی ۷ - توئی پروردگار و منم بنده و توئی مالک و منم مملوک

العزيز وانا الذليل وانت الغنى وانا الفقير وانت الحي وانا الميت وانت الباقي وانا الفاني وانت المحسن وانا المسيئ وانت الغفور وانا المذنب وانت الرحيم وانا الخاطى وانت الخالق وانا المخلوق وانت القوى وانا الضعيف وانت المعطى وانا السائل وانت الآمن وانا الخائف وانت الرازق وانا المرزوق وانت احق من شكوت اليه واستغثت به ورجوته لانك كم من مذنب قد غفرت له وكم من مسيئ قد تجاوزت عنه فاغفرلي وتجاوز عني وارحمني وعافني مما نزل بي ولا تفضحني بما جنيته على نفسي وخذ بيدي وبيد والدي وولدي وارحمنا برحمتك يا ارحم الراحمين ياذا الجلال والاكرام

٤ـ من دعائه عليه السلام في ذكر اسماء الله الحسنى

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انت الله وانت الرحمن وانت الرحيم الملك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر الاول الآخر الظاهر الباطن الحميد المجيد المبدئ المعيد الودود الشهيد القديم العلي الصادق الرؤف الرحيم الشكور الغفور العزيز الحكيم ذو القوة المتين الرقيب ذو الجلال والاكرام العظيم العليم الغني الولي الفتاح المرتاح القابض الباسط العدل الوفي الحق المبين الخلاق الرزاق الوهاب التواب الرب

وتوئی عزیز و منم ذلیل و توئی غنی و منم فقیر و توئی زنده و منم مرده و توئی باقی
و منم فانی و توئی نیکوئی کن (نکوکار) و منم بدکار و توئی آمرزنده و منم گناهکار و توئی
رحیم و منم خطاکار و توئی خالق و منم مخلوق و توئی توانا و منم ناتوان و توئی
عطا بخش و منم گدا و توئی امان ده و منم ترسان و توئی رازق و منم روزی خور
و تو سزاوارتر کسی هستی که بسوی او شکایت برم و استغاثه با او کنم و امیدوار او باشم بار
(راز و نگذشتی) اینکه چه قدر از گناهکاران را بتحقیق آمرزیدی و چه قدر از بدکاران را که ~~گناه کرده~~
۸ــ پس بیامرز مرا و از ~~جنایتها~~ بگذر و مرا رحم نما و ~~عطا~~ مرا از آنچه
بر سرم آمده و ... تا آنچه جنایت (علیت (۱)) کرده ام بر خودم رسوا مساز و دست مرا بگیر و والدین و فرزندانرا
مرا بگیر و بر ما رحم کن برحمت خود یا ارحم الراحمین ای صاحب جلال و کرم

۹ــ از دعای آنحضرت است در ذکر اسماء الله الحسنی

بنام خدای بخشنده مهربان

خدایا توئی خدای کامل الذات و توئی بخشنده و توئی مهربان پادشاه پاک بی عیب پناه دهنده
بزرگوار پدید آرنده برگشت دهنده مهربان گواه ظاهر قدیم و الای راستگوی مهربان
رحم کننده شکر گذار آمرزنده عزیز حکیم صاحب نیروی محکم مراقب اعمال ~~...~~
صاحب جلال و اکرم بزرگ دانا بی نیاز سرپرست گشاینده خورسند کننده دهنده
عادل باوفا ثابت الوجود بیان کننده آفریننده روزی دهنده بخشایشگر توبه پذیر پروردگار

(۱) مانند سرپرست عزیز جبار متکبر اول آخر آشکارا پنهان شده

الوكيل اللطيف الخبير السميع البصير الديان المتعال القريب المجيب
الباعث الوارث الواسع الباقي الحى الدائم الذى لايموت القيوم
النور الغفار الواحد القهار الاحد الصمد الذى لم يلد ولم يولد
ذو الطول المقتدر علام الغيوب البدئ البديع الداعى الطاهر
المقيت المغيث الدافع الرافع الضار النافع المعز المذل المطعم
المنعم المهيمن المكرم المحسن المجمل الحنان المفضل المحيى المميت الفعال
لما يريد مالك الملك تؤتى الملك من تشاء وتنزع الملك ممن تشاء و
تعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيئ قدير تولج
الليل فى النهار وتولج النهار فى الليل وتخرج الحى من الميت وتخرج
الميت من الحى وترزق من تشاء بغير حساب فالق الاصباح وفالق
الحب والنوى يسبح له ما فى السموات والارض وهو العزيز الحكيم ٢
اللهم ما قلت من قول او حلفت من حلف او نذرت من نذر فى يومى هذا
او ليلتى هذه فمشيئتك بين يدى ذلك كله ما شئت منه كان ومالم تشاء
منه لم يكن فادفع عنى بحولك وقوتك فانه لاحول ولاقوة الا بالله
العلى العظيم ٣ اللهم بحق هذه الاسماء عندك صل على محمد وآل محمد واغفر
لى وارحمنى وتب على وتقبل منى واصلح شأنى ويسر لى امورى
ووسع على رزقى واغننى بكرم وجهك عن جميع خلقك وصن وجهى

کارگذار با لطف آگاه شنوا بینا جزا دهنده برتر نزدیک جواب دهنده
برانگیزاننده ارث برنده وسعت دهنده باقی زنده همیشه آنکه نمی میرد پاینده
نمایاننده آمرزنده یکتا قهار یگانه بی نیاز یکه فرزند ندارد و فرزند کسی نیست
صاحب فضل مقتدر دانای غیبها پدید آرنده خالق بی سابقه دعوت کننده پاک
قوت دهنده فریادرس دفع کننده بالا برنده ضرر زننده نفع رسان عزت دهنده
ذلت بخش طعام دهنده انعام بخش سرپرست گرامی دارنده نیکوکننده زیبائی بخش
مهربان صاحب فضل زنده کننده میراننده کشنده هر چه بخواهد مالک هستی میدهی
ملک را بهر کس بخواهی و میگیری ملک را از هر که بخواهی و عزت بخشی بهر که بخواهی و ذلیل
میگردانی هر که را بخواهی بدست تو است خیر حقیقتا تو بهر چیز توانائی در میآوری شب را
در روز و میآوری روز را در شب و بیرون میآوری زنده را از مرده و بیرون میآوری مرده را
از زنده و روزی میدهی هر که را بخواهی بدون حساب شکافنده روشنی صبح و شکافنده
حب و هسته تسبیح و تنزیه میکند او را آنچه در آسمانها و زمین است و اوست با عزت و با
حکمت ٢ خدا آنچه گفتم از گفتار و یا قسم خوردم و یا آنچه نذر کردم از نذرها در این روزم
و یا در این شبم پس خواست تو مقدم و جلو تمام اینها است آنچه خواستی بشود و آنچه نخواستی
نبوده پس برگردان از من بلاها را بقدرت و قوه خودت زیرا که نیست قدرت و قوه‌ای جز
بواسطه خدای کامل الذات و الای بزرگ ٣ - خدایا بحق این اسماء نزد تو رحمت
فرست بر محمد و آل محمد و بیامرز مرا و رحم نما و بپذیر توبه مرا و قبول کن از من و کار
مرا اصلاح نما و امور مرا آسان کن و در روزی من برای من گشایش بده و مرا از تمام خلق خود
بی نیاز کن بحق کرامات ذاتت و روی مرا و آبروی مرا و دست و زبان مرا حفظ نما از سئوال غیر خودت

ويدى ولسانى عن مسئلة غيرك واجعل لى من امرى فرجاً ومخرجاً

٣- فانك تعلم ولا اعلم وتقدر ولا اقدر وانت على كل شيئ قدير برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على سيد المرسلين سيدنا محمد واله الطاهرين

٧- ومن دعائه فى ذكر اسماء الحسنى وهو دعاء المشلول

بسم الله الرحمن الرحيم

اللهم انى اسئلك باسمك بسم الله الرحمن الرحيم يا ذا الجلال[١] والاكرام يا حى[٢]
يا قيوم[٣] لا اله الا انت[٤] يا هو يا من لا يعلم[٥] ما هو ولا كيف[٦] هو ولا اين[٧] هو و
لا حيث[٨] هو الا هو يا ذا الملك[٩] والملكوت يا ذا العزة[١٠] والجبروت يا ملك[١١]
يا قدوس[١٢] يا سلام[١٣] يا مؤمن[١٤] يا مهيمن[١٥] يا عزيز[١٦] يا جبار[١٧] يا متكبر[١٨] يا خالق[١٩]
يا بارئ[٢٠] يا مصور[٢١] يا مقدر[٢٢] يا مفيد[٢٣] يا مدبر[٢٤] يا شديد[٢٥] يا مبدئ[٢٦] يا
معيد[٢٧] يا مبيد[٢٨] يا ودود[٢٩] يا محمود[٣٠] يا معبود[٣١] يا بعيد[٣٢] يا قريب[٣٣] يا مجيب[٣٤]
يا رقيب[٣٥] يا حسيب[٣٦] يا بديع[٣٧] يا رفيع[٣٨] يا منيع[٣٩] يا سميع[٤٠] يا عليم[٤١] يا حليم[٤٢] يا كريم[٤٣]
يا حكيم[٤٤] يا قديم[٤٥] يا على[٤٦] يا عظيم[٤٧] يا حنان[٤٨] يا منان[٤٩] يا ديان[٥٠] يا مستعان[٥١] يا
جليل[٥٢] يا جميل[٥٣] يا وكيل[٥٤] يا كفيل[٥٥] يا مقيل[٥٦] يا منيل[٥٧] يا نبيل[٥٨] يا دليل[٥٩] يا
هادى[٦٠] يا بادى[٦١] يا اول[٦٢] يا آخر[٦٣] يا ظاهر[٦٤] يا باطن[٦٥] يا قائم[٦٦] يا دائم[٦٧] يا عالم[٦٨]
يا حاكم[٦٩] يا قاضى[٧٠] يا عادل[٧١] يا فاصل[٧٢] يا واصل[٧٣] يا طاهر[٧٤] يا مطهر[٧٥] يا قادر[٧٦] يا
مقتدر[٧٧] يا كبير[٧٨] يا متكبر[٧٩] يا واحد[٨٠] يا احد[٨١] يا صمد[٨٢] يا من لم يلد[٨٣] ولم يولد[٨٤] ولم

و قرار بده (برایم) از کارم (امرم) فرجی و (خروجی) جای بیرون رفتنی ۴ ~~پس حقیقتاً~~ (زیرا که) تو میدانی و (من) نمیدانم و توانائی و من ناتوانم و تو بر هر چیز توانائی برحمت خودت یا ارحم الراحمین و خدا رحمت فرستد بر سید مرسلین آقای ما محمد و بر روح پاک او

۷ - از دعای آنحضرت است در ذکر اسماء الحسنی و آن دعای مشلول است

بنام خدای بخشنده مهربان

خدایا حقیقتاً من از تو خواهم بنامت بسم الله الرحمن الرحیم ای صاحب جلال و اکرام [1] ای زنده [2] ای پاینده [3] نیست معبود و پناهی جز تو ای آنکه [4] نمیداند چیست او و نداند چگونه [5] است او و نداند در کجا است [7] او و چه سوا است او مگر خودش ای صاحب ملک و ملکوت [9] ای صاحب عزت و جبروت [10] ای پادشاه [11] ای منزه [12] ای بی عیب [13] ای امانده [14] ای سرپرست [15] ای عزیز [16] ای جبران کننده [17] ای متکبر [18] ای خالق [19] ای ایجاد کننده [20] ای صورتکش [21] ای اندازه گیر ای بهره رسان ای تدبیر کننده ای شدید ای ابتدا کننده ای برگشت دهنده ای هلاک کننده ای مهربان ای پسندیده ای عبادت شده ای حاضر ای نزدیک ای جوابگو ای مراقب ای حساب کننده ای تازه آفرین ای بلند ای منع کننده ای شنوا ای دانا ای بردبار ای کریم ای حکیم ای قدیم ای والا ای بزرگ ای خیرخواه ای منت گذار ای جزاده ای یاور ای بزرگ ای زیبا ای کارگذار ای سرپرست ای صاحب گذشت ای رساننده (ای بلند آوازه) ای راهنما ای هدایتکن ای ابتدا کن ای اول ای آخر ای آشکار ای پنهان ای قائم ای همیشه ای دانا ای (فرمانده) اردادر ای دادگر ای جدا کننده ای وصل کننده ای پاک ای پاک کننده ای توانا ای صاحب اقتدار ای بزرگ ای متکبر ای یگانه ای یکتا ای بی نیاز ای کسیکه نه فرزند دارد و نه فرزند کسی است

يكن له كفوا احد ولم يكن له صاحبة ولا كان معه وزير ولا اتخذ معه مشير
ولا احتاج الى ظهير ولا كان معه من اله غيره لا اله الا انت فتعاليت
عما يقول الظالمون علوا كبيرا يا على يا شامخ يا باذخ يا فتاح يا نفاح يا مرتاح
يا مفرج يا ناصر يا منتصر يا مدرك يا مهلك يا منتقم يا باعث يا وارث يا
طالب يا غالب يا من لا يفوته هارب يا تواب يا اواب يا وهاب يا مسبب
الاسباب يا مفتح الابواب يا من حيث ما دعى اجاب يا طهور يا شكور يا عفو
يا غفور يا نور النور يا مدبر الامور يا لطيف يا خبير يا مجير يا منير يا بصير
يا ظهير يا كبير يا وتر يا فرد يا ابد يا سند يا صمد يا كافي يا شافي يا وافي يا
معافي يا محسن يا مجمل يا منعم يا مفضل يا متكرم يا متفرد يا من علا فقهر
يا من ملك فقدر يا من بطن فخبر يا من عبد فشكر يا من عصى فغفر يا من
لا تحويه الفكر ولا يدركه بصر ولا يخفى عليه اثر يا رازق البشر يا مقدر
كل قدر يا عالي المكان يا شديد الاركان يا مبدل الزمان يا قابل القربان يا
ذا المن والاحسان يا ذا العزة والسلطان يا رحيم يا رحمن يا من هو كل
يوم في شان يا من لا يشغله شأن عن شأن يا عظيم الشأن يا من
هو بكل مكان يا سامع الاصوات يا مجيب الدعوات يا منجح الطلبات يا
قاضي الحاجات يا منزل البركات يا راحم العبرات يا مقيل العثرات يا كاشف
الكربات يا ولي الحسنات يا رافع الدرجات يا مؤتي السؤولات يا محيي

ونبوده است برای او همتا احدی و برای او همسری نبوده و نبوده با او وزیری و نه گرفته با خود شریکی
و نه محتاج است به یاور و پشتیبانی و نبوده است با او [illegible] معبودی غیر او نیست معبودی
جز تو تو برتری از آنچه ستمگران میگویند برتری بزرگی ای والا ای بلند مرتبه ای عظیم الشان
ای گشاینده ای کثیر العطا ای خورسند ای فرج دهنده ای یاری کننده ای یاری جوینده برای دین خود ای
گیرنده ای هلاک کننده ای انتقام کشنده ای برانگیزاننده ای وارث ای طلب کننده ای پیروز
ای کسیکه فوت نمیشود از او گریزنده ای توبه پذیر ای مرجع ای بخشنده ای مسبب الاسباب
ای گشاینده درها ای آنکه هر سو خوانده شد جواب داد ای پاک ای شکرگذار ای عفو کننده ای آمرزنده
ای نمایاننده نور ای تدبیر کننده امور ای صاحب لطف ای آگاه ای پناه دهنده ای روشنی ده
ای پناه ای پشتیبان ای بزرگ ای تنها ای یکتا ای همیشه ای یگانه ای بی‌نیاز ای کفایت
کننده ای شفا دهنده ای وفا کننده ای عافیت دهنده ای نیکوکار ای زیبائی ده ای نعمت
دهنده ای صاحب فضل ای صاحب کرم ای یکتا ای کسیکه برتر بود پس غالب شد ای کسیکه مالک
شد پس تقدیر کرد ای کسیکه عالم بباطن بود پس آگاه کرد ای کسیکه عبادت شد پس شکر نمود
ای آنکه عصیان شد پس آمرزید ای آنکه فکرها باو احاطه نکند و دیده‌ها او را درک نکند و اثری
بر او مخفی نیست ای روزی بخش بشر ای اندازه گیر هر اندازه ای والا مکان ای آنکه ارکان
دین او محکم ای آنکه تبدیل کننده زمان ای قبول کننده قربان ای صاحب منت و احسان ای صاحب عزت و سلطان
[illegible] ای رحیم ای رحمان ای آنکه هر روز در شأنی ای آنکه مشغول نکند او را شأنی از شأنی
ای عظیم الشان ای آنکه بهر مکانی ای شنونده صداها ای جوابده دعاها ای برآورنده خواسته‌ها
ای برآورنده حاجات ای نازل کننده برکات ای رحم کننده باشک دیده‌ها ای پذیرنده لغزشها ای گشاینده گرفتاریها
ای سرپرست حسنات ای بلند کننده درجات ای دهنده درخواستها ای زنده کننده

الاموات يا جامع الشتات يا مطلعا على النيات يا راد ما قد فات يا من لا
تشتبه عليه الاصوات يا من لا تضجره المسئلات ولا تغشاه الظلمات يا نور
الارض والسموات يا سابغ النعم يا دافع النقم يا بارئ النسم يا جامع الامم
يا شافي السقم يا خالق النور والظلم يا ذا الجود والكرم يا من لا يطأ عرشه قدم
يا اجود الاجودين يا اكرم الاكرمين يا اسمع السامعين يا ابصر الناظرين يا
جار المستجيرين يا امان الخائفين يا ظهر اللاجين يا ولي المؤمنين يا غياث
المستغيثين يا غاية الطالبين يا صاحب كل غريب يا مونس كل وحيد
يا ملجأ كل طريد يا مأوى كل شريد يا حافظ كل ضالة يا راحم الشيخ
الكبير يا رازق الطفل الصغير يا جابر العظم الكسير يا فاك كل اسير
يا مغني البائس الفقير يا عصمة الخائف المستجير يا من له التدبير و
التقدير يا من العسير عليه سهل يسير يا من لا يحتاج الى تفسير يا
هو على كل شيئ قدير يا من هو بكل شيئ خبير يا من هو بكل بصير يا
مرسل الرياح يا فالق الاصباح يا باعث الارواح يا ذا الجود والسماح
يا من بيده كل مفتاح يا سامع كل صوت يا سابق كل فوت يا محيي كل نفس
بعد الموت يا عدتي في شدتي يا حافظي في غربتي يا مونسي في وحدتي
يا وليي في نعمتي يا كهفي حين تعييني المذاهب وتسلمني الاقارب و
يخذلني كل صاحب يا عماد من لا عماد له يا سند من لا سند له يا ذخر من لا
ذخر له يا حرز من لا حرز له يا كهف من لا كهف له يا كنز من لا كنز له يا ركن من لا ركن له

X X

مرده ها ای جمع کن پراکنده ها ای مطلع بر نیتها ای برگردانندهٔ آنچه از دست رفته ای آنکه
مشتبه نشود بر او صداها ای آنکه ملالت نگیرد از درخواستها و فرانگیرد او را تاریکیها ای روشنی
ده بزمین و آسمانها ای فروریزنده نعمتها ای برطرف کنندهٔ بلاها ای آفریننده نفوس ای
جمع کنندهٔ امتها ای شفا دهنده دردها ای خالق نور و ظلمتها ای صاحب جود و کرم ای آنکه
ننهاده بر عرش او قدمی ای جوادترین باجودها ای کریمترین کریمان ای شنواترین
شنوندگان ای بیناترین بینایان ای پناه پناهندگان ای امان ده خائفان ای
پشت و پناه پناه جویان ای ولی مومنان ای فریادرس فریادخواهان ای نهایت آرزوی طالبان
ای همراه غریبان ای مونس تنهایان ای پناه راندگان ای مأوای آوارگان ای نگهدار
گم شدگان ای رحم کن پیر مردان ای روزی ده کودکان ای شکسته بند کن استخوانها
ای رهائی ده اسیران ای توانگر کن بیچارهگان فقیران ای نگهدار پناهنده ترسان ای آنکه اختصاص
باو دارد تدبیر و تقدیر جهانیان ای آنکه مشکلات براو سهل است و آسان ای آنکه محتاج نیست
بتفسیر و بیان ای آنکه او بر هر چیزی تواناست ای آنکه بهر چیزی داناست ای آنکه بهر
چیزی بیناست ای آنکه فرستنده بادها ای شکافنده فجرها ای برانگیزاننده جانها
ای صاحب جود و بخششها ای آنکه بدست اوست تمام کلیدها ای شنونده آوازه ها ای جلوگیر
هر فوت ای زنده کننده هر جانی بعد از موت ای تکیه گاه من در شدتهایم ای نگهدار من در غربتم
ای مونس من در تنهائیم ای سرپرست من در نعمتم ای پناه من هنگامیکه روشها مرا درمانده
میسازند و خویشان مرا واگذارند و رفیقان ترکم کنند ای پشتیبان بی پشتیبان ای تکیه گاه
بی سندان ای ذخیره بی ذخیرهگان ای پناه بی پناهان ای [illegible] دردمندان ای گنج
گنج ندارن ای تکیه گاه آوارهگان [illegible] بیچارهگان ای همسایه [illegible]

يا غياث من لا غياث له يا جار من لا جار له يا جاري اللصيق يا ركني الوثيق
يا الهي بالتحقيق يا رب البيت العتيق يا شفيق يا رفيق فكني من حلق المضيق
واصرف عني كل هم وغم وضيق واكفني شر ما لا اطيق واعني على ما اطيق
يا راد يوسف على يعقوب يا كاشف ضر ايوب يا غافر ذنب داود يا رافع
عيسى بن مريم ومنجيه من ايدي اليهود يا مجيب نداء يونس في الظلمات
يا مصطفى موسى بالكلمات يا من غفر لآدم خطيئته ورفع ادريس
مكانا عليا برحمته يا من نجى نوحا من الغرق يا من اهلك عادا الاولى
وثمود فما ابقى وقوم نوح من قبل انهم كانوا هم اظلم واطغى والمؤتفكة
اهوى يا من دمر على قوم لوط ودمدم على قوم شعيب يا من
اتخذ ابراهيم خليلا يا من اتخذ موسى كليما واتخذ محمدا ص حبيبا يا مؤتي
لقمان الحكمة والواهب لسليمان ملكا لا ينبغي لاحد من بعده يا من نصر ذا القرنين
على الملوك الجبابرة يا من اعطى الخضر الحيوة ورد ليوشع بن نون الشمس بعد غروبها
يا من ربط على قلب ام موسى واحصن فرج مريم ابنت عمران يا من حصن يحيى
بن زكريا من الذنب وسكن عن موسى الغضب يا من بشر زكريا بيحيى
يا من فدا اسماعيل من الذبح بذبح عظيم يا من قبل قربان هابيل وجعل
اللعنة على قابيل يا هازم الاحزاب لمحمد ص صل على محمد وال محمد وعلى جميع

ای فریادرس بیکسان ای همسایهٔ بی همسایگان دربدران ای همسایهٔ نزدیک من ای پایهٔ محکم
رکن محکم و ثوق من ای بحقیقت معبود من ای صاحب خانه کعبه ای رفیق مهربان رهایم کن
از ضیق و نگرانی از من هر هم و غم و ضیق و کفایتکن مرا از شر آنچه طاقت ندارم و
یاریم کن در آنچه طاقت دارم ای که یوسف را بیعقوب برگرداندی ایکه ضرر ایوب را برطرف کردی
ایکه گناه داود را آمرزیدی ایکه عیسی بن مریم را برداشتی و از دست یهود نجاتش دادی ایکه ندای
یونس را در تاریکیها جواب دادی ایکه موسی را بسخن گفتن خود برگزیدی ایکه خطای آدم را آمرزیدی و
ادریس بجای بلندی بالا بردی برحمت خود ایکه نوح را از غرق نجات دادی ای کسیکه قوم عاد و ثمود را
هلاک کرد و چیزی بجا نگذاشت و قوم نوح را از پیش زیرا که بودند ظالمتر و سرکش‌تر و شهرهای
مدین را که سرنگون کرد ایکه واژگون کردی قوم لوط را و دمیدی عذابرا بر قوم
شعیب ایکه ابراهیم را دوست خود گرفتی ای که موسی را کلیم خود ساختی و ایکه محمد ص را
حبیب خود قرار دادی ایکه بلقمان حکمت عطا کردی و بسلیمان سلطنتی بخشیدی که برای
احدی پس از او شایسته نباشد ایکه ذو القرنین بر سلاطین ستمگر پیروز کردی ایکه
خضر را زندگی عطا کردی و برای یوشع بن نون خورشید پس از غروب آن برگردانیدی
ای خدائیکه دل مادر موسی را آرام کردی و مریم دختر عمران را عفت دادی ایکه یحیی بن
زکریا را از گناه مصون داشتی ایکه خشم موسی را آرام نمودی ایکه زکریا را بشارت بوجود
یحیی دادی ایکه برای اسماعیل از ذبحش قربانی بذبح بزرگ دادی ایکه قربانی هابیل را پذیرفتی
و بر قابیل لعنت نهادی ایکه احزاب کفار را در جنگ احزاب فرار دادی برای محمد ص رحمت
فرست بر محمد و پیروان او و بر تمام رسولان

المرسلين وملائكتك المقربين واهل طاعتك اجمعين واسئلك بكل مسئلة
سئلك بها احد ممن رضيت عنه محتمت له على الاجابة يا الله يا الله يا الله يا الله يا
يا رحمن يا رحمن يا رحمن يا رحيم يا رحيم يا رحيم يا ذا الجلال والاكرام يا ذا الجلال والاكرام
يا ذا الجلال والاكرام به به به اسئلك بكل اسم سميت به نفسك او انزلته في
شيئ من كتبك او استأثرت به في علم الغيب عندك وبمعاقد العز من عرشك
وبمنتهى الرحمة من كتابك وبالو ان ما في الارض من شجرة اقلام والبحر
يمده من بعده سبعة ابحر ما نفدت كلمات الله ان الله عزيز حكيم واسئلك
باسمائك الحسنى التي نعتها في كتابك فقلت ولله الاسماء الحسنى فادعوه بها
وقلت ادعوني استجب لكم وقلت واذا سئلك عبادي عني فاني قريب اجيب
دعوة الداع اذا دعان وقلت يا عبادي الذين اسرفوا على انفسهم لا تقنطوا
من رحمة الله ان الله يغفر الذنوب جميعا انه هو الغفور الرحيم وانا اسئلك
يا الهي وادعوك يا رب وارجوك يا سيدي واطمع في اجابتي يا مولاي كما
وعدتني وقد دعوتك كما امرتني فافعل بي ما انت اهله يا كريم والحمد لله رب
العالمين وصلى الله على محمد واله اجمعين يس ٥ ج خود ابخواه

٨ — من دعائه في الثناء على الله قبل المسئلة

يا من هو اقرب الي من حبل الوريد يا فعالا لما يريد يا من يحول بين المرء وقلبه
يا من هو بالمنظر الاعلى يا من ليس كمثله شيئ

رسولان و فرشتگان مقرب و اهل طاعت تو بتمام و از تو خواهانم بهر خواهشی که بآن خواسته
هر کسیکه از او خوشنود بودی و برایش اجابت را حتم نمودی ای خدای کامل الذات ای خدا ای خدا
ای رحمان ای رحمان ای رحمان ای رحیم ای رحیم ای رحیم ای صاحب جلال و کرم ای صاحب جلال و کرم ای
صاحب جلال و کرم باین اسم باین اسم باین اسم سئوال میکنم از تو بهر نامیکه نامیدی بدان خود را
و یا نازل کردی در یکی از کتابهایت و یا برای خود نگاه داشتی در علم غیب نزد خودت و به مخفیهای
عزت از عزتت و بمنتهای رحمت از کتابت و بآنچه که خود فرمودی در سوره لقمان آیه ۲۷ لو ان
ما فی الارض من شجرة تا آخر یعنی اگر هر چه در زمین است از درخت قلم میشد و دریا مرکبش بود
و پس از آن هفت دریای دیگر مرکب میشد کلمات خدا تمام نمیشد بدرستیکه عزیز حکیم است و سئوال
میکنم تو با سماء نیک تو آنها را که وصف کردی در کتابت و فرمودی ولله الاسماء الحسنی پس
بخوانید خدا را با آنها و گفتی بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را و گفتی و هرگاه بپرسند از تو بندگانم
از من پس حقیقتاً من نزدیکم و پاسخ میدهم دعای خواننده را وقتی مرا بخواند و گفتی ای بندگانم
که بر خودتان اسراف کردید نومید نباشید از رحمت خدا زیرا خدا میآمرزد تمام گناهها را بدرستیکه
او آمرزنده و مهربانست (بشرط توبه) و من میخواهم از تو ای معبود من و میخوانمت ای پروردگار من
و امید بتو دارم ای آقای من و طمع در اجابت تو دارم ای مولای من چنانچه مرا وعده دادی و بتحقیق
ترا خواندم چنانچه مرا امر کردی پس بجا آور در حق من آنچه تو اهل آنی ای کریم و سپاس الله رب
العالمین و رحمت خدا بر محمد و آل او همه

۸ — از دعاهای آنحضرت است در ثناء بر خدا و قبل از درخواست

ای که او نزدیکتر است بمن از رگ گردن ای که بجا آورنده ای هر چه اراده کنی ای که حائل میشوی
میان انسان و دل او ای که او بدیدگاه بالاتری است ای که نیست مانندش چیزی

٩ـ من دعائه ع في التضرع الى الله تعالى

اللهم اني اسئلك سؤال المسكين المستكين وابتغي اليك ابتغاء البائس الفقير
واتضرع اليك تضرع الضعيف الضرير وابتهل اليك ابتهال المذنب الذليل ـ
واسئلك مسئلة من خشعت لك نفسه وعفر لك وجهه وخضعت لك ناصيته
وانهملت اليك دموعه وفاضت اليك عبرته واعترف اليك بخطيئته ـ
وضلت عنه حيلته وانقطعت عنه حجته بحق محمد وآل محمد عليك وبحقك العظيم عليهم
ان تصلي عليهم كما انت اهله وان تعطيني افضل ما اعطيت السائلين من عبادك
الماضين من المؤمنين وافضل ما تعطي الباقين من المؤمنين وافضل ما تعطي
اوليائك الى يوم الدين ممن جعلت له خير الدنيا والآخرة يا كريم يا كريم ٣
واعطني في مجلسي هذا مغفرة ما مضى من ذنوبي وان تعصمني فيما بقي من عمري
وان ترزقني الحج والعمرة في عامي هذا متقبلاً مبروراً خالصاً لوجهك الكريم
وان ترزقنيه ابداً ما ابقيتني يا كريم يا كريم يا كريم اكفني مؤونة نفسي واكفني
مؤونة عيالي واكفني مؤونة خلقك واكفني شر فسقة العرب والعجم واكفني شر
فسقة الجن والانس واكفني شر كل دابة انت آخذ بناصيتها ان ربي على
صراط مستقيم ع

١٠ـ من دعائه ع في الاستكانة وطلب المغفرة

۹- از دعای آنحضرت در زاری بسوی خدایتعالی

خدایا حقیقتا من از تو درخواست میکنم درخواست چیز ذلیل و از تو میخواهم خواستن محتاج فقیر و زاری میکنم بسوی تو زاری ناتوان بیمار و آه میکشم بسوی تو آه گناهکار خوار ۱ و سئوال میکنم سئوال کسیکه خشوع کرده و خود را برای تو کوچک کرده و صورت خود را برای تو بخاک مالیده و پیشانیش را برای زمین سائیده و دیده خود را برای تو تر کرده و اشکش را جاری ساخته و بخطار خود نزد تو اعتراف کرده ۲ و راه چاره او گم شده و راه عذر او بریده شده بحق محمد و پیروان او بر تو و بحق بزرگ تو بر ایشان که رحمت فرستی بر ایشان چنان رحمتی تو اهل آن هستی و اینکه عطا کنی مرا بهترین چیزیکه به بندگان سائلین گذشته عطا کردی و بهترین چیزیکه بمؤمنین آینده عطا میکنی و بهترین چیزیکه بدوستانت تا روز جزا عطا خواهی کرد از آنانکه قرار دادی برای او خیر دنیا و آخرت ای کریم ای کریم ۳ و عطا کن مرا در این مجلس آمرزش گناهان گذشته مرا و حفظ نما مرا در آنچه باقی مانده از عمرم و روزیم کن حج و عمره در این سال حج پذیرفته شده نیک خالص برای ذات کریم تو و روزی نما مرا آنرا همیشه مادامیکه مرا باقی داشتی ای کریم ای کریم یا کریم کفایت کن مرا از مایحتاج خودم و کفایت کن مرا از مایحتاج عیالم و کفایت کن مرا از مایحتاج خلقت و کفایت کن مرا از شر نابکاران عرب و عجم و کفایت کن مرا از شر فاسقان جن و بشر و کفایت کن مرا از شر هر جنبنده ایکه زمامش بدست تو است که بدرستیکه پروردگارم بر راه راست است ۴

۱۰- از دعای آنحضرت در اظهار ذلت و طلب مغفرت

اللهم انى اسئلك قليلا من كثير مع ان فقرى اليك عظيم وغناك عنه قديم
وهو عندى كثير وهو عليك سهل يسير اللهم ان عفوك عن ذنبى وتجاوزك
عن خطيئتى وصفحك عن عظيم جرمى فيما كان من خطائى وعمدى اطمعنى فى
ان اسئلك ما لا استوجبه منك الذى رزقتنى من [illegible] رحمتك و
اريتنى من قدرتك وعرفتنى من اجابتك فصرت ادعوك آمنا واسئلك
مستأنسا لا خائفا ولا وجلا مدلا عليك فيما قصدت فيه اليك فان
ابطأ عنى عتبت بجهلى عليك ولعل الذى ابطأ عنى هو خير لى
لعلمك بعاقبة الامور فلم ار مولا كريما اصبر على عبد لئيم منك على يارب
انك تدعونى فاولى عنك وتتحبب الى فاتبغض اليك وتتودد الى فلا
اقبل منك كان لى التطول عليك فلم يمنعك ذلك من التعطف على و
الرحمة [illegible]لى والاحسان الى فارحم عبدك الجاهل [illegible]طى وجد
على بفضلك انك جواد كريم

١١- دعائه فى الاستغفار

اللهم انى استغفرك مما تبت اليك منه ثم عدت فيه واستغفرك لما اردت
به وجهك فخالطنى فيه ما ليس لك واستغفرك للنعم التى مننت بها على
فتقويت بها على معاصيك استغفر الله الذى لا اله الا هو الحى القيوم عالم الغيب
والشهادة الرحمن الرحيم لكل ذنب اذنبته ولكل معصية ارتكبتها

خدا بحقیقت من از تو درخواست کمی از بسیار را میکنم با اینکه احتیاجم بسوی تو بزرگست
و بی نیازی تو از درخواستم همیشه بوده و آن نزد من بسیار است و در نزد
آنکه بر تو سهل و آسانست خدایا بحقیقت عفو تو از گناه من و گذشت تو از خطای من و چشم پوشیت
بخشش تو از جرم عظیم من در آنچه صادر شد از خطای عمد من مرا بطمع انگند در اینکه
از تو سؤال کنم آنچه را مستحق نیستم همانا که روزی کردی مرا از رحمت و نمودی مرا
از توانائیت و فهماندی مرا از اجابت پس من ایمن شدم که ترا بخوانم و در حال انس
از تو خواهش کنم نه در حال ترس و هراسانی در حالیکه جری شده‌ام بر تو در آنچه
قصد دارم که از تو بخواهم پس اگر دیر برآورده شود عتاب و گله کنم از تو بواسطه
جهلم و بسا باشد که آنچه دیر برآورده شد بهتر باشد برایم چون تو
دانائی بعاقبت امور پس ندیدم مولای کریمی از تو صابرتر باشد بر بنده پستی از تو بر من
ای پروردگارم پس زیرا که تو مرا میخوانی من از تو رو میگردانم و تو نسبت بمن
محبت میکنی پس من اظهار بغض میکنم نسبت بتو و تو بمن مهر میورزی من از تو نمی‌پذیرم
گویا برای من منتی است بر تو پس از همه اینها اینها مانع از رحمت و نیکوئی و تفضلت نشد نسبت بمن
بواسطه جود و کرمت پس رحم کن به بنده خطاکار نادانت و بر او ببخش بفضل خود زیرا تو جواد و کریمی

۱۱ — دعای آنحضرت در طلب آمرزش

خدا بحقیقت من از تو آمرزش میجویم از آنچه از آن توبه کردم سپس در آن عود کردم و از تو آمرزش
میجویم برای آن عملی که برای تو انجام دادم و آنچه برای تو نبود در آن مخلوط گردید و از تو آمرزش
میجویم برای نعمتهائیکه بمن عطا کردی و بواسطه آنها من نیرومند بر معصیتهای تو شدم طلب آمرزش
میکنم از خدای کامل الذاتیکه نیست معبودی جز او که زنده و پاینده و دانای غیب و شهادتست و بخشنده و
مهربانست برای هر گناهی که کردم و برای هر معصیتی که مرتکب شده‌ام

١٢- ايضاً دعائه في طلب المغفرة

اللهم اغفرلي ما انت اعلم به مني فان عدت فعد لي بالمغفرة اللهم اغفرلي ما وايت من نفسي ولم تجد له وفاءً عندي اللهم اغفرلي ما تقربت به اليك ثم خالفه قلبي اللهم اغفرلي رمزات الالحاظ وسقطات الالفاظ وسهوات الجنان وهفوات اللسان

١٣- ايضاً في طلب المغفرة

اللهم اني اسئلك بان لك الحمد لا اله الا انت المنان بديع السموات والارض ذو الجلال والاكرام اني سائل فقير وخائف مستجير وتائب مستغفر اللهم صل على محمد وال محمد واغفرلي ذنوبي كلها قديمها وحديثها وكل ذنب اذنبته اللهم لا تجهد بلائي ولا تشمت بي اعدائي فانه لا دافع الا انت ولا مانع الا انت ع

١٤- دعائه ع في طلب العفو

يامن عفى عني وعن ما خلوت من السوءات في بيتي وغير بيتي يامن لم يؤاخذ بارتكاب المعاصي عفوك عفوك يا كريم عفوك

١٥- دعائه ع في المناجات

الهي صل على محمد وال محمد وارحمني اذا انقطع من الدنيا اثري وامتحى من المخلوقين ذكري وصرت في المنسيين كمن قد نسي الهي كبر سني ورق جلدي ودق عظمي ونال الدهر مني واقترب اجلي ونفدت ايامي وذهبت شهواتي وبقيت تبعاتي ع

۱۲ — ونیز دعای آنحضرت در طلب آمرزش

خدایا برایم بیامرز آنچه تو داناتری بآن از خودم، پس اگر برگشتم و عود کردم تو نیز عود نما
بآمرزش   خدایا برایم بیامرز آنچه از خودم متعهد شدم و وفاء آنرا نزد من نیافتی   خدایا بیامرز
برایم آنچه نزدیکی جستم بدان بسویت پس مخالفت نمود بدان قلبم
خدایا بیامرز برایم گوشه چشمها و خطاهای گفتارها و غفلتهای دلها و لغزشهای
زبانها

۱۳ ونیز در طلب آمرزش

خدا حقیقتاً از تو خواهانم چون ستایش فقط تو را است نیست معبودی بحق جز تو یکتا منّت
گذار بر بندگانی و آسمانها و زمین را تو هستی وادی و صاحب جلال و کرمی براستی منم
مانند فقیر ترسناک پناه جو توبه کننده آمرزش خواه ۱ خدایا رحمت فرست بر محمد و آله
و گناهانم را تماماً نو و کهنه آنرا بیامرز و هر گناهی انجام داده‌ام خدا گرفتاری را سخت
مگردان و دشمنانم را توفیق شماتت مده زیرا دافع بلا جز تو نیست و مانع ضرر جز تو نیست ۲

۱۴ — دعای آنحضرت در خواستن عفو

ای کسیکه از من و آنچه خلوت کرده‌ام در خانه و غیر خانه‌ام عفو کند ای که مرا بدا
ارتکاب معاصی مؤاخذه نکرده عفوترا عفوترا خواهم ای کریم عفو را

۱۵ دعای آنحضرت در مناجات با قاضی الحاجات

خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و رحم نما وقتیکه اثرم از دنیا قطع شود و یادم از زبان مخلوقین محو گردد
و مانند فراموش شدگان فراموش گردم ۱ خدایا سال من زیاد و پوستم نازک و استخوانم پوک شده و روزگار
بمن تأثیر کرده و اجلم نزدیک شده و روزهایم بآخر رسیده و شهواتم رفته و آثار بدش مانده ۲

الهی ارحمنی اذا تغیرت صورتی وامتحت محاسنی وبلی جسمی وتقطعت اوصالی وتفرقت اعضائی ٣ الهی افحمتنی ذنوبی وقطعت مقالتی فلاحجة لی ولا عذر فانا المقر بجرمی المعترف باسائتی الاسیر بذنبی المرتهن بعملی المتهور فی بحور خطیئتی المتحیر عن قصدی المنقطع بی فصل علی محمد وآل محمد وارحمنی برحمتک وتجاوز عنی یاکریم بفضلک ٤ الهی ان کان صغر فی جنب طاعتک عملی فقد کبر فی جنب رجائک املی ٥ الهی کیف انقلب بالخیبة من عندک محروما وکان ظنی بک وبجودک ان تقلبنی بالنجاة مرحوما ٦ الهی لم اسلط علی حسن ظنی بک قنوط الایس فلاتبطل صدق رجائی لک بین الاملین ٧ الهی عظم جرمی اذکنت المبارز به وکبر ذنبی اذکنت المطالب به الا انی اذا ذکرت کبیر جرمی وعظیم غفرانک وجدت الحاصل من بینهما عفو رضوانک ٨ الهی ان دعانی الی النار بذنبی مخشی عقابک فقد نادانی الی الجنة بالرجاء حسن ثوابک ٩ الهی ان اوحشتنی الخطایا عن محاسن لطفک فقد آنستنی بالیقین مکارم عطفک ١٠ الهی ان انامتنی الغفلة عن الاستعداد للقائک فقد نبهتنی المعرفة یا سیدی بکرم آلائک ١١ الهی ان عزب لبی عن تقویم ما یصلحنی فما عزب ایقانی بنظرک لی فیما ینفعنی ١٢ الهی ان انقرضت بغیر ما احببت من السعی ایامی فبالایمان امضتها الماضیات من اعوامی ١٣

خدایا رحم کن وقتیکه صورتم دگرگون گردد و محاسنم زائل شود و جسمم کهنه گردد و
بندهایم از یکدیگر جدا شود و اعضایم متفرق شود ۳ خدایا گناهانم دهان مرا بسته و گفتارم را
قطع کرده پس نه حجتی دارم و نه عذری پس منم اقرار بجرمم دارم و اعتراف ببدی میکنم
اسیرم بگناهم گروم بکردارم بیباک در دریای خطایم از هدف و مقصد خود دور و حیرانم
پس رحمت فرست بر محمد و پیروان او و مرا برحمت خود رحم نما و از من بگذر بفضل خود ای کریم ۴
خدایا اگر نسبت بطاعتت عملم کوچکست نسبت بامیدم تو آرزویم بزرگست ۵ خدایا چگونه
بنا امیدی از درگاهت محروم برگردم و حال آنکه گمانم بجود و جود تو این بود که مرا بلطف بنجات و رحمت
خود برگردانی ۶ خدایا نا امیدی یأسم را بر حسن ظنم بتو تسلط ندهم پس راستی امیدم را بتو
از این امیدوارانم باطل نسازی ۷ خدایا جرمم عظیم است زیرا با تو مبارزه کرده ام و گناهم
بزرگست زیرا بتو بدکارم مگر اینکه چون یاد از بزرگی جرمم و عظمت آمرزشت میکنم از میان این دو
می یابم که عفو و رضایت حاصل شود ۸ خدایا اگر ترس عقابت برابر آتش میخواند پس بتحقیق لطفت امید
مرا ندا میکند بواسطه بسوی بهشت نیکِ ثوابت ۹ خدایا اگر وحشت افکند خطاها مرا از
فوت نیکیهای لطفت پس بتحقیق مرا انیس خود کرد بیقین بزرگواریهای رحمت ۱۰ خدایا
اگر غفلت بخوابم برده و مهیا نشده ام برای لقائت پس بتحقیق بیدارم در شته ای از من معرفتم
بعطایا کرمت ۱۱ خدایا اگر [illegible] فکرم از ارزش آنچه اصلاحم کند دور شد پس یقین و اطمینانم
بانکه تو منافعم را در نظر داری دور نشد ۱۲ خدایا اگر روزهایم از سعی بغیر آنچه تو دوست
داری سپری شد پس با ایمان بتو گذشت آنچه گذشته از عمرم ۱۳

الهي جئتك ملهوفاً قد البست بعدم فاقتي واقامني مقام الاذلاء بين يديك

ضرعاجتي ١٤ الهي كرمت فاكرمني اذكنت من سؤالك وجدت بالمعروف

فالحقني باهل نوالك ١٥ الهي مسكنتي لا يجبرها الا عطاؤك وامنيتي

لا يغنيها الا حباؤك ١٦- الهي اصبحت على باب من ابواب منحك سائلا

ومن التعرض لسوال بالمسئلة عادلا وليس من جميل رد سائل ملهوف

ومضطر لانتظار خيرك مألوف ١٧ الهي اقمت على قنطرة من قناطر الاخطار

(مرجعه ... ص ١٧٨)

١٦ ومن دعائه المنظوم في المناجاة

١- لك الحمد يا ذا الجود والمجد والعلى — تباركت تعطي من تشاء وتمنع

٢- الهي وخلاقي وحرزي وموئلي — اليك لدى الاعسار واليسر افزع

٣- الهي لئن جلت وجمت خطيئتي — فعفوك عن ذنبي اجل واوسع

٤- الهي لئن اعطيت نفسي سؤلها — فها انا روض الندامة ارتع

٥- الهي ترى حالي وفقري وفاقتي — وانت مناجاتي الخفية تسمع

٦- الهي فلا تقطع رجائي ولا تزغ — فؤادي فلي في سيب جودك مطمع

٧- الهي لئن خيبتني او طردتني — فمن ذا الذي ارجو ومن ذا اشفع

٨- الهي اجرني من عذابك انني — اسير ذليل خائف لك اخضع

٩- الهي فآنسني بتلقين حجتي — اذا كان لي في القبر مثوى ومضجع

١٠- الهي لئن عذبتني الف حجة — فحبل رجائي منك لا يتقطع

خدا آمدم بدرگاهت با دلی پر از حسرت بتحقیق لباس بی چیزی را در بر کرده‌ام و در حضورت
بپا داشته مرا در جای ذلیلان، ناچاری حاجتم ۱۴ خدایا کریمی تو پس اکرام کن مرا چون
از گدایان درگاهت هستم و بجز بی بخشش کردی پس مرا بخلوط مگیر نزد گاه ~~فرا~~ عطایت کن
۱۵ - خدایا بی چیزی مرا، جبران نکند مگر عطایت و آرزوهای مرا برطرف نگرداند مگر
جود تو ۱۶ خدایا دار و صبح شده‌ام بگدائی بر دری از درهای عطای تو و از توجه داران سئوال را
بغیر تو رد گردانم و زیانمند است که رد کنی گدای غصه‌دار مضطر را که با شعار خیر تو الفت گرفته‌اند ۱۷
از دعای آنحضرت است که بنظم آورده در مناجات و ما بنظم فارسی آوردیم

۱- نور احمد باشد که ببار رخ محمد و علی
~~تو را احمد بنگار محمد و علی~~
~~مبارک تو [illegible] هر کسی عمل~~ هر کسی کنی مسعود هر کس عمل

۲- خدایا تو خلاقی و هر زوج هم شیئی | بنور تو نالم بعسر و بیسر و رضا

۳- خدایا بود گر خطایم بزرگ و کلان | بود عفو تو برتر و بیشتر از خطا

۴- خدایا بدادم بنفسم اگر هر چه خواست | من اکنون دچار پشیمانیم ای خدا

۵- خدایا تو بینی مرا حال و فقر و نیاز | سمیعی تو راز نهان مرا در دعا

۶- خدایا امیدم مکن قطع و دلم را سیاه | که من در عطایت طمع دارمی جودها

۷- خدایا اگر نا امیدم کنی یا که طرد | امیدم بکه یا شفیعم بود در کجا

۸- خدایا پناه از عذابت بده زانکه من | اسیر و ذلیلم ز خوفت شده قد دوتا

۹- خدایا تبلقین حجت انیسم تو باش | چو شد قبر مأوی و منزل مرا

۱۰- خدایا عذابم کنی سالها گر هزار | امیدم ز تو ای خدا هنگرد جدا

خدایا [illegible] خصوصاً ۱۸ و ۱۹ [illegible]

١١- الهی اذقنی طعم عفوك یوم لا	بنون ولا مال هنالك ینفع
١٢- الهی اذا لم ترعنی كنت ضایعاً	وان كنت ترعانی فلست اضیع
١٣- الهی اذا لم تعف عن غیر محسن	فمن لمسیئ بالهوی یتمتع
١٤- الهی لئن فرطت فی طلب التقی	فها انا اثر العفو اقفو واتبع
١٥- الهی لئن اخطأت جهلا فطالما	رجوتك حتی قیل ما هو یجزع
١٦- الهی ذنوبی بذت الطود واعتلت	وصفحك عن ذنبی اجل وارفع
١٧- الهی ینجی ذكر طولك لوعتی	وذكر خطایا العین منی یدمع
١٨- الهی انلنی منك روحا وراحة	فلست سوی ابواب فضلك اقرع
١٩- الهی اقلنی عثرتی وامح حوبتی	فانی مقر خائف متضرع
٢٠- الهی اذا اقصیتنی او اهنتنی	فما حیلتی یا رب ام كیف اصنع
٢١- الهی حلیف الحب فی اللیل ساهر	یناجی ویدعو والمغفل یهجع
٢٢- الهی وهذا الخلق ما بین نائم	ومنتبه فی لیله یتضرع
٢٣- الهی یمنینی رجائی سلامة	وقبح خطیئاتی علی یشنع
٢٤- الهی فان تعفو فعفوك منقذی	والا فبالذنب المدمر اصرع

١٧ ومن دعائه فی المناجات

١- لبیك لبیك انت مولاه	فارحم عبیداً الیك ملجاه
٢- یا ذا المعالی علیك معتمدی	طوبی لمن كنت انت مولاه
٣- طوبی لمن كان نادما ارقا	یشكو الی ذی الجلال بلواه

۱۱- خدایا چشان طعم عفوت مرا آندمی — که نی مال نافع نه فرزند باشد روز جزا

۱۲- خدایا مراعات کن ورنه ضایع شوم — که ضایع نگردم رعایت کنی گر مرا

۱۳- خدایا اگر جز ز محسن تو می نگذری — که بخشد گناهان بدکار اهل هوا

۱۴- خدایا گرم قصر در کسب تقوی شد — به دنبال عفوت همی میدوم بارها

۱۵- خدایا ز جهلم خطا کرده ام دائما — امیدم بتر بوده تا گفته شد پس چرا

۱۶- خدایا گناهان من بیشتر شد ز کوه — ولیکن بود عفو تو اکثر و برترا

۱۷- خدایا بر دیار جودت ز دل ترس کن — ز یاد خطاها بیاید مرا اشک از دیده‌ها

۱۸- خدایا تو بگذر ز لغزش ببخشم گناه — ~~چرا چون بترسم فالعفو [illegible]~~ که اقرار دارم بخوف و بزاری کنم من دعا

۱۹- خدایا رسانم از خدمت بوج و راحتیها — که من جز بدرهای فضلت نمیآورم التجا

۲۰- خدایا اگر دور سازی و خوارم کنی — چه باشد مرا حیله‌ای یا چه سازم چها

۲۱- خدایا شب دوست بیدار هست — کند راز با دوست و عاشق بخوابد کجا

۲۲- خدایا خلائق بخوابند و جمع زیاد — شب در تضرع همه پا بجا

۲۳- خدایا امیدم سلامت تمنا کند — خطاهای زشتم زند مر مرا طعنه‌ها

۲۴- خدایا اگر بگذری عفوت آرد رها — والا گناهان هلاک آورد هم بلا

۱۷ — و از دعای آنحضرت در مناجات

۱- لبیک لبیک از عبدی که توئی مولای او — پس رحم کن بنده کو جا که بود تو است پناه او

۲- ای صاحب صفات عالیه بر تست اعتقادم — خوشا بحال آنکه تو باشی مولای او

۳- خوشا بحال آنکه پشیمان و بیدار است — شکوه کند بر ذو الجلال گرفتاری خود را

٤- وما به علة ولا سقم　　اكثر من حبه لمولاه

٥- اذا خلا في الظلام مبتهلا　　اجابه الله ثم لباه

١٨- ومن دعائه في الشدائد

اللهم يا مذل كل جبار عنيد يا معز المؤمنين انت كهفي حين تعييني المذاهب وانت
يا رب خلقتني رحمة بي وقد كنت عن خلقي غنيا ولولا رحمتك لكنت من الهالكين ١
وانت مؤيدي بالنصر على اعدائي ولولا انصرك اياي لكنت من المقبوحين ٢
يا مرسل الرحمة من معادنها ويا منشئ البركة من مواضعها يا من خص
نفسه بالسمو والرفعة فاولياؤه بعزه يتعززون ٣ يا من خضعت له
الملوك بنير المذلة على اعناقهم فهم من سطواته خائفون ٤
اسئلك بربوبيتك التي اشتققتها من عزتك واسئلك بعزتك التي استويت
بها على عرشك فخلقت بها جميع خلقك فهم لك مذعنون ان تصلي على محمد و
اهل بيته وتقضي حاجتي ٥ [illegible]

١٩- كلماته في المناجاة

الهي كفى بي عزا ان اكون لك عبدا وكفى بي فخرا ان تكون لي ربا انت كما احب
فاجعلني كما تحب

٢٠- دعائه في المناجات في شهر شعبان

اللهم صل على محمد وآل محمد واسمع دعائي اذا دعوتك واسمع ندائي اذا ناديتك
واقبل علي اذا ناجيتك فقد هربت اليك ووقفت بين يديك مسكينا

۴- و او را رنج و دردی نیست   جز آنکه پشتی دارد و او بلای خود را

۵- چون شب خلوت کند زاری کند   خدا او را اجابت کند و لبیک گوید

۱۸- از دعای آنحضرت در سختیها

خدایا ای خوار کنندهٔ هر ستمگر با عناد   ای عزیز کنندهٔ مؤمنین توئی پناهگاهم وقتیکه راهها مرا خسته کند و تو پروردگارا خلقم کردی برای رحمت نسبت بمن و حال آنکه از خلقت من بی‌نیاز بودی و اگر رحمت نبود هر آینه من از هلاک شوندگان بودم ۱ و تو مرا بیاری بر دشمنانم تایید کنندهٔ ای و اگر یاری تو نباشد من از رشته‌دیانم ۲ ای که فرستادی رحمت را از معادن آن و ای که ایجاد کردی برکت را از محلش ای که مخصوص قرار دادی بهتری و والائی را پس دوستان او بعزت او عزیز میشوند ۳ ای که سلاطین برای او فروتنند بگذاشتن طوق ذلت بر گردنهای خود پس آنان از سطوت او ترسناکند ۴ سئوال میکنم به پروردگاریت که گرفته شد از عزتت و سئوال میکنم ترا بعزتت که با آن مسلطی بر عرش پس با آن خلق کردی تمام خلقت را پس آنان برای تو اقرار دارند که بفرستی رحمت را بر محمد و اهل بیتش ۵

۱۹- کلمات آنحضرت در مناجات

خدایا عزت من همین بس که بندهٔ تو باشم و فخرم همین بس که توئی پروردگارم تو چنانی که من دوست دارم پس قرار ده مرا آن چنان که دوست داری

۲۰- دعای آنحضرت در مناجات در شهر شعبان

خدایا رحمت فرست بر محمد و پیروان او و چون ترا بخوانم دعایم را بشنو و چون ترا ندا کنم نداء مرا بشنو و چون با تو راز گویم بمن توجه نما پس بتحقیق فرار کرده ام بسوی تو و در حال بیچارگی در حضور تو ایستاده ام

لك متضرعا اليك راجيا لما لديك ثوابي وتعلم ما في نفسي وتخبر حاجتي وتعرف
ضميري ولا يخفى عليك امر منقلبي ومثواي وما اريد ان ابدئ به من منطقي
واتفوه من طلبتي وارجوه لعاقبتي وقد جرت مقاديرك علي يا سيدي فيما
يكون مني الى آخر عمري من سريرتي وعلانيتي وبيدك لا بيد غيرك زيادتي
ونقصي ونفعي وضري ١ الهي ان حرمتني فمن ذا الذي يرزقني وان خذلتني
فمن ذا الذي ينصرني ٢ الهي اعوذ بك من غضبك وحلول سخطك ٣
الهي ان كنت غير مستأهل لرحمتك فانت اهل ان تجود علي بفضل سعتك ٤
الهي كاني بنفسي واقفة بين يديك وقد اظلها حسن توكلي عليك فقلت
ما انت اهله وتغمدتني بعفوك ٥ الهي ان عفوت فمن اولى منك بذلك وان
كان قد دنا اجلي ولم يدنني منك عملي فقد جعلت الاقرار بالذنب اليك وسيلتي
٦ الهي قد جرت على نفسي بالنظر لها فلها الويل ان لم تغفر لها ٧ الهي لم يزل
برك علي ايام حيوتي فلا تقطع برك عني في مماتي ٨ الهي كيف آيس من حسن
نظرك لي بعد مماتي وانت لم تولني الا الجميل في حيوتي ٩ الهي تول من امري
ما انت اهله وعد بفضلك على مذنب قد غمره جهله ١٠ الهي قد سترت علي
ذنوبا في الدنيا وانا احوج الى سترها علي منك في الاخرى ١١ الهي قد احسنت
الى اذ لم تظهرها لاحد من عبادك الصالحين فلا تفضحني يوم القيمة على رؤوس الاشهاد
١٢ الهي جودك بسط املي وعفوك اعظم من عملي ١٣ الهي فسرني بلقائك

وزاری مسکینم ببوری بآنچه نزد تواست امیدوارم آنچه در وجود من است میدانی و با احتیاج من
آگاهی و آنچه در دلم است می‌شناسی و امر برگشت و مأوایم و دنیا و آخرتم و آنچه میخواهم زبان
آورم و آنرا بگویم از خواسته‌هایم و آنچه امید دارم برای سرانجام بر تو پنهان نیست و بتحقیق مقدرات تو
بر من جاری شده ای آقای من در آنچه از من بوجود آید تا آخر عمرم از درون و برونم و زیاد و کم و نفع
و ضررم بدست تواست نه بدست غیر تو ۱ خدایا اگر مرا محروم کنی پس کیست که مرا روزی دهد و اگر
توام واگذاری پس کیست مرا یاری کند ۲ خدایا بتو پناه میبرم از غضب و نزول عذابت ۳
خدایا اگر من شایسته رحمت نیستم تو شایسته‌ای که بخشی بر من بفضل وسعت ۴ خدایا
گویا بخود مینگرم که در حضورت ایستاده‌ام و سایه حسن اعتماد بر تو بر سرم سایه افکند و آنچه از درگاه
تو توقع میرود فرموده و مرا بعفو خود فرو برده‌ای ۵ خدایا اگر بگذری کیست از تو اولی باشد بعفو
و اگر مرگم نزدیک گردیده و عملم مرا بتو نزدیک نکرده پس بتحقیق اقرار بگناه را وسیله خود ساخته‌ام ۶
خدایا من بخود ستم کردم در تدبیر خودم پس وای بر نفسم اگرش نیامرزی ۷ خدایا همواره نیکی
تو بر من رسیده در روزگار زندگیم پس در مردنم نیکی خود را از من مبر ۸ خدایا چگونه نومید شوم
از حسن التفاتت برایم در مردنم و حال آنکه در زندگی خود جز نیکی از تو ندیدم ۹ خدایا متصدی
کارم باش چنانچه شایسته تواست و توجه کن بفضلت بر من بر گنهکاری که نادانی او را فرو
گرفته ۱۰ خدایا تو پوشیدی بر من گناهانی را در دنیا و حال آنکه من در آخرت محتاج‌ترم بتو که
بپوشانی آنها را بر من زیرا آشکار نکردی گناهانم را برای احدی از بندگان صالحت پس مرا
رسوا مکن روز قیامت برابر همه مردم ۱۲ خدایا جودت آرزوی مرا گسترش داده و عفوت بزرگتر
است از عملم ۱۳ خدایا خورسندم بملاقات رحمت

۱۱ خدایا بر من چه [illegible] کردی

يوم تقضي فيه بين عبادك الهي اعتذاري اليك اعتذار من لم يستغن عن قبول
عذره فاقبل عذري يا اكرم من اعتذر اليه المسيئون ١٤ الهي لا ترد حاجتي
ولا تخيب طمعي ولا تقطع منك رجائي واملي ١٥ الهي لو اردت هواني لم تهدني ولو اردت
فضيحتي لم تعافني ١٦ الهي ما اظنك تردني في حاجة قد افنيت عمري في طلبها ١٧
الهي فلك الحمد ابدا ابدا دائما سرمدا يزيد ولا يبيد كما تحب وترضى ١٨ الهي ان
اخذتني بجرمي اخذتك بعفوك وان اخذتني بذنوبي اخذتك بمغفرتك وان
ادخلتني النار اعلمت اهلها اني احبك ١٩ الهي ان كان صغر في جنب طاعتك
عملي فقد كبر في جنب رجائك املي ٢٠ الهي كيف انقلب من عندك بالخيبة
محروما وقد كان حسن ظني بجودك ان تقلبني بالنجاة مرحوما ٢١ الهي وقد افنيت
عمري في شرة السهو عنك وابليت شبابي في سكرة التباعد منك ٢٢ الهي
فلم استيقظ ايام اغتراري بك وركوني الى سبيل سخطك ٢٣ الهي وانا
عبدك وابن عبدك قائم بين يديك متوسل بكرمك اليك ٢٤ الهي انا
عبد اتنصل اليك مما كنت اواجهك به من قلة استحيائي من نظرك واطلب العفو
منك اذ العفو نعت لكرمك ٢٥ الهي لم يكن لي حول فانتقل به عن معصيتك الا
في وقت ايقظتني لمحبتك وكما اردت ان اكون كنت فشكرتك بادخالي في كرمك
ولتطهير قلبي من اوساخ الغفلة عنك ٢٦ الهي انظر الي نظر من ناديته
فاجابك واستعملته بمعونتك فاطاعك يا قريبا لا يبعد عن المغتر به ويا
جوادا لا يبخل عمن رجا ثوابه ٢٧ الهي هب لي قلبا يدنيه منك شوقه

ولـــا تا گیرفع روزیکه حکم میکنی در آن بین بندگانت خدایا عذرخواهی نزد تو عذرخواهی کسی
است که بی نیاز نیست از پذیرفتن عذرش یعنی محتاج است به پذیرفتن عذرش پس عذر مرا بپذیر
ای کریمترین کسیکه باو تقدیم عذرخواهی کنند گنهکاران ۱۴ خدایا حاجتم رد مکن و طمعم را نومید
مگردان و امیدم را از خودت مبر و آرزویم را قطع مکن ۱۵- خدایا اگر خواری مرا میخواستی مرا راهنمائی
نمیکردی و اگر مرا رسوا میخواستی عافیتم نمیدادی ۱۶- خدایا گمان ندارم رد کنی حاجتی را که من
عمرم را در آن بسر بردم و عمر خود را در طلب آن از تو از بین بردم ۱۷ خدایا مخصوص تو است حمد همیشه
همیشه تا ابد و سرمد فزون گردد و کم نگردد چنانچه خواهی و پسندی ۱۸ خدایا اگر بجرمم گرفتی
ترا بعفوت گیرم و اگر بگناهانم بگیری بآمرزشت در آویزم و اگر مرا وارد آتش دوزخ کنی باهل
آن اعلام کنم که من دوستت داشتم و خدا دوستش بدوزخ آورده ۱۹ خدایا اگرچه خرد است در پیش
طاعت کردارم ولی بزرگ است در پیش امید بتو آرزویم ۲۰- خدایا چگونه از درگاهت دست خالی
و محروم و نا امید برگردم با آنکه حسن ظن بجودت داشتم که برگردانی مرا با برات نجات در حالیکه
مشمول رحمت شده باشم ۲۱ خدایا من گذرانیدم عمرم را در شدت فراموشی از تو و جوانیم را کهنه کردم
در مستی دوری کردن از تو ۲۲ خدایا بیدار نشدم در دوران غرور در مقابل تو و میل کردن براه
غضب تو ۲۳- خدایا من بنده و بنده زاده توام ایستاده در حضور توام توسل بکرم تو بسوی تو ام ۲۴
خدایا من بنده ای هستم که خود را کشیده ام بدرگاهت و فرار کردم از آنچه در برابرت ایستادگی میکردم از کمی
شرم و حیا نکردن از نظرت و از تو عفو میطلبم زیرا عفو نمایش کرم توست ۲۵ خدایا برایم قدرتی نبود
~~ست~~ تا از وضع نافرمانیت منتقل شوم مگر در وقتیکه بیدار کردی مرا برای دوستیت و چنانچه خواستی
باشم چنان باشم من تو را شکر گذاردم با آنکه مرا در کرم خود وارد کردی و برای اینکه دلم را پاک کردی از چرک
غفلت از خودت ۲۶ خدا چنانم بنگر که ندا کردی و پاسخم داده و بکارش گماردی بیاری خودت
و فرمانت برده ای نزدیکی جوئی از آنکه سفر و رشد باد وای بخشنده ایکه بخل نورزی از آنکه امید ثوابت دارد
۲۷ خدایا مرا دلی ببخش که شوقش او را نزدیک تو آورد

ولسانا يرفع اليك صدقه ونظرا يقربه منك حقه الهی ان من تعرف بك غير مجهول
ومن لاذ بك غير مخذول ومن اقبلت عليه غير مملوك ٢٩ الهی ان من انتهج بك
لمستنير وان من اعتصم بك لمستجير وقد لذت بك یا الهی فلا تخيب ظنی من رحمتك
ولا تحجبنی عن رأفتك ٣٠ الهی اقمنی فی اهل ولايتك مقام من رجا الزيادة من
محبتك ٣١ - الهی والهمنی ولها بذكرك الی ذكرك واجعل همتی الی روح نجاح
اسمائك ومحل قدسك ٣٢ - الهی بك عليك الا الحقتنی بمحل اهل طاعتك و
المثوی الصالح من مرضاتك فانی لا اقدر لنفسی دفعا ولا املك لها نفعا ٣٣
الهی انا عبدك الضعيف المذنب ومملوكك المنيب المعيب فلا تجعلنی ممن صرفت
عنه وجهك وحجبه سهوه عن عفوك ٣٤ الهی هب لی كمال الانقطاع اليك
وانر ابصار قلوبنا بضياء نظرها اليك حتی تخرق ابصار القلوب حجب النور
فتصل الی معدن العظمة وتصير ارواحنا معلقة بعز قدسك ٣٥ الهی
واجعلنی ممن ناديته فاجابك ولاحظته فصعق لجلالك فناجيته سرا
وعمل لك جهرا ٣٦ الهی لم اسلط علی حسن ظنی قنوط الاياس ولا اقطع
رجائی من جميل [illegible] كرمك ٣٧ الهی ان كانت الخطايا قد اسقطتنی
لديك فاصفح عنی بحسن توكلی عليك ٣٨ الهی ان حطتنی الذنوب من مكارم
لطفك فقد نبهنی اليقين الی كرم عطفك ٣٩ الهی ان انامتنی الغفلة
عن الاستعداد للقائك فقد نبهتنی المعرفة بكرم آلائك ٤٠ الهی ان دعانی
الی النار عظيم عقابك فقد دعانی الی الجنة جزيل ثوابك ٤١ فلك اسئل

و زبانیکه صدقش او را بطرف تو بالا برد و نگاهی که حقش بتوام نزدیک سازد ۲۸ خدایا
کسیکه بتو معرفی شود مجهول نباشد و آنکه بتو پناهد واگذاشته نگردد و آنکه تو بوی توجه کنی
مملوک غیر نگردد ۲۹ خدایا آنکه بتو راه پوید روشن است و حقاً آنکه با آستان تو چنگ زند
در پناه است و من بتو پناه بردم ای خدای من پس گمانم را از رحمتت نا امید مساز و از مهرت
محجوبم مکن ۳۰ خدایا در میان دوستان خصوصیت مرا برپا دار برحال آنکه امید فزونی
از محبت دارد ۳۱ خدایا مرا شیفتگی ذکرت را الهام کن پی در پی و مرا همتی به
در نشاط کامیابی نامتناهیت و جایگاه قدرت ۳۲ خدایا بحق خودت بر خودت
که مرا برسان بجایگاه اهل طاعتت و بپایگاه شایسته از خوشنودیت زیرا من برای خودم
نتوانم دفاعی کنم و برای خودم مالک سودی نیستم ۳۳ الهی منم بنده ناتوان گنهکار
تو و منم مملوک توبه کار تو پس مگردان مرا از کسانیکه بگردانی روی خود را از او و فراموشیش او را
از عفوت محجوب کرده باشد ۳۴ خدایا مرا عطا کن کمال دلدادن بدرگاهت را و نورانی
دیده های دل ما را بتابش توجهاتش بسوی تو تا بدرد دیده های دلها پرده های نور را و برسد
بمعدن عظمت و بگردد ارواح آویزان بعز قدست ۳۵ خدایا قرار ده مرا از
آنانکه ندایش کردی تو را پاسخ داد و باو توجه کردی ~~از جلال تو~~ برای جلال تو نعره زد او را
نهانی راز گفتی و او برای آشکارا کار کرد ۳۶ خدایا مسلط نکرده ام بر خوشگمانیم نومیدی
یأس را و منقطع نشد امیدم از کرم جمیل تو ۳۷ خدایا اگر خطاها مرا از نظرت انداخته
پس مگذر از من بواسطه حسن توکلم بر تو ۳۸ خدایا اگر مرا پست کرده گناهانم و دور کرده
از رحمتهای لطفت پس بتحقیق آگاهم کرده یقینم بکرم مهرت ۳۹ خدایا اگر
غفلت خوابم کرده از آماده شدن برای ملاقات رحمت پس بتحقیق معرفت بکرم عطایایت ۴۰
خدایا اگر بزرگی کیفرت مرا بآتش بخواند پس بتحقیق خوانده مرا ببهشت فراوانی ثوابت ۴۱ خدایا از تو سؤال میکنم

واليك ابتهل وارغب واسئلك ان تصلى على محمد وال محمد وان تجعلنى ممن يديم
ذكرك ولا ينقض عهدك ولا يغفل عن شكرك ولا يستخف بامرك ٤٢ الهى
والحقنى بنور عزك الابهج فاكون لك عارفا وعن سواك منحرفا ومنك خائفا
مراقبا ياذا الجلال والاكرام وصلى الله على محمد رسوله واله الطاهرين وسلم ٤٣

٢١ - دعائه فى ليلة النصف من شعبان وليلة الجمعه

اللهم انى اسئلك برحمتك التى وسعت كل شيئ وبقوتك التى قهرت بها كل شيئ
وخضع لها كل شيئ وذل لها كل شيئ وبجبروتك التى غلبت بها كل شيئ ١
وبعزتك التى لا يقوم لها شيئ وبعظمتك التى ملاءت كل شيئ وبسلطانك
الذى علا كل شيئ وبوجهك الباقى بعد فناء كل شيئ وباسمائك التى ملأت
اركان كل شيئ ٢ وبعلمك الذى احاط بكل شيئ وبنور وجهك الذى
اضاء له كل شيئ يا نور يا قدوس يا اول الاولين ويا آخر الاخرين ٣ اللهم
لى الذنوب التى تهتك العصم اللهم اغفر لى الذنوب التى تنزل النقم اللهم اغفر لى
التى تغير النعم اللهم اغفر لى الذنوب التى تحبس الدعاء اللهم اغفر لى الذنوب
التى تنزل البلاء اللهم اغفر لى كل ذنب اذنبته وكل خطيئة اخطأتها ٤ اللهم
انى اتقرب اليك بذكرك واستشفع بك الى نفسك واسئلك بجودك ان تدنينى
من قربك وان توزعنى شكرك وان تلهمنى ذكرك ٥ اللهم انى اسئلك
سئوال خاضع متذلل خاشع ان تسامحنى وترحمنى وتجعلنى بقسمك راضيا
قانعا وفى جميع الاحوال متواضعا ٦ اللهم واسئلك سئوال من اشتدت
فاقته وانزل بك عند الشدائد حاجته وعظم فيما عندك رغبته ٧

و [redacted] بدرگاه تو مینالم درود آورم و از تو خواهم که رحمت فرستی بر محمد و آل او و قرار دهی مرا از آنانکه همواره در ذکر تواند و عهد ترا اشکنند و از شکر تو غفلت نورزند و بامر تو استخفاف نکنند ۴۲ خدایا و برسانم بنور عز فزون‌ترین تربت تا تو را بشناسم و از دیگران منحرف باشم و از تو بترسم و مراقبت کنم ای صاحب جلال و کرم و رحمت خدا بر محمد رسول او و پیروان پاکش و سلام بسیار

دعای حضرت در لیلهٔ نصف شعبان و شب جمعه

خدایا من از تو خواستارم برحمت که فراگرفته هرچیز را و بنیروی تو که زیر فرمان گرفتی با آن هرچیز را و خضوع کند برایش هرچیزی و خوار است بر آن هرچیزی و بجبروت تو که چیره شدی بر همه چیز ۱ و بعزت تو که در مقابل آن چیزی ~~[illegible]~~ مقاومت ندارد و ببزرگی تو که پر کرده همه چیز را و بسلطنت تو که برتر است هرچیز را و بذات تو که باقی است پس از فناء هرچیز و بنامهای تو که پر کرده اند ارکان هرچیز را ۲ و بدانشت که فراگرفته هرچیز را و بتابش توجه و عنایات که در پرتو آن روشن است هرچیز ای نور ~~[illegible]~~ نماینده ای منزه ای اول اولین و ای آخر آخرین یعنی قبل از هرچیز بوده ای و بعد از هرچیز خواهی بود ۳ خدایا بیامرز برایم کناهانیکه میدرد پرده ها را خدایا بیامرز برایم کناهانیکه حبس میکند دعا را خدایا بیامرز برایم کناهانیکه فرود آورد بلا را خدایا بیامرز برایم هرگناهی که کرده ام و هرخطائیکه مرتکب شده ام ۴ خدایا حقیقتاً من تقرب میجویم بدرگاهت بواسطه ذکرت و شفیع میآرم بدرگاهت خودت را و خواهش میکنم از تو بجودت که مرا بقرب خود نزدیک سازی و شکر ترا بمن روزی کنی و ذکر ترا بمن الهام کنی ۵ خدایا از تو درخواست میکنم درخواست فروتن خوار ترسان که با من مسامحه کنی و مهرورزی و مرا بقسمت خود خوشنود و قانع سازی و در همه احوال متواضع کنی ۶ خدایا از تو خواهش میکنم خواهش کسیکه بی چیزیش سخت شد و بتو ساند تو حاجت خود را هنگام سختیها فرود آورده و بآنچه نزد تو است رغبتش فزون شد ۷

به همه نعمتها را ~~[illegible]~~

ـه خدایا بیامرز برایم کناهانیکه فرود آورد بدبختی را خدایا بیامرز برایم کناهانیکه [illegible] نقمت

اللهم عظم سلطانك وعلا مكانك وخفي مكرك وظهر امرك وغلب قهرك
وجرت قدرتك ولا يمكن الفرار من حكومتك ٨ اللهم لا اجد لذنوبي
غافرا ولا لقبائحي ساترا ولا لشيء من عملي القبيح بالحسن مبدلا غيرك لا
اله الا انت ٩ سبحانك وبحمدك ظلمت نفسي وتجرات بجهلي وسكنت الى
قديم ذكرك لي ومنك علي ١٠ اللهم مولاي كم من قبيح سترته وكم من فادح
من البلاء اقلته وكم من عثار وقيته وكم من مكروه دفعته وكم من ثناء جميل
لست اهلا له نشرته ١١ اللهم عظم بلائي وافرط بي سوء حالي وقصرت بي
اعمالي وقعدت بي اغلالي وحبسني عن نفعي بعد امالي وخدعتني الدنيا
بغرورها ونفسي بجنايتها ومطالي يا سيدي ١٢ فاسئلك بعزتك ان لا
يحجب عنك دعائي سوء عملي وفعالي ولا تفضحني بخفي ما اطلعت عليه من
سري ولا تعاجلني بالعقوبة على ما عملته في خلواتي من سوء فعلي واسائتي
ودوام تفريطي وجهالتي وكثرة شهواتي وغفلتي ١٣ وكن اللهم بعزتك لي
في كل الاحوال رؤفا وعلي في جميع الامور عطوفا ١٤ الهي وربي من لي غيرك
اسئله كشف ضري والنظر في امري الهي ومولاي اجريت علي حكما
اتبعت فيه هوى نفسي ولم احترس فيه من تزيين عدوي فغرني بما اهوى
واسعده على ذلك القضاء فتجاوزت بما جرى علي من ذلك بعض حدودك
وخالفت بعض اوامرك فلك الحجة علي في جميع ذلك ولا حجة لي فيما جرى
علي فيه قضاؤك والزمني حكمك وبلاؤك ١٥ وقد اتيتك يا الهي بعد

خدایا سلطنتت بزرگ و مکانت والا و مکرت نهان و امرت آشکارا و قهر تو
غالب و قدرت تو نافذ است و ممکن نیست گریز از تحت فرمانت ۸ خدایا
برای گناهانم آمرزنده‌ای و برای زشتیهای اعمالم پوشنده‌ای و کردارهای بد مرا
بنیکی تبدیل کننده نیافتم غیر تو نیست معبود بحقی جز تو ۹ تنزیه و تحمید ترا
گویم و بحمد تو باشم خدایا بر خود ستم کردم و از نادانی جرئت کردم و اعتماد کردم بیاد
دیرین تو از من و بخشش تو بر من که مرا از نیستی آفریدی و مرا هدایت کردی و لوازم و
ما یحتاج مرا دادی ۱۰ خدایا مولای من چه بسیار از زشتی مرا پوشاندی و چه بسیار
بلای سنگین را که از من گرداندی و چه بسیار لغزشیکه از آنم رهاندی و چه بسیار از بدی
که از من دور کردی و چه بسیار ستایش نیک که لائق آن نبودم نشر دادی ۱۱ خدایا
گرفتاریم بزرگ و بدی حالم بی اندازه و اعمالم برای من کم و کوتاه است و زنجیرهای هوی و هوس
مرا زمین‌گیر کرده و آرزوهای دور و درازم مرا از نفع خود باز داشته و دنیا مرا بغرورهای خود
فریفته و نفس اماره‌ام مرا بجنایت کشانیده و مسامحه کاریم مرا بیچاره کرده ای آقای من ۱۲
پس از تو خواهم بعزتت که دعایم را از تو محجوب نگرداند بدی کردارم و رفتارم و مرا
رسوا نکنی برای اعمال نهانم آنچه تو اطلاع داری از رازم و شتاب نکنی بعقوبت من
برای آنچه در خلوتهای خود کرده‌ام از بدکاری و بدکرداری من و ادامه تفریط و نادانی من
و برای بسیار شهوات و غفلت من ۱۳ و خدایا بعزتت برایم در تمام حالات مهربان باش
و بر من در تمام امور توجه کن ۱۴ معبودا پروردگارا که را دارم غیر تو که از او بخواهم زیانم را
رفع کند و در کارهایم نظر نماید معبودا سرورا بر من مقرر کردی حکمی را که در اجرای آن بدنبال هوای نفس رفتم
و از زینت دادن دشمنم (شیطان و یا نفس) نهراسیدم پس او مرا بهوای دل فریفت و قضا در این باره کمک کرد
(قضا حتمی شده بود) تا اینکه تجاوز کردم از برخی از حدود تو کردم و مخالفت کردم بعضی از دستوراتت را پس حجت تو بر من تمام
بواسطه آن ماجری

[illegible] ۱۵ و اکنون [illegible]

تقصيري واسرافي على نفسي معتذرا نادما منكسرا مستقيلا مستغفرا
منيبا مقرا مذعنا معترفا لا اجد مفرا مما كان مني ولا مفزعا اتوجه اليه
في امري غير قبولك عذري وادخالك اياي في سعة رحمتك ١٦ اللهم
فاقبل عذري وارحم شدة ضري وفكني من شد وثاقي يا رب ارحم ضعف
بدني ورقة جلدي ودقة عظمي يا من بدأ خلقي وذكري وتربيتي وبري
وتغذيتي هبني لابتداء كرمك وسالف برك بي ١٧ يا الهي وسيدي و
ربي اتراك معذبي بنارك بعد توحيدك وبعد ما انطوى عليه قلبي من معرفتك
ولهج به لساني من ذكرك واعتقده ضميري من حبك وبعد صدق اعترافي
ودعائي خاضعا لربوبيتك هيهات انت اكرم من ان تضيع من ربيته
او تبعد من ادنيته او تشرد من آويته او تسلم الى البلاء من كفيته ورحمته
١٨ وليت شعري يا سيدي والهي ومولاي اتسلط النار على وجوه خرت
لعظمتك ساجدة وعلى السن نطقت بتوحيدك وبشكرك مادحة وعلى
قلوب اعترفت بالهيتك محققة وعلى ضمائر حوت من العلم بك حتى صارت خاشعة
وعلى جوارح سعت الى اوطان تعبدك طائعة واشارت باستغفارك
مذعنة ما هكذا الظن بك ولا اخبرنا بفضلك عنك يا كريم يا رب ١٩ وانت
تعلم ضعفي عن قليل من بلاء الدنيا وعقوباتها وما يجري فيها من المكاره على
اهلها على ان ذلك بلاء ومكروه قليل مكثه يسير بقائه قصير مدته فكيف

تقصیر و اسراف بر نفسم عذرخواه و پشیمان و شکسته خورده و گذشت خواه و آمرزش جو و زاری کنند و اقرار کنند و تصدیق کنند و معترف گریزی از آنچه کرده‌ام ندارم و پناهی نیست که به آن توجه کنم در کارم جز پذیرفتن تو عذرم را و وارد کردنت مرا در وسعت رحمتت خدایا عذرم را بپذیر و بر شدت بیچارگیم رحم کن و از بند سختم رها ساز پروردگارا رحم کن بر سستی تنم و نازکی پوستم و باریکی استخوانم ای آنکه آغاز کردی خلقتم را و ابتداء یادکردیم را و مرا تربیت کردی و بمن نیکی کردی و غذا دادی مرا ببخش بخاطر اولین کرمت و برای نیکی گذشته‌ات نسبت بمن ۱۷ معبودا و سیدا و پروردگارا آیا ممکن است مرا عذاب کنی با آتش دوزخت پس از اقرارم بتوحید تو و پس از آنکه دلم پر شد بمعرفت و زبانم گویا شد بذکرت و عقیده‌مند شد قلبم بدوستی تو و پس از اعتراف صادقانه و دعاء خاضعانه‌ام برای پروردگاریت بسیار دور است تو کریم‌تر از آنی که از نظر دور داری آنرا که پرورده‌ای یا دور کنی آنرا که بخود نزدیک کرده‌ای یا آواره کنی آنرا که مأوی داده‌ای یا ببلا بسپاری آنرا که خود سرپرستی کرده و رحمش کرده‌ای ۱۸ و کاش میدانستم ای آقا و خدایا و سرورا که آیا مسلط میکنی آتش را بر چهره‌هائیکه برابر عظمت بخاک افتاده‌اند و بر زبانهائیکه براستی بتوحید تو گویا شده‌اند و بشکر ثناخوانی کرده‌اند و بر دلهائیکه بمعبودیت تو بطور تحقیق معترف شده‌اند و بر روانهائیکه پر از معرفت تو شده تا آنکه ترسان شده‌اند و بر دستهائیکه بسوی عبادتگاه تو شتافته و اطاعت کرده‌اند و با اشاره فروتنی بگناه آمرزش تو را طلب کردند این چنین گمانی بتو نیست و چنین خبری از فضل تو بما نرسیده ای کریم ای پروردگارا ۱۹ تو خود میدانی ناتوانیم را از بلاء کم دنیا و عقوبات مختصر آن و پیش‌آمدهائیکه بر ستمکارهائی برای اهل آن جاری میشود اضافه بر اینکه آن ستمکاره و بلاء ناپسندی است کم و مکثش آسان و مدت اقامتش کوتاه است پس چگونه

احتمالي لبلاء الآخرة وجليل وقوع المكاره فيها وهو بلاء تطول مدته ويدوم
مقامه ولا يخفف عن اهله لانه لا يكون الا عن غضبك وانتقامك وسخطك
وهذا ما لا تقوم له السموات والارض يا سيدي فكيف بي وانا عبدك الضعيف
الذليل الحقير المسكين المستكين ٢٠ يا الهي وربي وسيدي ومولاي لاي الامور
اليك اشكو ولما منها اضج وابكي لاليم العذاب وشدته ام لطول البلاء ومدته
فلئن صيرتني للعقوبات مع اعدائك وجمعت بيني وبين اهل بلائك وفرقت بيني
وبين احبائك واوليائك ٢١ فهبني يا الهي وسيدي ومولاي وربي
صبرت على عذابك فكيف اصبر على فراقك وهبني صبرت على حر نارك فكيف اصبر
عن النظر الى كرامتك ام كيف اسكن في النار ورجائي عفوك ٢٢ فبعزتك
يا سيدي ومولاي اقسم صادقا لئن تركتني ناطقا لاضجن اليك بين اهلها ضجيج
الآملين ولاصرخن اليك صراخ المستصرخين ولابكين عليك بكاء الفاقدين
ولانادينك اين كنت يا ولي المؤمنين يا غاية آمال العارفين يا غياث المستغيثين
يا حبيب قلوب الصادقين ويا اله العالمين ٢٣ افتراك سبحانك يا الهي و
بحمدك تسمع فيها صوت عبد مسلم سجن فيها بمخالفته وذاق طعم عذابها
بمعصيته وحبس بين اطباقها بجرمه وجريرته وهو يضج اليك ضجيج
مؤمل لرحمتك ويناديك بلسان اهل توحيده ويتوسل اليك بربوبيتك

تحمل کنم بلاء آخرت و بزرگی و عظمت بدیهائیکه در آن واقع میشود و حال آنکه آن بلائیست
که طولانی است مدت آن و دوام دارد پا برجا بودن آن و از اهلش تخفیف پذیر نیست
زیرا بلاء آخرت نیست مگر از غضب و انتقام و خشم تو و این چیزیست آسمانها و
زمین طاقت ایستادگی در مقابل آنرا ندارند ای آقای من تا چه رسد بمن و حال آنکه بنده
ناتوان خوار بیمقدار ناچیز گدای توام ۲۰ ای معبود و پروردگار و آقا و سرورم
برای کدام امر از امور بسوی تو شکوه کنم و برای کدام از آنها شیون و گریه نمایم برای دردناکی
عذاب و سختی آن یا برای طولانی بلا و درازیش پس اگر مرا در عقوبات ردیف کنی
با دشمنانت و میان من و اهل بلائت جمع کنی و مرا با آنها محشور کنی و بین من و دوستان
و اولیائت جدائی افکنی من چه کنم ۲۱ ای خداوند و آقا و مولای من گو که شکیبا شوم بر
عذابت پس چگونه شکیبائی کنم بر جدائی رحمتت و گو اینکه صابر شوم بر سوز آتشت پس
چگونه صابر شوم بر صرف نظر از کرامات و بزرگواریت آیا چگونه در آتش ساکن شوم و حال
آنکه امید بعفوت دارم پس بعزتت ای خدا و مولایم براستی قسم میخورم که اگر بگذاری
مرا سخن گویم هر آینه بدرگاهت شیون کنم و بین اهل دوزخ مانند شیون آرزومندان
و دردمندان شیون کنم و هر آینه فریاد کنم مانند فریاد کردن فریادرس خواهان و هر آینه
چنان گریه کنم مانند گریه ناچیزها و هر آینه داد کنم کجائی ای نگهدار مؤمنین ای نهایت
آرمان شناسایان ای دادرس بیچارگان ای دوست دل راستگویان ای پناه جهانیان
آیا ممکن است ای منزه ای خدا ای معبودا که بحمد تو مشغولم که تو باشی و بشنوی صدای بنده مسلمانیکه
بواسطه خلاف کاریش زندانی شده در دوزخ و مزه عذاب را بواسطه نافرمانیش چشیده و بجرم و جنایتش
در میان چالهای طبقات آن حبس شده و حال آنکه بدرگاهت شیون میکند مانند شیون آرزومند رحمت و بزبان
یگانه پرستان ترا ندا میکند و به پروردگاری تو توسل میجوید

يا مولاي فكيف يبقى في العذاب وهو يرجو ما سلف من حلمك ام كيف تؤلمه النار
وهو يأمل فضلك ورحمتك ام كيف تؤلمه النار وهو يأمل فضلك ورحمتك
ام كيف يحرقه لهيبها وانت تسمع صوته وترى مكانه ام كيف يشتمل عليه
زفيرها وانت تعلم ضعفه ام كيف يتقلقل بين اطباقها وانت تعلم صدقه
ام كيف تزجره زبانيتها وهو يناديك يا ربه ام كيف يرجو فضلك
في عتقه منها فتتركه فيها هيهات ما ذلك الظن بك ولا المعروف من فضلك
ولا مشبه لما عاملت به الموحدين من برك واحسانك ~~فباليقين~~ ٢٤
فباليقين اقطع لولا ما حكمت به من تعذيب جاحديك وقضيت به من اخلاد
معانديك لجعلت النار كلها برداً وسلاماً وما كانت لاحد فيها مقراً ولا مقاماً
٢٥ - ~~لكنك~~ لكنك تقدست اسمائك اقسمت ان تملأها من الكافرين من
الجنة والناس اجمعين وان تخلد فيها المعاندين ٢٦ وانت جل ثناؤك قلت
مبتدئاً وتطولت بالانعام متكرماً افمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يستوون
٢٧ الهي وسيدي فاسئلك بالقدرة التي قدرتها وبالقضية التي حتمتها و
حكمتها وغلبت من عليه اجريتها ان تهب لي في هذه الليلة وفي الساعة كل
جرم اجرمته وكل ذنب اذنبته وكل قبيح اسررته وكل جهل عملته اخفيته
او اظهرته وكل سيئة امرت باثباتها الكرام الكاتبين الذين وكلتهم
بحفظ ما يكون مني وجعلتهم شهوداً علي

ای مولای من چگونه در عذاب بماند با آنکه امیدوار بحلم گذشته توست آیا چگونه آتش او را بدرد آورد و حال آنکه او آرزوی فضل و رحمت ترا دارد یا چگونه شعله آتش او را بسوزاند و حال آنکه تو صدای او میشنوی و مکان او را می بینی آیا چگونه خروشنده آتش او را فرا گیرد و حال آنکه ناتوانی او را میدانی و یا چگونه میان طبقات آتش بخود بپیچد و بالا و پائین کشیده شود و حال آنکه تو ~~صدق~~ راستی او را میدانی و یا چگونه مأمورین آتش او را زجر دهند و حال آنکه او فریاد میکند ای پروردگارا و یا چگونه امیدوار بفضل تو باشد در رهائی خود و تو او را رها کنی در آتش بسیار دور است از کرم تو این گمان بتو نیست و از فضل تو چنین معروف نیست و این با معامله که با موحدین میکنی شبیه نیست و مانند نیکی و احسانت نمیباشد با آنان نمی ماند من بیقین میدانم که اگر فرمانت بعذاب منکران نبود و حکم نکرده بودی بخلود معاندانت در دوزخ هر آینه سراسر آتش را خنک و سلامت میکردی و احدی را در دوزخ قرارگاه و جای ماندن نبود ۲۵ ولی تو که مقدس است نامهایت سوگند یاد کردی
که دوزخ را پر کنی از کافران از جن و انس تماماً شان و سوگند یاد کردی که جاودانه گذاری معاندان را در دوزخ ۲۶
~~دوزخ~~ و تو که والا باد ستایشت بدون سابقه فرمودی و تفضلی با احسان و بزرگواری خود گفتی آیا کسیکه مؤمن شده مانند آنکه کافر شده برابر نباشند ۲۷ معبودا و سیدا از تو خواهم بقدرتیکه معین کرده‌ای و بنوشته‌هائیکه تصمیم گرفتی و صادر نمودی و تسلط داری که بر هر کس اجرا کنی که مرا در این شب و در این ساعت ببخشی هر جرمی که کرده‌ام و هر گناهی که مرتکب شده‌ام و هر زشتیکه به پنهانی انجام داده‌ام و هر نادانی که بجا آورده‌ام پنهانی و یا آشکار کرده‌ام مخفی کرده‌ام و یا بویدا و هر بدکاری که دستور دادی بضبط آن نویسندگان گرامی را آن مأمورین که گماشتی بثبت آنچه از من صادر شود و آنان را گواهان بر من نمودی

مع جوارحي وكنت انت الرقيب على من ورائهم والشاهد لما خفي عنهم
وبرحمتك اخفيته وبفضلك سترته وان توفر حظي من كل خير انزلته او
احسان فضلته او بر نشرته او رزق بسطته او ذنب تغفره او خطأٍ
تستره ٢٨ يارب يارب يا الهي وسيدي ومولاي ومالك رقي
يامن بيده ناصيتي ياعليما بضري ومسكنتي ياخبيرا بفقري وفاقتي ٢٩
يارب يارب اسئلك بحقك وقدسك واعظم صفاتك واسمائك
ان تجعل اوقاتي من الليل والنهار بذكرك معمورة وبخدمتك موصولة
واعمالي عندك مقبولة حتى تكون اعمالي واورادي كلها وردا واحدا وحالي في
خدمتك سرمدا يا سيدي يامن عليه معولي يامن اليه شكوت احوالي ٣٠ يارب
يارب يارب قو على خدمتك جوارحي واشدد على العزيمة جوانحي وهب لي
الجد في خشيتك والدوام في الاتصال بخدمتك حتى اسرح اليك في ميادين
السابقين واسرع اليك في المبادرين واشتاق الى قربك في المشتاقين و
ادنو منك دنو المخلصين واخافك مخافة الموقنين واجتمع في جوارك مع
المؤمنين ٣١ اللهم ومن ارادني بسوء فارده ومن كادني فكده واجعلني
من احسن عبيدك نصيبا عندك واقربهم منزلة منك واخصهم زلفة
لديك فانه لا ينال ذلك الا بفضلك ٣٢ وجد لي بجودك واعطف
علي بمجدك واحفظني برحمتك واجعل لساني بذكرك لهجا وقلبي بحبك متيما ومن علي
بحسن اجابتك واقلني عثرتي واغفر زلتي ٣٣

با اعضای بدنم و تو خود هم دیده بان و مراقب من بوده ای پس از آنان و گواهی آنچه را از ایشان
نهانست و برحمت خود نهان داشتی و بفضل خود سرپوش گذاشتی و دیگر اینکه بهره مرا فراوان دهی
از هر خیری که نازل نمودی و یا احسانیکه بخشش کنی و یا نیکی که منتشر سازی و یا رزقیکه بگسترانی
و یا گناهی که بیامرزی و یا خطائی که بپوشانی پروردگارا پروردگارا پروردگارا ای خدای من ای آقای ۲۸
من و مولای من و مالک بندگی من ای آنکه بدست اوست موی پیشانی من ای دانای بزیان
و بیچارگی من ای بینای بفقر و بی چیزیم ۲۹ یارب یارب یارب از تو خواهم بحق خودت
و بقدست و بزرگترین صفات و نامهایت که بگردانی اوقات شبانه روز مرا بیاد خودت
آباد شده و پیوسته در خدمتت باشم و کردارم را نزد خود بپذیر تا آنکه اعمال و اورادم
یک آهنگ باشد و حالم در خدمتت پاینده و استوار باشد ای آقای من ای که بر او تکیه دارم
و بدرگاهش شکایت احوال خود برم ۳۰ یارب یارب یارب توانا کن در خدمتت اعضایم را
، و محکم کن بر تصمیم افکار مرا و جدیت در ترست ~~بمن ببخش~~ و دوام در اتصال بخدمتت را بمن ببخش
تا بتازم بسویت در میدانهای پیش تازان و بشتابم بسویت در پیشروان و شوق نمایم بقربت
شوم در میان مشتاقان و بتو نزدیک شوم مانند مخلصین و از تو بترسم مانند اهل یقین
و در جوار تو با مؤمنین باشم ۳۱ خدایا و هرکس بدی من خواهد بشر انداز و هرکس با من کید کند
جزایش ده و مرا از نیکوترین بندگانت در بهره نزد خود قرار ده و مرا از نزدیکترین مقام
بخود و مخصوص ترین افراد در تقرب بنزدت قرار ده زیرا باینها نتوان رسید مگر بفضل خودت ۳۲
ببخش مرا بجودت و توجه کن بمن ببزرگواریت و نگهدار مرا برحمتت و زبانم را بذکر خودت روان نما
و دلم را بدوستی خود رام کن و بر من منت نه بحسن اجابتت و از لغزشم چشم پوشی کن و گناهانم را
بیامرز ۳۳

فانك قضيت على عبادك بعبادتك وامرتهم بدعائك وضمنت لهم الاجابة فاليك يا رب نصبت وجهي واليك يا رب مددت يدي فبعزتك استجب لي دعائي وبلغني مناي ولا تقطع من فضلك رجائي واكفني شر الجن والانس من اعدائي ٢٤ يا سريع الرضا اغفر لمن لا يملك الا الدعاء فانك فعال لما تشاء يا من اسمه دواء وذكره شفاء وطاعته غنى ارحم من راس ماله الرجاء وسلاحه البكاء يا سابغ النعم يا دافع النقم يا نور المستوحشين في الظلم يا عالماً لا يعلم صل على محمد وال محمد وافعل بي ما انت اهله وصلى الله على رسوله والائمة الميامين من اله وسلم تسليما

٢٢- دعائه اذا نظر الى الهلال

اللهم اني اسئلك خير هذا الشهر ونوره ونصره وبركته وطهوره ورزقه واسئلك خير ما فيه وخير ما بعده واعوذ بك من شر ما فيه وشر ما بعده اللهم ادخله علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام والبركة والتقوى والتوفيق لما تحب وترضى

٢٣- دعائه اذا نظر الى هلال رمضان

اللهم اهله علينا بالامن والايمان والسلامة والاسلام والعافية المجللة والرزق الواسع ودفع الاسقام اللهم ارزقنا صيامه وقيامه وتلاوة القرآن فيه وسلمنا فيه

٢٤- دعائه عند الافطار

اللهم لك صمنا وعلى رزقك افطرنا فتقبله منا انك انت السميع العليم

زیرا که تو حکم دادی ببندگانت برای پرستشت و دستور دادی ایشان را بدعا و بدرگاهت و ضامن
اجابت برای ایشان شدی پس پروردگارا روی خود را بسوی تو کردم و بسوی تو دست خود را دراز کردم
پس بعزتت دعایم را استجاب کن و با رزویم برسان مرا و از فضل خود امیدم را قطع مکن و شر
جن و انس از دشمنانم را کفایت کن ۳۴ ای که زود خوشنودی بیامرز آنکه را جز دعا چیزی ندارد زیرا
تو هر چه را بخواهی میکنی ای آنکه نامش دوا و ذکرش شفا و طاعتش توانگریست رحم کن بر کسیکه
سرمایه اش امید و سازو برگش گریه است ای آنکه نعمتهای ریزان است نقمتها را دور کن ای
روشنی بخش هراسندگان در تاریکی ها ای دانای نیاموخته رحمت فرست بر محمد و پیروان محمد و بکن
با من آنچه تو اهل آنی و رحمت کند خدا بر رسول او و بر زمامداران با برکت از پیروان او و درود فرسته

۲۲ – دعای آنحضرت چون نظر بسوی ماه میکرد

خدایا براستی از تو خواهانم خیر این ماه و نورانیت آن و یاری و برکت و پاکی و روزی آزاد
از تو خواهانم خیر آنچه در اینماه و خیر آنچه پس از اینماه است و پناه میبرم بتو از شر آنچه در آن
و شر آنچه پس از آنست خدایا وارد ساز این ماه را بر ما با امن و ایمان و سلامت و برکه
و تقوی و توفیق بآنچه دوست داری و خورسندی

۲۳ – دعای آنحضرت چون بماه رمضان نظر میکرد

خدایا وارد کن اینماه را بر ما با امن و ایمان و سلامت و اسلام و عافیت با عظمت و روزی
فراوان و دفع بیماریها خدایا روزی کن ما را روزه گرفتن و ایستادن و سکوت و تلاوت
قرآن در اینماه و سلامت بدار ما را در آن

۲۴ – دعای آنحضرت بوقت افطار

خدایا برای تو روزه گرفتیم و بر رزق تو افطار کردیم پس بپذیر از ما زیرا تو شنوای دانائی

٢٥- دعائه فی کل یوم من عشر ذی الحجة عشر مرات

لا اله الا الله عدد الليالى والدهور لا اله الا الله عدد امواج البحور لا اله الا الله ورحمته خير مما يجمعون لا اله الا الله عدد الشوك والشجر لا اله الا الله عدد الشعر والوبر لا اله الا الله عدد الحجر والمدر لا اله الا الله عدد لمح العيون لا اله الا الله فى الليل اذا عسعس والصبح اذا تنفس لا اله الا الله عدد الرياح فى البرارى والصخور لا اله الا الله من اليوم الى يوم ينفخ فى الصور

٢٦- دعائه للشفاء من السقم

الهى كلما انعمت على نعمة قل لك عندها شكرى وكلما ابتليتنى ببلية قل لك عندها صبرى ! فيا من قل شكرى عند نعمته فلم يحرمنى ويا من قل صبرى عند بلائه فلم يخذلنى ويا من رآنى على المعاصى فلم يعاقبنى عليها ! صل على محمد وال محمد واغفر لى ذنوبى واشفنى من مرضى انك على كل شيئ قدير

٢٧- ايضاً فى طلب الشفاء

اللهم انى اسئلك تعجيل عافيتك او صبراً على بليتك وخروجا الى رحمتك

۲۵ — دعای آنحضرت در هر روزی از دهه ذیحجه ده مرتبه

ذکر لا اله الا الله امیگویم بعدد شب و روزگارها و لا اله الا الله بعدد موجهای دریاها
نیست معبود بحق جز خدای کامل الذات و رحمت او بهتر است از آنچه جمع میکنند لا اله الا الله
بعدد آنچه خار و درخت است لا اله الا الله بعدد آنچه مو و کرک است لا اله الا الله بعدد آنچه سنگ و کلوخ است لا اله الا الله
بعدد بهم زدن چشمها لا اله الا الله در شب هنگامیکه بگردد و برود و در صبح هنگامیکه بدمد
و پدید آید لا اله الا الله عدد بادها در بیابانها و سنگها لا اله الا الله از امروز تا روزیکه
دمیده شود در صور

۲۶ — دعای آنحضرت برای شفاء از مرض

خدایا هر زمان که نعمتی بر من عطا کردی کم شد برای آن شکر من و هر زمان که مرا ابتلاء
بلائی کردی کم شد برای آن صبر من ۱ پس ای آنکه کم شد شکر من نزد نعمت او
و مرا محروم نکرد وای آنکه کم شد صبرم نزد بلاء او پس مرا وانگذاشت وای آنکه مرا
دید بر معاصی پس مرا عقاب نکرد بر معاصی ۲ رحمت فرست بر محمد و بر دودمان محمد
و بیامرز برایم گناهانمرا و شفا بده مرا از بیماریم زیرا تو بر هر چیز توانائی

۲۷ — و نیز دعای آنحضرت در خواستن شفا

خدایا از تو درخواست میکنم بشتاب فرستی عافیتت را یا بدهی شکیبائی بر بلایت یا بیرون
رفتن بسوی رحمتت را

٢٨- دعائه في العوذة لكل الم الجسد

اعوذ بعزة الله وقدرته على الاشياء كلها واعيذ نفسي بجبار السموات والارض واعيذ نفسي بمن لا يضر مع اسمه شيئ من كل داء واعيذ نفسي بالذي اسمه بركة وشفاء

٢٩- من دعائه لعسر الولادة يكتب لها

يا خالق النفس من النفس ومخرج النفس من النفس ومخلص النفس من النفس

٣٠- من دعائه في الاعتصام والمسئلة

اعتصمت بحبل الله الذي لا اله الا هو الباعث الوارث اعتصمت بالله الذي لا اله الا هو القائم على كل نفس بما كسبت له اعتصمت بالله الذي لا اله الا هو الذي قال للسموات والارض ائتيا طوعاً او كرها قالتا اتينا طائعين اعتصمت بالله الذي لا اله الا هو لا تاخذه سنة ولا نوم اعتصمت بالله الذي لا اله الا هو الرحمن على العرش استوى يعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور اعتصمت بالله الذي لا اله الا هو له ما في السموات وما في الارض وما بينهما وما تحت الثرى ٣ اعتصمت بالله الذي لا اله الا هو يرى ولا يرى وهو بالمنظر الاعلى رب الاخرة والاولى اعتصمت بالله الذي لا اله الا هو الذي ذل كل شيئ لملكه

۲۸ دعای آنحضرت در پناه بردن برای هر درد بدن

پناه میبرم بعزت خدای کامل الذات و قدرت او بر تمام چیزها و پناه میبرم بمسخر کننده
آسمانها و زمین و پناه میبرم خود را بانکه زیان نمیرساند با نام او چیزی از هر دردی
و [illegible] پناه میبرم خود را بانکه نام او برکت و شفا است

۲۹ — از دعای آنحضرت برای دشوار شدن زائیدن نویسند برای او

ای آفریننده جان از جان و بیرون آورنده جان و خلاص کننده جان از جان

۳۰ — از دعای آنحضرت در چنگ زدن و سئوال کردن

چنگ زدم بریسمان خدای کامل الذاتیکه نیست معبودی بحق جز او که اموات را بر می انگیزاند
ارش بر نده است چنگ زدم بخدائیکه نیست معبودی بحق جز او که بر پا دارنده هر کسی است بانچه
کسب کرده ۱ چنگ زدم بخدائیکه نیست معبودی جز او آنکه گفت بآسمانها و زمین بیائید
(بجنبید) خواه و یا ناخواه گفتند آمدیم فرمانبردار چنگ زدم بخدائیکه جز او معبود بحق
نیست نمیگیرد او را چرت و نه خواب ۲ چنگ زدم بخدائیکه جز او معبود بحق نیست
آن بخشنده ایکه بر عرش خود نافذ است میداند خیانت گوشه چشمها و آنچه در سینه ها
پنهانست چنگ زدم بخدائیکه جز او معبودی بحق نیست باختیار و ملک او است آنچه در آسمانها
و آنچه در زمین و آنچه بین آنهاست و آنچه زیر خاکست ۳ چنگ زدم بخدائیکه معبود بحق
نیست جز او می بیند و دیده نمیشود و او به دیدگاه برتری است پروردگار آخرت و دنیا ۴
چنگ زدم بتوحید و یاد بن و یا بکرم خدائیکه معبود بحق جز او نیست آنکه هر چیز خوار است برای ملک و سلطنت او

اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو الذى خضع كل شئ لعظمته ٥ اعتصمت
بالله الذى لا اله الا هو فى علوه دانى وفى دنوه عال وفى سلطانه قوى ٦ اعتصمت
بالله الذى لا اله الا هو البديع الرفيع الحى الدائم الباقى الذى لا يزول ٧ اعتصمت
بالله الذى لا اله الا هو الذى لا تصف الالسن قدرته اعتصمت بالله الذى لا اله
الا هو الحى القيوم لا تأخذه سنة ولا نوم ٨ اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو
الحنان المنان ذو الجلال والاكرام ٩ اعتصمت بالله الذى لا اله الا هو الفرد
الاحد الصمد الذى لم يلد ولم يولد ولم يكن له كفوا احد ١٠ اعتصمت بالله
الذى لا اله الا هو اكرم الاكرمين الكبير الاكبر العلى الاعلى اعتصمت بالله الذى
لا اله الا هو بيده الخير كله وهو على كل شئ قدير ١١ اعتصمت بالله الذى
لا اله الا هو يسبح له ما فى السموات والارض كل له قانتون ١٢ اعتصمت
بالله الذى لا اله الا هو الحى الحكيم السميع العليم الرحمن الرحيم اعتصمت بالله الذى
لا اله الا هو عليه توكلت وهو رب العرش العظيم ١٣ بسم الله الرحمن الرحيم اللهم
انى اسئلك وانت اعلم بمسئلتى واطلب اليك وانت العالم بحاجتى وارغب
اليك وانت منتهى رغبتى ١٤ فيا عالم الخفيات وسامك السموات ورافع
البليات ومطلب الحاجات ومعطى السؤلات صل على محمد خاتم النبيين
وعلى اله الطيبين الطاهرين ١٥ اللهم اغفر لى خطيئتى واسرافى فى امرى

چنگ زدم بخدائیکه جز او معبود بحقی نیست آنکه هر چیزی در برابر عظمت فروتن است ۵ چنگ زدم
بخدائیکه جز او معبود بحقی نیست در برتری خود نزدیک است و در نزدیکی خود برتر است و در سلطنت
خود قوی است ۶ـ چنگ زدم بخدائیکه جز او معبود بحق نیست نو پدید آورنده والاتر به زنده همیشگی
دائم باقی آنکه زائل نمیشود ۷ چنگ زدم بکرم خدائیکه نیست معبود بحق جز او آنکه زبانها وصف
قدرت او را نتوانند چنگ زدم بخدائیکه نیست معبود بحق جز او زنده پاینده آنکه نمیگیرد او را چرت
ونه خواب ۸ چنگ زدم بکرم خدائیکه نیست معبود بحق جز او مهربان صاحب منت صاحب
جلال و کرم ۹ چنگ زدم بکرم خدائیکه نیست معبود بحق جز او یگانه تکیه‌گاهی بی نیاز که
نه فرزند دارد ونه فرزند کسی است و نبوده برای او همتا احدی ۱۰ چنگ زدم بکرم خدائیکه نیست
معبود بحق جز او کریم ترین کریمان بزرگ بزرگتر برتر والا چنگ زدم بکرم خدائیکه نیست معبود
بحق جز او بدست او خیر تمامش و او بر هر چیزی تواناست ۱۱ چنگ زدم بکرم خدائیکه نیست معبود
بحق جز او تسبیح میکند او را آنچه در آسمانها و زمین همه برای او متواضعند و رام ۱۲ چنگ زدم
بکرم خدائیکه نیست معبود بحق جز او زنده حکیم شنوای دانا بخشنده مهربان چنگ زدم بکرم خدائیکه نیست
معبود بحق جز او بر او توکل کردم و او است پروردگار عرش عظیم ۱۳ بنام خدای بخشنده مهربان خدایا
براستی از تو خواهانم و تو داناتری بسوال فی و از تو میجویم و تو داناتری بحاجتم و توجه میکنم بسوی تو و تو
فتحدار توجه منی ۱۴ پس ای عالم پنهانیها و ای نگهدار آسمانها و ای بردارنده بلیات و ای معدن
حاجات و ای دهنده سئوالات رحمت فرست بر خاتم پیمبران و بر پیروان پاکیزه گان پاکان ۱۵

خدایا بیامرز خطاهای مرا و بیامرز زیاده روی مرا در کارم

كله وما انت اعلم به منى ١٠ اللهم اغفرلى خطاياى وعمدى وجهلى وهزلى
وجدى فكل ذلك عندى ١١ اللهم اغفرلى ما قدمت وما اخرت وما اسررت
وما اعلنت انت المقدم وانت المؤخر وانت على كل شيء قدير

٣١ - من دعائه فى الاستجار بالله تعالى

اللهم انت ربي وانا عبدك آمنت بك مخلصا لك على عهدك ووعدك ما استطعت
اتوب اليك من سوء عملى واستغفرك لذنوبى التى لا يغفرها غيرك اصبح ذلى مستجيرا
بعزتك واصبح فقرى مستجيرا بغناك واصبح جهلى مستجيراً بحلمك ٢
واصبحت قلة حيلتى مستجيرة بقدرتك واصبح خوفى مستجيرا بامانك واصبح
دائى مستجيرا بدوائك واصبح سقمى مستجيرا بشفائك واصبح حينى مستجيراً
بقضائك واصبح ضعفى مستجيرا بقوتك واصبح ذنبى مستجيرا بمغفرتك واصبح
وجهى الفانى البالى مستجيراً بوجهك الباقى الدائم الذى لا يبلى ولا يفنى ٣ يامن
لا يوارى منه ليل داج ولا سماء ذات ابراج ولا حجب ذات ارتجاج ولا ماء فى قعر
بحر عجاج ٤ يا دافع السطوات يا كاشف الكربات يا منزل البركات من فوق سبع
سموات ٥ اسئلك يا فتاح يا نفاح يا مرتاح يا من بيده خزائن كل مفتاح
ان تصلى على محمد وال محمد الطيبين الطاهرين وان تفتح لى خير الدنيا والآخره وان
تحجب عنى فتنته الموكل بي ولا تسلطه على فيهلكنى ٦ ولا تكلنى الى احد

تمام آنرا و آنچه تو داناتری بآن از من ۱۶ خدایا بیامرز برایم خطاهای مرا و گناه عمدی من و نادانیم
و هزلم و سخن جدیم که تمام آن نزد من بوده است ۱۷ خدایا بیامرز برایم آنچه در پیش انجام داده‌ام
و آنچه در بعد و آنچه پنهان داشته‌ام و آنچه آشکار نموده‌ام توئی جلو آورنده و توئی عقب آورنده و تو
بر هر چیز توانائی

۳۱ــ از دعای آنحضرت در پناه بردن بخدا تعالی

خدایا توئی پروردگار من و منم بنده تو ایمان آوردم بتو ایمان خالص برای تو بر پیمان تو و وعده‌ات تا بتوانم
برمیگردم بسوی تو از بدی عملم و طلب آمرزش میکنم برای گناهانم آنها را که نمی‌آمرزد جز تو ۱ خواریم وارد
صبح شده در حالیکه پناه برده بعزتت و فقریم وارد صبح شد در حالیکه پناه برده به بی‌نیازیت
و نادانیم وارد صبح شد در حالیکه پناه برده بحلمت ۲ کمی چاره‌ام وارد صبح شد در حالیکه پناه
برده بتوانائیت و ترسم وارد صبح شد در حالیکه پناه برده بامان تو و دردم وارد صبح
شده در حالیکه پناه برده بدواء تو و مرضم وارد صبح شد در حالیکه پناه برده بشفاء تو و هلاکتم
وارد صبح شد در حالیکه پناه برده بجلوت و ناتوانیم صبح کرده در حالیکه پناه
برده به نیروی تو و گناهم وارد صبح شد در حالیکه پناه برده بآمرزش تو و شخص فانی
پوسیدنیم وارد صبح شد در حالیکه پناه برده بشخص باقی دائم تو آنکه نمی‌پوسد و نه فانی میشود ۳
ای آنکه مخفی نیست از او شبها و نه آسمانهای دارای برجها و نه پرده‌های دارای اضطراب
و نه آب در ته دریای شور ۴ ای دفع کننده سطوتها ای برطرف کننده بلاها ای نازل کننده
برکتها از بالای هفت آسمانها ۵ از تو خواهم ای گشاینده ای دهنده ای خورسند اینکه
بدست آوری خزینه‌های هر کلید (و مانند گشایش کارها) که رحمت فرستی بر محمد و پیروان پاکیزه پاکان
و بگشائی برایم خیر دنیا و آخرت و اینکه مانع شوی و دفع کنی از من بلای نفس اماره که مولع بر من است و مسلط گردانی
او را بر من که هلاک میکند مرا ۶ و مرا واگذار مکن بیکی مرا یاری

طرفة عين فيعجز عني ولا تحرمني الجنة وارحمني وتوفني مسلما والحقني با
الصالحين واكفني بالحلال عن الحرام وبالطيب عن الخبيث يا ارحم الراحمين ٧
اللهم خلقت القلوب على ارادتك وفطرت العقول على معرفتك فتململت الافئدة
من مخافتك وصرخت القلوب بالوله اليك وتقاصر وسع قدر العقول عن الثناء
عليك وانقطعت الالفاظ عن مقدار محاسنك وكلت الالسن عن احصاء
نعمك فاذا ولجت بطرق البحث عن نعتك بهرتها حيرة العجز عن ادراك
وصفك فهي تتردد في التقصير عن مجاوزة ما حددت لها اذ ليس لها ان تتجاوز
ما امرتها ٨ فهي بالاقتدار على ما مكنتها تحمدك بما انهيت اليها والالسن
منبسطة بما تملي عليها ولك على كل من استعبدت من خلقك ان لا يملوا
من حمدك وان قصرت المحامد عن شكرك بما اسديت اليها من نعمك فحمدك بمبلغ
طاقة جهدهم الحامدون واعتصم برجاء عفوك المقصرون واوجس بالربوبية
لك الخائفون وقصد بالرغبة اليك الطالبون وانتسب الى فضلك المحسنون ٩
وكل يتفيئوع في ظلال تأميل عفوك ويتضائل بالذل لخوفك ويعترف
بالتقصير في شكرك فلم يمنعك صدوف من صدف عن طاعتك ولا عكوف
من عكف على معصيتك ان اسبغت عليهم النعم واجزلت لهم القسم وصرفت
عنهم النقم وخوفت عواقب الندم وضاعفت لمن احسن واوجبت على المحسنين

چشم برهم زدنی که ناتوان میشود از من و از سرپرستی من و مرا از بهشت محروم مکن و مسلمان
بمیران و بر عبادت پیشگان و مرا باز دار بواسطه حلال از حرام و بپاکیزه از پلید یا ارحم الراحمین ٧
خدایا آفریدی دلها را بر خواست خودت و عقلها را بر شناختن خود فطری نمودی ~~پس جمیع~~
دلها از ترس تو طپیدن گرفت و قلبها بشیفتگی بسوی تو شیدن کرد و توانائی اندازه خردها از
ثنای بر تو کوتاه آمد و گفتارها از قدردانی نیکیهایت بریده شد و زبانها از شمردن
نعمتهایت لال گردید پس ~~هر وقت~~ گاهیکه در بحث از صفت تو فرو رفت حیرانی از درک
وصفت آنرا مبهوت کرد پس در تقصیر خود از اینکه مبادا تجاوز کرده باشند از حدود دیگر برای آنها سعی کردی
حیران ماندند ٨ پس زبانها بمقداریکه تو بآن ممکن داده ای ستایش تو میکنند برکت آنچه تو بآنها
~~[illegible]~~ بیانهای و زبانها گشاده گشت بآنچه تو بآنها یاد دادی در برابر تو
حقی است بر هر یک از آفریدگانت که ببندگیشان خواندی. که از حمد تو خسته نشوند واگرچه
حمدشان از شکرگذاری برابر تو کوتاه است برابر آن نعمتها که بایشان عطا کردی پس بمقدار
طاقت و کوشش خود ترا حمد کردند حمدکنندگان و بامید عفو تو چنگ زدند تقصیرکنندگان
و به پروردگاری تو اذعان کردند قانعان و بسوی تو رغبت کردند جویندگان و نیکی خود را
بفضل تو نسبت دادند نیکوکاران ٩ و هر یک از ایشان در سایه آرزوی عفو تو برگشته
و برای ترس از تو خود را بذلت حقارت زدند و بتقصیر در شکرگذاری برابر تو اعتراف کردند
پس اعراض آنانکه از طاعت اعراض کردند و روگردانی آنانکه بنافرمانی تو رو کردند ترا
باز ندارد از اینکه نعمتها بر ایشان بریزی و سهم آن بسیاری برای ایشان زیاد کنی
و بدبختیها را از ایشان بگردانی و از پایان پشیمانی ایشان ترا بترسانی و تو برای نیکوکار
چند مقابل مزد دادی و بر نیکوکاران واجب نمودی

شكر توفيقك للاحسان وعلى المسيئ شكر تعطفك بالامتنان وعدت محسنهم
الزيادة في الاحسان منك فسبحانك تثيب على ما بدؤه منك وانتسابه اليك
والقوه عليه بك والاحسان فيه منك والتوكل في التوفيق له عليك فلك الحمد
حمد من علم ان الحمد لك وان بدئه منك ومعاده اليك حمد لا يقصر عن بلوغ
الرضا منك في نعمه ولك مؤيدات من عونك ورحمة تخص بها من احببت
من خلقك فصل على محمد وال محمد واخصصنا من رحمتك ومؤيدات لطفك
اوجبها للاقالات واعصمها من الاضاعات وانجيها من الهلكات و
ارشدها الى الهدايات واوقاها من الآفات واوفرها من الحسنات
وانزلها بالبركات وازيدها في القسم واسبغها للنعم واسترها
للعيوب واسرها للغيوب واغفرها للذنوب انك قريب مجيب ١٣
وصل على خيرتك من خلقك وصفوتك من بريتك وامينك على وحيك
بافضل الصلوات وبارك عليه بافضل البركات بما بلغ عنك من الرسالات
وصدع بامرك ودعى اليك بالدلائل عليك بالحق المبين حتى اتاه اليقين
وصلى الله عليه في الاولين وصلى الله عليه في الآخرين وعلى اله واهل بيته
الطاهرين واخلفه فيهم باحسن ما خلفت به احدا من المرسلين بك يا ارحم
الراحمين اللهم ولك ارادات لا تعارض دون بلوغها الغايات قد انقطع
معارضتها بعجز الاستطاعات عن الرد لها دون النهايات فاية ارادة

شکر موفقیت بار نیکی و بر بدکار، واجب کردی شکر مهربانی خود را باظهار امتنان و وعده
کردی از خود نیکی کار ایشان را بزیادی احسان ۱۰ پس تو منزهی پاداش خوب میدهی بخوبیهائیکه
ابتدایش از تو و انتسابش بسوی تو است و توانائی بر آن بعطای تو است و در توفیق یافتن
بنیکی توکل بر تو است ۱۱ پس فقط بار تو حمد است حمد کسیکه دانسته که حمد سزاوار تو است و اینکه
ابتدای حمد و برگشتن آن بسوی تو است حمدیکه بخوشنودی تو بخوشنودی تو برسد و کوتاه نباشد
حمد کسیکه قصدش تو و خالص برای تو باشد و باستحقاق زبانی نعمت از جانب تو برسد و تو را
کمکها انبیا و رحمت همه که بخصوص میگردانی با آنها مخلوقاتیکه دوست میداری ۱۲
پس رحمت بفرست بر محمد و آل محمد و ما را مخصوص گردان از رحمت و تو پیدات لطفت آن مقدار
که بهتر بهدایات تو راهنمائی کند و از آفات حافظتر باشد و حسنات را بیشتر کند و برکات را
بهتر نازل کند و قسمتها را زیادتر نماید و نعمتها را بیشتر برکت دهد و عیبها بهتر بپوشاند
و عیبها را نگهدارتر باشد و گناهها بهتر بمغفرت گردد ... که تو نزدیک و
جواد هستی ای ۱۳ درحمت و تو را انتخاب شده از خلقت و برگزیده از بندگانت و امین تو
بر وحیت بهترین رحمتها و برکت نازل بر او بهترین برکات بسبب آنچه رسانده از پیغامهای تو
و اعلام نموده بامر تو و دعوت کرده بسوی تو بدلائل بر وجود تو بحقیقت بیان تا برگزار رسید
و رحمت هنما فرستاده بر او در میان گذشتگان و رحمت و فرسته بر او در میان آیندگان و بر پیروان
دارند پاکان او و جانشینان بعد او را در میان آنها به نیکوترین چیزیکه جانشین قرار دادی یکی
از رسولانرا بحق خودت یا ارحم الراحمین ۱۴ خدایا و برای اراده هائی است که تا بنهایت نرسید
رد آن در استطاعت کسی نباشد که حقا شدنی است بتحقیق معارضه با آن منقطع شده برای ناتوانی
تمکنها که تا بنهایت نرسد رد آن مقدور نباشد پس هر اراده‌ای

جعلتها ارادة لعفوك وسببا لنيل فضلك واستغفر الا لخيرك فصل على محمد واهل بيته وصلها اللهم بدوام وايدها بتمام انك واسع الحباء كريم العطاء مجيب النداء سميع الدعاء ١٥

٣٢ ومن دعائه في طلب الرزق

اللهم صن وجهي باليسار ولا تبذل جاهي بالاقتار فاسترزق طالبي رزقك واستعطف شرار خلقك وابتلي بحمد من اعطاني وافتتن بذم من منعني وانت من وراء ذلك كله ولي الاعطاء والمنع انك على كل شيء قدير

٣٣ - دعائه في كل صباح لطلب الرزق

الحمد لله الذي عرفني نفسه ولم يتركني عميان القلب الحمد لله الذي جعلني من امة محمد صلى الله عليه واله وسلم الحمد لله الذي جعل رزقي في يديه ولم يجعله في ايد الناس الحمد لله الذي ستر عيوبي ولم يفضحني بين الناس

٣٤ - من دعائه اذا اصبح ثلثا

الحمد لله وحده سبحان الملك القدوس اللهم اني اعوذ بك من زوال نعمتك ومن تحويل عافيتك ومن فجأة نقمتك ومن درك الشقاء ومن شر ما سبق في الليل والنهار اللهم اني اسئلك بعزة ملكك وبشدة قوتك وبعظم سلطانك

که برای بخشش و سبب رسیدن بفضل و باعث نزول خیرت قرارداده ای پس بعد از آنکه
رحمت را بر محمد و اهل بیتش ورسانی خدایا آن اراده ها را برسان بدوام و تایید کن
بتمام زیرا تو آنی که داده است شانی و عطایت قابل و جوابده هستند ندا و شنونده دعائی ۱۵

۳۲ــ و از دعای آنحضرت است در طلب روزی

خدایا نگهدار آبروی مرا بتمکن و تبدیل مکن مقام مرا بتنگی و فشار تا که طلب روزی کنم
از آنانکه خود طالب رزق تواند و مهربانی از شرار خلقت بجویم و مبتلا شوم بسپاس آنکه مرا
عطا کند و بعیب جوئی آنکه مرا منع کند و تو از ~~غیر~~ پس تمام اینها سرپرست ~~عطا کنند~~
دادن و ندادنی زیرا که تو بر هر چیزی توانائی

۳۳ــ دعای آنحضرت است در هر صبح برای طلب روزی

سپاس خدائیرا که خود را بمن شناسیده و مرا کور دل رها نکرد بلکه مرا دلالت و هدایت کرد
سپاس خدائیرا که مرا از امت محمد صلی الله علیه و آله وسلم قرار داد سپاس خدائیرا که روزی مرا
در دست خود قرار داد و در دست مردم قرار نداد سپاس خدائیرا که عیوب مرا پوشیده و مرا
پیش مردم رسوا ننمود

۳۴ــ از دعای آنحضرت است وقت صبح سه مرتبه

سپاس خدای یگانه را منزه است پادشاهیکه مقدس است خدایا پناه میبرم بتو از
زائل شدن نعمت و از تغییر دادن عافیت و از ناگهانی عذاب و از رسیدن
بشقاوت و از شر آنچه گذشته بگذرد در شب و روز خدایا از تو خواهانم بعزت پادشاهیت

وبقدرتك على خلقك ان تصلي على محمد وآله وان تفعل بي ما انت اهله

٣٥- دعائه في الصباح ايضاً

الحمد لله الذي لم يصبح بي ميتا ولا سقيماً ولا مضروباً على عروقي بسوء ولا مأخوذا باسوء عملي ولا مقطوعاً دابري ولا مرتدا عن ديني ولا منكراً لربي ولا مستوحشا من ايماني ولا ملتبسًا عقلي ولا معذبا بعذاب الامم من قبلي اصبحت عبداً مملوكا ظالما لنفسي لك الحجة علي ولا حجة لي لا استطيع ان اخذ الا ما اعطيتني ولا اتقي الا ما وقيتني ٢ اللهم اني اعوذ بك ان افتقر في غناك او اذل في عزتك او اضل في هداك او اضام في سلطانك او اضطهد والامر لك ٣ اللهم اجعل نفسي اول كريمة تنتزعها من كرائمي واول وديعة ترتجعها من ودائع نعمك عندي ٤ اللهم انا نعوذ بك ان نذهب عن قولك او نفتتن عن دينك او تتابع بنا اهوائنا دون الهدى الذي جاء من عندك ٥

٣٦- دعائه في الصباح والمساء

اصبحت اللهم معتصما بذمامك المنيع الذي لا يطاول ولا يحاول من شر كل غاشم وطارق من سائر من خلقت وما خلقت من خلقك الصامت والناطق في جنة من كل مخوف بلباس سابغة ولاء اهل بيت نبيك محتجبا من كل

وبقدرتت بر خلق خود که رحمت فرستی بر محمد و پیروان محمد وانگه بجا آوری با من آنچه
تو اهل آنی پس حاجت خود را بگوید

۳۵- دعای آنحضرت در صبح نیز

ستایش خدائیرا که مرا وارد صبح نگردانید در حالیکه مرده باشم و نه مریض و نه برگهایم
صدمه زده شده و نه مرا به ترین کردار گرفته و نه پشت مرا قطع کرده (بی نسل نکرده)
و نه از دینم برگشتم و نه پروردگارم انکار کرده‌ام و نه از ایام ترسانم و نه عقلم زائل
و نه بعذاب امم دیگر گرفتار شده‌ام وارد صبح شده‌ام در حالیکه بنده هستم مملوک و ستم
کننده بخود ۱- برای تست خدایا حجت برمن و مرا حجتی نیست و مرا تمکن نیست که بگیرم
مگر آنچه مرا عطا کرده ای و پرهیز نمیکنم مگر آنچه تو مرا حفظ کنی ۲- خدایا
برای تو پناه میبرم بتو از اینکه محتاج باشم در بی نیازی تو یا خوار شوم در عزت و یا گمراه
بشوم در هدایت یا ستم بشوم در سلطنت یا آزار بشوم در حالیکه امر باختیار تو است ۳-
خدایا قرار ده جان مرا اول نعمت شریفی که از نعمتهایت بگیری و اولین امانتی قرار ده
از نعمتهای امانتی که برمیگردانی از نزد من ۴- خدایا پناه میبرم بتو از اینکه از فرمان
تو تجاوز کنیم و یا از دین تو منحرف شویم و یا پیروی هواهای خود کنیم برتر هدایتیکه
از نزد تو آمده است

۳۶- دعای آنحضرت در صبح دیگر

بار خدایا صبح کردیم در حالیکه چنگ زدیم برشته محکم تو که نه پوسش بآن میشود و نه غارتی
از شر هر نیرنگ باز شبیخون زن از هر که آفریده ای و آنچه خلق کردی از آفریده گان بی
زبان و زبان دار و زیر سپر از هراس آور باز رهی فراگیرنده از ولایت خاندان نبوتت در حجابم از هر که

قاصد لی الی اذیة بجدار حصین الاخلاص فی الاعتراف بحقهم والتمسک
بحبلهم موقنا ان الحق لهم ومعهم وفیهم وبهم اوالی من والو واجانب من جانبوا
فاعذنی اللهم بهم من شر کل ما اتقیه یا عظیم حجزت الاعادی عنی ببدیع
السموات والارض انا جعلنا من بین ایدیهم سدا ومن خلفهم سدا فاغشینا
هم فهم لا یبصرون

۳۷ـ دعای صباح

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم یا من دلع لسان الصباح بنطق تبلجه وسرح قطع اللیل المظلم بغیاهب
تلجلجه ۲ واتقن صنع الفلک الدوّار فی مقادیر تبرجه ۳ وشعشع ضیاء الشمس
بنور تاججه ۴ یا من دل علی ذاته بذاته وتنزه عن مجانسة مخلوقاته وجل
عن ملائمة کیفیاته ۵ یا من قرب من خطرات الظنون وبعد عن لحظات العیون و
علم بما کان قبل ان یکون ۶ یا من ارقدنی فی مهاد امنه وامانه وایقظنی الی ما
منحنی به من مننه واحسانه وکف اکف السوء عنی بیده وسلطانه ۷ صل
اللهم علی الدلیل الیک فی اللیل الالیل والماسک من اسبابک بحبل الشرف
الاطول والناصع الحسب فی ذروة الکاهل الاعبل والثابت القدم علی زحالیفها
فی الزمن الاول وعلی آله الاخیار المصطفین الابرار ۸ وافتح اللهم لنا مصاریع
الصباح بمفاتیح الرحمة والفلاح والبسنی اللهم من افضل خلع الهدایة والصلاح
واغرس اللهم بعظمتک فی شرب جنانی ینابیع الخشوع ۹

قصد کند آزار مرا بدیوار حصار اخلاص، در آمده ام بحق ایمان و تمسک برشته
ویشان با یقین باینکه حق از ایشان و با ایشان و در ایشان و بوسیله ایشان است و دوستم
با هر که دوست شده و برکنارم از هر که برکنار شده بار خدایا پناه ده مرا ببرکت ایشان از شر هر چه
از آن میترسم ای خدای بزرگم دشمنانم را از خود باز داشتم بیاری خدای خالق آسمان و زمین
براستی ما قرار دادیم جلو ایشان سدی و پشت سرشان سدی پس کورشان کردیم پس ایشان
نمی بینند

۳۷ — دعای صباح

بنام خداوند بخشنده مهربان

خدایا ای که برآورد زبان صبحرا بنطق فروزانش ۱ و براند قطعه های شب تاریک را بتارهای لرزانش ۲
و محکم ساخت چرخ گردانرا در اندازه های برجهایش ۳ و فروزان کرد پرتو خورشید را
بنور تابانش ۴ ای که دلالت کرد بر ذات خود بذات خویش و منزه است از هم جنسی مخلوقاتش
و برتر است از آمیزش چگونگی ها باینکه خود آفریده ۵ ای که بگمانهای دلها نزدیک و از گردش
چشمها دور شده و با آنچه باشد قبل از آنکه شود داناست ۶ ای که خوابانده مرا در گهواره
آسایش و امنیت خود و برای دریافت بخشش ها و احسانش مرا بیدار کرد و باز داشت پنجه های
بدیرا از من بدست و سلطنت خود ۷ رحمت فرست خدایا بر رهنمای بسوی در شب تار محکم تری
و آنکه گرفت از اسباب برشته شرافت بلندی مقام آنکه حسب درخشانش در اعلای کنگره برقرار است
و آنکه گامش پابرجا بوده در لغزشها در زمان جاهلیت و بر پیروان نیکوکار او برگزیدگان
خوش رفتارش ۸ و بگشا خدایا برما درهای صبح را بکلیدهای رحمت و رستگاری و در برکن مرا
خدایا از بهترین خلعتهای هدایت و شایستگی و ... خدایا بعظمت ... در زمین دلم
سرچشمه های خشوع را ۹

واجرِ اللهم لهيبتك من آماقي زفرات الدموع وادب اللهم نزق الخرق مني
بازمة القنوع ١٠ الهي ان لم تبتدئني الرحمة منك بحسن التوفيق فمن السالك
بي اليك في واضح الطريق وان اسلمتني اناتك لقائد الامل والمنى فمن
المقيل عثراتي من كبوات الهوى وان خذلني نصرك عند محاربة النفس والشيطان
فقد وكلني خذلانك الى حيث النصب والحرمان ١١ الهي اتراني ما اتيتك الا
من حيث الآمال ام علقت باطراف حبالك الا حين باعدتني ذنوبي عن دار الوصال
فبئس المطية التي امتطت نفسي من هواها فواها لها لما سولت لها ظنونها و
مناها وتبا لها لجرأتها على سيدها ومولاها ١٢ الهي قرعت باب رحمتك بيد رجائي
وهربت اليك لاجئا من فرط اهوائي وعلقت باطراف حبالك انامل ولائي فاصفح
اللهم عما كان اجرمته من زللي وخطائي واقلني من صرعة ردائي فانك سيدي
ومولاي ومعتمدي ورجائي وانت غاية مطلوبي ومناي في منقلبي ومثواي ١٣
الهي كيف تطرد مسكينا التجأ اليك من الذنوب هاربا ام كيف تخيب مسترشدا قصد
الى جنابك ساعيا ام كيف ترد ظمآن ورد الى حياضك شاربا كلا وحياضك
مترعة في ضنك المحول وبابك مفتوح للطلب والوغول وانت غاية المسئول
ونهاية المأمول ١٤ الهي هذه ازمة نفسي عقلتها بعقال مشيتك وهذه
اعباء ذنوبي درأتها بعفوك ورحمتك وهذه اهوائي المضلة وكلتها الى
جناب لطفك ورأفتك ١٥ فاجعل اللهم صباحي هذا نازلا علي بضياء الهدى
والسلامة في الدين والدنيا ومسائي جنة من كيد العدى ووقاية من مرديات

اصلاح کن

دچاری ساز خدایا بهیبت خود از گوشه‌های دیده‌ام اشکهای سوزانرا و [illegible] مرا خدایا

کج خلقیهای مرا بر ناسپاسیهای قناعت ۱۰ خدایا اگر تو از رحمت آغاز نکنی برایم بتوفیق نیک

پس کیست مرا بسویت بکشاند در راه روشن و اگر مهلتت مرا تسلیم امید و آرزو دهد

پس کیست که لغزشهای زمین کوب هوی و هوس را جبران کند و اگر یاریت مرا واگذارد انگام

نبرد نفس اماره و شیطان پس بتحقیق این واگذاریت مرا برنج و حرمان سپارده ۱۱

خدایا آیا میبینی که من با مدام حضورت مگر از جبهه آرزوها و دست بسر رشته های

لطفت نزدم جز هنگامیکه گناهانم مرا از خانه قربت [illegible] کرده پس بد مرکبی است نفسم

که از هواهای خودش پیروی کند پس وای براو بجای آرایش خیالات و گمانها و آرزوهایش و نابود

باد این نفس از گستاخیش بر آقا و مولاش ۱۲ خدایا من در خانه رحمت را با دست

امیدواریم کوبیده‌ام و از سپیدی ولی اندازگی آرزوهایم برای پناهندگی بسویت گریختم و باطراف

از رشته های لطفت انگشتهای دستیم را آویختم پس خدایا بگذر از آنچه بخود ستم نموده‌ام

از لغزشها و خطاهایم و از پا پیچ هائیکه برای خود تهیه کرده‌ام [illegible] زیرا تو آقا و مولا

و معتمد و امید منی و تو فی نهایت مطلوب و آرمان من در دنیا و آخرتم ۱۳ خدا چگونه طردش

شتاب

میکنی بیچاره‌ایکه از گناهان بسوی تو پناه آورده و گریخته و یا چطور نومید میسازی راه جوئی را که بسوی

جناب تو آهنگ نموده و یا چگونه رد میکنی تشنه‌ایرا که وارد شد بسوی حوضهای کرمت برای نوشیدن

و چنین نیست در حالیکه حوضهای تو لبریز است در تنگی قحطی و خشکسالی و در کرمت باز است برای

وارد شدن و جا گرفتن و تو فی نهایت درخواستها و انتهای آرزوها ۱۴ خدایا این مهار

نفس من است که بپای بند مشیت تو بسته‌ام و این بارهای سنگین گناهانست که [illegible] در برابر

گذاشته‌ام

عفو و رحمتت و این هواهای گمراه کننده من است که سپرده‌ام بآستان لطف و کرمت ۱۵ پس [illegible] پرتو

صبحم را بر من [illegible] هدایت [illegible] دین و دنیا و شبم را سپر قرار ده از نیرنگ دشمنان

فرود آور با پرتو

سلامت

واگذارد

~~مدافع از هلاک کنند از~~ من الهوى انك قادر على ما تشاء تؤتي الملك من تشاء و
تنزع الملك ممن تشاء وتعز من تشاء وتذل من تشاء بيدك الخير انك على كل شيءٍ
قدير تولج الليل في النهار وتولج النهار في الليل وتخرج الحي من الميت وتخرج
الميت من الحي وترزق من تشاء بغير حساب / ع۲ لا اله الا انت سبحانك اللهم
وبحمدك من ذا يعرف قدرك فلا يخافك ومن ذا يعلم ما انت فلا يهابك[١٧] الفت
بقدرتك الفرق وفلقت بلطفك الفلق وانرت بكرمك دياجي الغسق وانهرت المياه
من الصم الصياخيد عذبا واجاجا وانزلت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت الشمس
والقمر للبرية سراجا وهاجا من غير ان تمارس فيما ابتدأت به لغوبا ولا علاجا[١٨] فيا من توحد
بالعز والبقاء وقهر عباده بالموت والفناء صل على محمد وآله الاتقياء واسمع ندائي
واستجب دعائي وحقق بفضلك املي ورجائي يا خير من دعي لكشف الضر والمأمول
لكل عسر ويسر بك انزلت حاجتي فلا تردني من سني مواهبك خائبا يا كريم
يا كريم يا كريم برحمتك يا ارحم الراحمين وصلى الله على خير خلقه محمد وآله
اجمعين[١٩] پس از ختم این دعا چند جمله دعائی است که در سجده میخوانند و در کتب دعاها زیاد[٢٠]
نوشته و علامه مجلسی در ۱۸ بحار ص ۲۰ میگوید سجده و دعای آن در بیشتر نسخه‌های کتب نبوده پس
در سجده بگوید الهی قلبی محجوب ونفسی معیوب وعقلی مغلوب وهوائي غالب
وطاعتي قليل ومعصيتي كثير ولساني مقر بالذنوب فكيف حيلتي يا ستار العيوب
ويا علام الغيوب ويا كاشف الكروب اغفر لي ذنوبي بحرمة محمد وآل محمد يا غفار يا غفار
يا غفار برحمتك يا ارحم الراحمين

و دماغ از هلاکتهای هوی و هوسها زیرا تو توانائی بر هر چه بخواهی میدهی سلطنت هر که را بخواهی
و بگیری سلطنت را از هر که بخواهی و عزت دهی هر که را بخواهی و خوار کنی هر که را بخواهی
بدست تو است خیر زیرا تو بر هر چیز توانائی در آوری شب را در روز و در آوری روز را در شب
و بیرون آوری زنده را از مرده و مرده را از زنده و روزی دهی هر که را خواهی بیحساب ۱۶
نیست معبود حقی جز تو منزهی بار خدایا و بحمد تو مشغولم کیست که قدر ترا بشناسد
پس از تو نترسد و کیست بداند که تو چیستی و از تو نهراسد ۱۷ ای شکافنده بنیروی خود فرقه‌ها را
آفرینش دادی و شکافتی بلطف خود سپیده فجر را و روشن کردی بکثرت تاریکیهای
شبرا و آبهای گوارا و شور را از شکم سنگهای سخت روان کردی و نازل کردی از
ابرها فشرده آب دست نخورده را و ماه و خورشید را برای مخلوق چراغ فروزان قرار دادی
بدون اینکه در این آفرینش بدون سابقه بخستگی و چاره جوئی محتاج شوی ۱۸ ای آنکه یگانه در عزت
و بقائی و بندگان خود را مقهور کننده بمرگ و فنائی رحمت فرست بر محمد و پیروان پرهیزکار او
و ندائم را بشنو و دعایم را استجابت کن و آرزو و امیدم را بفضلت ثابت بدار ای بهترین کسیکه
خوانده شده برای برطرف ساختن ضرر و برآوردن آرزو برای هر دشوار و آسانی که بتو عرضه داشتم
حاجت خود را پس مرا از بخششهای بزرگت ناامید برمگردان ای کریم ای کریم ای کریم
برحمتت یا ارحم الراحمین وصلی الله علی خیر خلقه محمد واله اجمعین ۱۹
خدایا قلبم در حجابست و نفسم معیوب و عقلم مغلوب و هوسم غالب و طاعتم کم و گناهم بسیار
و زبانم بگناهان معترف است پس چه چاره دارم ای پرده پوش عیبها ای دانای غیبها ای برطرف کن گرفتاریها
گناهانم را بیامرز بحرمت محمد و آل محمد ای آمرزنده ای آمرزنده ای آمرزنده برحمتت یا ارحم الراحمین

٣٨- من دعائه في اداء الدين

اللهم يا فارج الهم ومنفس الغم ومذهب الاحزان ومجيب دعوة المضطرين يا رحمن الدنيا والاخرة ورحيمهما انت رحماني ورحمن كل شيء فارحمني رحمة تغنيني بها عن رحمة من سواك وتقضي بها عني الدين كله

٣٩- من دعائه ؏ في اداء الدين ايضاً

اللهم اغنني بحلالك عن حرامك وبفضلك عمن سواك

٤٠- دعائه ؏ في الدعاء على العدو

اللهم اني اعوذ بك ان اعادي لك وليا او اوالي لك عدوا او ارضى لك سخطا ابداً اللهم من صليت عليه فصلواتنا عليه ومن لعنته فلعنتنا عليه اللهم من كان في موته فرج لنا ولجميع المؤمنين فارحنا منه وابدلنا به من هو خير لنا منه حتى تريناً من علم الاجابة ما نعرفه في ادياننا ومعايشنا يا ارحم الراحمين

٤١- دعائه في دفع الاعداء ليلة الهرير

اللهم بك اساور وبك احاول وبك اصول وبك انتصر وبك اموت وبك احيا اسلمت نفسي اليك وفوضت امري اليك ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم انك خلقتني ورزقتني وسترتني وسترتني وبين العباد بلطفك خولتني اذا وهيت رددتني واذا عثرت اقلتني واذا مرضت شفيتني و اذا دعوتك اجبتني سيدي ارض عني فقد ارضيتني وصلى الله على محمد واله

۳۸ - از دعای آنحضرت در ادای دین

خدایا ای برطرف کننده اندوه ای زائل کننده غصه و برنده حزنها و اجابت کننده دعای مضطرین
ای بخشنده دنیا و آخرت و مهربان در هر دو جا تو بخشنده من و هر چیزی پس رحم کن مرا رحمتی
که مرا بی نیاز کند از رحمت آنکه جز تو است و بآن رحمت قضا کن دین مرا تماماً

۳۹ - از دعای آنحضرت در ادای دین نیز

خدایا مرا بی نیاز بحلال خود از حرامت و بفضلت از آنچه جز تو است

۴۰ - دعای آنحضرت علیه دشمن

خدایا براستی من پناه میبرم بتو از اینکه دشمنی کنم حرمت تو را و یا دوستی کنم دشمن تو را
و یا راضی گردم بغضب تو همیشه خدایا هر کس تو بر او درود رحمت فرستادی پس صلوات بر او
و هر کس تو او را لعنت کردی لعنت ما بر او خدایا هر کس در مرگ او فرجی است برای ما و جمیع
مؤمنین پس ما را از او راحت کن و بدل کن برای ما آنکه از او بهتر است برای ما تا اینکه نشان
بدهی نشانه اجابت را آنطور که بشناسیم آنرا در امور دین و زندگانی خود یا ارحم
الراحمین

۴۱ - دعای آنحضرت در دفع دشمنان [illegible]

خدایا بامید تو بر دشمن می‌جهم و به نیروی قدرت ~~[illegible]~~ تو یورش میکنم و بقوه تو حمله میکنم و بامید تو
یاری میجویم و با بر تو میمیرم و باراده تو زنده میشوم تسلیم کردم خودم را بتو و واگذاشتم کارم را
بتو و نیست قدرت و نه قوه ای مگر بخدای کامل الذات والای بزرگ خدایا تو مرا آفریدی و روزی دادی
و خوشی اکردی و مرا پوشاندی و بین بندگان بلطفت تفضل نمودی چون سست شدم نیرویم را برگرداندی
و چون لغزش نمودم مرا نگه داشتی و چون بیمار شدم شفایم دادی و چون تو را خواندم اجابتم کردی پس از من
از من خوشنود باش پس بتحقیق خوشنود ساختی مرا و صلی الله علی محمد و آله

٤٢ـ دعائه في النصر على العدو

بسم الله الرحمن الرحيم ولا حول ولا قوة الا بالله العلي العظيم اللهم اياك نعبد
واياك نستعين يا الله يا رحمن يا رحيم يا احد يا صمد يا اله محمد اليك
نقلت الاقدام وا [illegible] فضت القلوب وشخصت الابصار ومدت الاعناق
وطلبت الحوائج ورفعت الايدي اللهم افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت
خير الفاتحين پس سه مرتبه بگويد لا اله الا الله والله اكبر

٤٣ـ دعائه في الصفين استقبل القبله وهو يقول

اللهم رب هذا السقف المرفوع المكفوف المحفوظ الذي جعلته مغيض الليل
والنهار وجعلت فيها مجاري الشمس والقمر ومنازل الكواكب والنجوم وجعلت
ساكنه سبطا من الملائكة لا يسأمون العبادة ورب هذه الارض التي جعلتها
قرارا للناس والانعام والهوام وما نعلم وما لا نعلم مما يرى ومما لا يرى من خلقك
العظيم ورب الجبال التي جعلتها للارض اوتادا وللخلق متاعا ورب البحر
المسجور المحيط بالعالم ورب السحاب المسخر بين السماء والارض ورب الفلك
التي تجري في البحر بما ينفع الناس ان اظفرتنا على عدونا فجنبنا الكبر و
سددنا للرشد وان اظفرتهم علينا فارزقنا الشهادة واعصم بقية اصحابي
[illegible] من الفتنة

۴۲ — دعای آنحضرت در طلب یاری برداشتن

بنام خدای بخشندهٔ مهربان ونیست قدرت وقوه‌ای مگر بخدای والای بزرگ خدایا ترا بندگی میکنیم وترا بیاری میطلبیم ای خدای بخشنده ای مهربان ای یکتا ای بی‌نیاز ای معبود محمد بسوی تو قدم برداشته شد وبرگشته شد دلها وباز شد چشمها وکشیده شد گردنها وخواسته شد حاجتها وبرداشته شد دستها خدایا باز کن بین ما وبین قوم ما راهی بحق وتو بهترین باز کنندگانی

۴۳ — ~~دعائه فی ال~~ دعای آنحضرت در صفین روبقبله کرده وعرض کرد

خدایا ای پروردگار این سقف بلند باز داشته شده ونگهداری شده آن سقفی که شب وروز را در آن پنهان قرار داده وفرو برده‌ای وقرار داده‌ای در آن جریان شمس خورشید وماه را وقرار دادی منزلهای ستاره‌های متحرک وجنبنده را وساکنه قرار دادی در آن دسته‌ای از فرشتگان را که از عبادت خسته نمیشوند وای پروردگار این زمین که قرار داده‌ای محل قرار آدمیان وچهارپایان وحشرات وآنچه ما میدانیم وآنچه نمیدانیم از آنچه دیده میشود واز آنچه دیده نمیشود از مخلوقات بزرگ و پروردگار کوههائیکه قرار دادی آنها را میخها وبرای مخلوق بهره برداری وای پروردگار دریاهای خروشان محیط بجهان وای پروردگار ابرهای مسخر بین آسمان وزمین وای پروردگار کشتیهائیکه جاری میشود در دریا برای آنچه مردم بهره مند شوند، اگر ما را ظفر دادی بر دشمن ما پس ما را از تکبر دور کن وبراه حق ما را توفیق ده واگر ظفر دادی ایشان را بر ما پس روزی کن ما را شهادت وبقیه اصحاب مرا از فتنه حفظ کن

٢٤- دعائه ؑ في طلب الشهادة

اللهم انك جعلت سبيلا من سبلك فجعلت فيه رضاك وندبت اليه اوليائك وجعلته اشرف سبيلك عندنا ثوابا واكرمنا لديك مآبا واحبها اليك مسلكا[١] ثم اشتريت فيه من المؤمنين انفسهم واموالهم بأن لهم الجنة يقاتلون في سبيل الله فيقتلون ويقتلون وعدا عليك حقا في التورية والانجيل والقرآن[٢] فاجعلني ممن اشترى فيه منك نفسه ثم وفى لك ببيعه الذي بايعك عليه غير ناكب ولا ناقض عهدك ولا مبدل تبديلا الا استنجازا لموعدك واستحبابا لمحبتك وتقربا اليك[٣] فصل على محمد وآله واجعل خاتمة عملي وارزقني لك وبك مشهدا توجب لي به الرضى وتحط عني به الخطايا[٤] واجعلني في الاحياء المرزوقين بايدي العداة العصاة تحت لواء الحق وراية الهدى ماضيا على نصرتهم قدما غير مول دبرا ولا محدث شكا واعوذ بك عند ذلك من الذنب المحبط للاعمال ٥

٢٥- دعائه ؑ في اصلاح المخالفين

اللهم احقن دمائنا ودمائهم واصلح ذات بيننا وبينهم واهدهم من ضلالتهم حتى يعرف الحق من جهله ويرعوى من البغي والعدوان من لهج به

۴۴- دعای آنحضرت در طلب شهادت

خدایا براستی تو راهی را قرار دادی از راههایت پس قرار داد خوشنودی خود را در آن و خواندی بسوی آن دوستانت را و قرار دادی شریفترین راهها نزد ما بار ثواب و قرار دادی آنرا گرامی ترین دری نزد خود و محبوبترین راه بسوی خود ۱ پس خریدی از مؤمنین جانها و مالشان را بمقابل بایشان بهشت عطا کنی در راه خدا کارزار کنند پس بکشند و کشته شوند و این را وعده حقی بر خود نمودی در تورات و انجیل و قرآن ۲ خدایا برقرار بدار از آنانکه در راه تو خود را بتو بفروشد پس بفروش خود وفا کند و از معامله ای که با تو کرده عدول نکند و پیمان شکن نباشد و تبدیل نکند کار دیگر را بدل آن قرار ندهد چنانکه وعده تو را بوقت آن مسلم کند و دوستی تو را جلب نماید و بسوی تو تقرب جوید ۳ پس رحمت فرست بر محمد و پیروانش و قرار بده شهادت را خاتمه عمل من و درون رکن آنرا خالص برای تو و بهدایت تو که باعث خوشنودیت گردد و خطاهایم بواسطه آن بریزد ۴ و مرا قرار ده در زمره آنانکه زنده و نزد پروردگارشان روزی داده شوند (چنانچه در قرآن سوره آل عمران آیه ۱۶۹ بیان شده) و آن شهادتم را قرار ده بدست دشمنان سرکش زیر پرچم حق و بیرق هدایت که بنصرت اهل آن بوده ام و همیشه باشم و پشت کننده نباشم و ایجاد شک نکنم و شکر را بدل راه ندهم و پناه میبرم بتو نزد آن از گناهیکه با عمل من احاطه کند ۵

۴۵- دعای آنحضرت در اصلاح مخالفین

خدایا حفظ کن خونهای ما و خونهای ایشانرا و اصلاح کن بین ما و ایشان و آنانرا از گمراهی خودشان هدایت نما تا آنکه بشناسد حق را هر کس بآن نمیداند و از ستم و دشمنی برگردد آنکه بآن ادامه میداده

٤٦ـ دعائه عند اباء الناس بعد دعوتهم

اللهم ايما عبد من عبادك سمع مقالتنا العادلة غير الجائرة والمصلحة في الدين والدنيا غير المفسدة فابى بعد سمعه لها الا النكوص عن نصرتك والابطاء على اعزاز دينك فانا نستشهدك عليه وجميع ما اسكنته ارضك وسمواتك ثم انت بعد الغني عن نصره والآخذ له بذنبه

٤٧ـ دعائه عند مدح الناس له

اللهم انك اعلم بي من نفسي وانا اعلم بنفسي منهم اللهم اجعلني خيراً مما يظنون واغفر لنا مالا يعلمون

٤٨ـ دعائه في الاستعاذة من الريا

اللهم اني اعوذ بك ان تحسن في لامعة العيون علانيتي او تقبح فيما ابطن لك سريرتي محافظا على رياء الناس من نفسي بجميع ما انت مطلع عليه مني فابدي للناس حسن ظاهري وافضي اليك بسوء عملي تقربا الى عبادك وتباعدا من مرضاتك

٤٩ـ دعائه في الاستخارة

ماشاء الله كان اللهم اني استخيرك خيار من فوض اليك امره واسلم اليك نفسه واستسلم اليك في امره وخلا لك وجهه وتوكل عليك فيما نزل به اللهم خرلي

۴۶ - دعای آنحضرت وقتیکه مردم اعمالت او نکرده بعد از عیوب ~~و آنحضرت علی مکتبی~~

خدایا هر بنده‌ای از بندگانت که شنید سخن عادلانه ~~مطلب و تقرب~~ ما را که در آن
زور و ستمی نیست و برای اصلاح در دین و دنیا گفته شد و فسادی در آن نیست پس خودداری کرد بعد از
شنیدن آن و کاری نکرد مگر دوری از یاریت و کندی و خودداری از عزیز داشتن دینت پس ما تو را
علیه او شاهد میگیریم و تمام ساکنین زمین و آسمانهایت را شاهد میگیریم سپس تو بعد از
همه اینها بی‌نیازی از یاری او و مؤاخذه خواهی کرد او را بگناهش

۴۷ - دعای آنحضرت وقتیکه مردم او را مدح میکردند

خدایا براستی تو داناتری بمن از خودم و من داناترم بخودم از این مردم خدایا قرار ده
مرا بهتر از آنچه ایشان گمان میکنند و بیامرز برای ما آنچه را که ایشان نمیدانند

۴۸ - دعای آنحضرت در پناه بردن بخدا از ریاکاری

خدایا براستی که من پناه میبرم بتو از اینکه نیک باشد در نظر مردم آشکارم و بد باشد در باطن
سیرتها و اخلاق و کردارم در حالیکه خود را حفظ کنم طبق نظر مردم و از خود محافظه کاری کنم بتمام
آنچه تو آگاهی از احوالم پس برای مردم حسن ظاهر بخرج دهم و بدی کردارم را بسوی تو بیاورم برای
نزدیکی به بندگانت و دور شدن از خوشنودیت

۴۹ - دعای آنحضرت در طلب خیر کردن از خدا

آنچه خدا خواست شد خدایا براستی از تو خیر میطلبم خیر کسیکه واگذار کرده کار خود را بسوی تو و تسلیم تو نموده
خود را و از تو سؤال تری بیچون در کارش و خالص کرده خود را برای تو و تو را وکیل گرفته در آنچه بیش آید خدایا انتخاب کن برایم بنفعم

ولاتخز علي وكن لي ولاتكن علي وانصرني ولاتنصر علي واعني ولاتعن علي
وامكني ولاتمكن علي واهدني الى الخير ولاتضلني وارضني بقضاءك و
بارك في قدرك انك تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد وانت على كل شيء قدير
اللهم ان كان لي الخيرة في امري هذا في ديني ودنياي وعاقبة امري فسهله
لي وان كان غير ذلك فاصرفه عني يا ارحم الراحمين انك على كل شيء قدير و
حسبنا الله ونعم الوكيل

٥٠ - دعائه في الخروج الى السفر

اللهم اني اعوذ بك من وعثاء السفر وكآبة المنقلب وسوء المنظر في
النفس والاهل والمال والولد اللهم انت الصاحب في السفر وانت
الخليفة في الاهل ولا يجمعهما غيرك لان المستخلف لايكون مستصحبا
والمستصحب لايكون مستخلفا

٥١ - دعائه في التسبيح بعد صلوة اربع ركعات يقرء بعد الحمد التوحيد خمسة عشرة

سبحان من لا تبيد معالمه ١ سبحان من لاتنقص خزائنه ٢ سبحان من لا
اضمحلال لفخره ٣ سبحان من لا ينفد ما عنده ٤ سبحان من لا انقطاع لمدته ٥
سبحان من لايشرك احد في امره سبحان من لا اله غيره ٥

٥٢ - دعائه عليه السلام عند الاستنجاء

اللهم حصن فرجي واعفه واستر عورتي وحرمني على النار

و بر ضررم اختیار مکن و برله من باش نه بر علیه من و یاریم کن بنفع نه بضرر و مدد ده له من نه علیه من
و تمکین ده مرا و تمکین مده علیه من و بسوی خیر مرا راهنما باش و از ضلالت مرا نگهدار و بقضاء خود مرا خوشنود ساز
و بقدر است مرا برایم مبارک گردان زیرا تو هرچه بخواهی میکنی و هرچه اراده کنی فرمان میدهی و تو بر
هرچیز توانائی خدایا اگر در این کارم برای من در دنیا و دین و عاقبت کارم خیر است پس آسان
کن برایم و اگر غیر این است پس آنرا از من بگردان یا ارحم الراحمین براستی تو بر هرچیزی توانائی
و خدا ما را کافی است و خوب وکیلی است

۵۰- دعای آنحضرت در هنگام خروج بسوی سفر

خدایا براستی بتو پناه میبرم از سختیهای سفر و بد حالی برگشت و بد دیدن در جان و اهل و مال و فرزند
خدایا توئی همراه در سفر و توئی جانشین در خانواده و این دو صفت را جمع نمیکند جز تو
زیرا آنکه جانشین است همراه نیست و آنکه همراه است جانشین نیست

۵۱- دعای حضرت در تسبیح بعد از نماز چهار رکعت که در هر رکعت پنجاه مرتبه توحید خوانده شود
منزه است آنکه غایب نمیشود نشانه های او ۱ منزه است آنکه کم نمیشود خزینه های او ۲ منزه است آنکه
از بین نمیرود فخر او ۳ منزه است آنکه تمام نمیشود آنچه نزد اوست ۴ منزه است آنکه قطع نمیشود
مدت او ۵ منزه است آنکه شریکی نیست در امر و کار او منزه است آنکه معبود بحقی نیست جز او

۵۲- دعای آنحضرت وقت استنجاء

خدایا حفظ کن فرج مرا و عفیف قرار ده و عورت مرا بپوشان و مرا بر آتش حرام کن

٥٣ - دعائه عند القائه الماء بيده للوضوء

بسم الله والحمد لله الذى جعل الماء طهورا ولم يجعله نجسا

٥٤ - دعائه عليه السلام عند المضمضه

اللهم لقنى حجتى يوم القاك واطلق لسانى بذكرك

٥٥ - دعائه عند الاستنشاق

اللهم لا تحرم على ريح الجنة واجعلنى ممن يشم ريحها وروحها وطيبها

٥٦ - دعائه عند غسل الوجه

اللهم بيض وجهى يوم تسود فيه الوجوه ولا تسود وجهى يوم تبيض فيه الوجوه

٥٧ - دعاؤه عند غسله اليد اليمنى

اللهم اعطنى كتابى بيمينى والخلد فى الجنان بيسارى وحاسبنى حسابا يسيرا

٥٨ - دعائه عند غسل اليد اليسرى

اللهم لا تعطنى كتابى بشمالى ولا من وراء ظهرى ولا تجعلها مغلولة الى عنقى واعوذ بك من مقطعات النيران

٥٩ - دعائه عند مسح الراس

اللهم ~~ثبت قدمى على الصراط يوم تزل فيه الاقدام واجعل سعيى فيما يرضيك~~ عنى يا ذا الجلال ~~والاكرام~~ غشنى برحمتك وبركاتك وعفوك

٦٠ - دعائه عند الوضوء لنافلة يوم الجمعة

بسم الله بسم الله خير الاسماء واكرم الاسماء واشرف الاسماء بسم الله الرحمن الرحيم

۵۳ دعای آنحضرت وقت ریختن آب بدست خود برای وضوء

بنام خدا و ستایش مر خدای راکه قرار داده آبرا پاک کننده و آنرا نجس قرار نداد

۵۴- دعای آنحضرت هنگام مضمضه

خدایا حجت مرا دهانم بگذار روزیکه ملاقات میکنم تورا و زبانم را باذکرها بگذار بذکرت

۵۵- دعای آنحضرت وقت استنشاق

خدایا حرام مگردان بر من بوی بهشت را و قرار ده مرا از آنکه استشمام میکنه بوی آن و نسیم آن و عطر آنرا

۵۶- دعای آنحضرت وقت شستن صورت

خدایا سفید کن روی مرا روزیکه روسیاه شوند در آن و سیاه رو مگردان مرا روزیکه روسفید میشوند روسفیدها

۵۷ — دعای آنحضرت وقت شستن دست راست

خدایا کتاب مرا بدست راستم عطا کن و برات جاوید در بهشت را بدست چپم و حساب مرا آسان کن

۵۸- دعای آنحضرت وقت شستن دست چپ

خدایا کتابم را بدست چپم مده (یعنی پرونده اعمالم را) و نه از پشت سر و قرار مده دستم را غل بگردنم و یا پرونده‌ام را

و پناه میبرم بتو از پاره های آتش

۵۹- دعای آنحضرت وقت مسح سر

خدایا بپوشان مرا برحمت و برکات و بخششت

۶۰- دعای آنحضرت وقت وضو برای نافله روز جمعه

بنام خدا بنام خدا که بهترین نامهاست و گرامی‌تر و شریفترین اسماء است بنام خدا

الحمد لله الذى جعل من الماء كل شيئ حى الحمد لله الذى احيا قلبى بالايمان

ورزقنى الاسلام اللهم تب على وطهر قلبى واقض لى بالحسنى فى عافية وفى

عاقبة امرى وجميعه وارنى كل الذى احب فى العاجلة والآجلة افتح لى

ابواب الخيرات من عندك يا سامع الدعاء

٤١ - دعائه عند مسح الرجلين

اللهم ثبت قدمى على الصراط يوم تزل فيه الاقدام واجعل سعيى فيما يرضيك

عنى يا ذا الجلال والاكرام

٤٢ - دعائه عند دخول المسجد

يا من يسئله من فى السموات والارض كل يوم هو فى شأن اللهم فاجعل من

شأنك شأن حاجتى واقض لى حاجتى وحاجتى اليك العتق من النار و

ان تقبل على بوجهك الكريم

٤٣ - دعائه بعد تسليم صلوة

اللهم انى اشهدك وكفى بك شهيدا انى اشهد انك انت ربى وان رسولك محمداً

صلى الله عليه وآله نبيى وان الدين الذى شرعت له دينى وان الكتاب الذى

انزل اليه امامى واشهد ان قولك حق وان قضاءك حق وان عطاءك حق عدل

وان جنتك حق وان نارك حق وانك تميت الاحياء وتحيى الموتى وانك تبعث من

فى القبور وانك جامع الناس ليوم لا ريب فيه لا تغادر منهم احدا وانك لا تخلف

الميعاد اللهم انى اشهدك وكفى بك شهيدا فاشهد لى يا رب بانك المنعم على الاغدك

ستایش بر خدائیرا که قرار داد از آب هر چیزیرا زنده ستایش بر خدائیرا که زنده کرد دلمرا با ایمان
و دین اسلام را بمن روزی کرد خدایا توبه مرا بپذیر و فراهم کن برایم بنیکی در عافیت و در
عاقبت امرم و تمام آن و آنچه دوست دارم در دنیا و آخرت بمن بنما درهای خیرات را برایم
باز کن از نزد خود ای شنونده دعا

۶۱ – دعای آنحضرت وقت مسح پاها

خدایا ثابت کن قدمهایم بر راه روزیکه قدمها در آن لغزش میکنند و قرار ده سعیم را در آنچه
باعث خوشنودی تو از من است ای صاحب جلال و کرم

۶۲ – دعای آنحضرت وقت دخول مسجد

ای آنکه سئوال از او میکند کسیکه در آسمانها و زمین هر روزی او در شأنی است خدایا
پس قرار ده از شأن خود شأن حاجتم را و انجام ده برایم حاجتم را و حاجتم بسوی تو آزاد شدن
از آتش و توجه تو بمن است بوجه کریمت

۶۳ – دعای آنحضرت بعد از سلام نمازی

خدایا براستی من تو را شاهد میدانم و شهادت تو کافی است براستی من گواهم که توئی پروردگارم و اینکه
رسول تو محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر من است و اینکه دین همانست که تو برای او مقرر کردی و اینکه قرآن کتابیکه
برای او نازل کردی امام و پیشوای من است و گواهم که قول تو حق و فرمان تو حق و عطاء تو حق و
عدالت است و اینکه بهشت تو حق و دوزخ تو حق است و تو میمیرانی زندگانرا و زنده میکنی مردگانرا
و اینکه تو بر می انگیزانی آنانرا که در قبورند و براستی تو مردم را جمع میکنی برای روزیکه شکی در آن نیست
واحدی از ایشانرا باقی نمیگذاری و براستی تو وعده گاه خود را خلاف نمیکنی خدایا براستی من گواه
میگیرم تو را و شهادت تو کافی است پس شهادت برایم ای پروردگار باینکه توئی نعمت ده بر من نه غیر تو

وانت مولاى الذى بانعمك تتم الصالحات ٣ اللهم اغفرلى مغفرة عزماً لاتغادر لى ذنبا ولا ارتكب بعونك لى بعدها محرما وعافنى معافاة لا بلوى بعدها ابداً ٤ اللهم اهدنى هدى لا اضل بعده ابدا و انفعنى بما علمتنى واجعله حجة لى ولا تجعله على وارزقنى رزقا حلالا مبلغا و رضنى به وتب على يا الله يا الله يا الله ٥ يا رحمن يا رحيم اهدنى وارحمنى من النار واهدنى لما اختلف فيه من الحق باذنك انك تهدى من تشاء الى صراط مستقيم واعصمنى من الشيطان الرجيم وابلغ محمدا صلى الله عليه واله عنى تحية مباركة وسلاما آمين رب العالمين

٤٤ - من دعائه فى دبر صلواة الخمس بعد قرائة التوحيد ١٢ مرة و يبسط يده ويقول

اللهم انى اسئلك باسمك المكنون المخزون الطهر الطاهر المبارك واسئلك باسمك العظيم وسلطانك العزيز القديم يا واهب العطايا يا مطلق الاسارى يا فكاك الرقاب من النار اسئلك ان تصلى على محمد وال محمد وان تعتق رقبتى من النار وان تخرجنى من الدنيا آمنا وتدخلنى الجنة سالما وان تجعل دعائى اوله فلاحا واوسطه نجاحا وآخره صلاحاً انك انت علام الغيوب

٤٥ - دعائه فى تعقيب كل فريضة

يا من لا يشغله سمع عن سمع يا من لا يغلطه السائلون ويا من لا يبرمه الحاح الملحين اذقنى برد عفوك وحلاوة رحمتك ومغفرتك

و توئی مولایم بنعمتهای تو و برکت آنها کارهای شایسته تمام میشود ۳. خدایا بیامرزم پنهان آمرزشی
که گناهی را فرو گذار برایم نکنی و پس از آن بیارت مرتکب کار حرامی نگردم و عافیت ده
مرا چنان عافیتی که بلائی پس از آن آید نباشد ۴. خدایا هدایتکن مرا چنان هدایتی که پس از
آن گمراه نگردم و بآنچه مرا یاد دادی بهره رسان مرا و آن دانش برایم را بنفع من حجت قرار
ده نه برضررم و روزی کن مرا روزی گوارائیکه باحتیاج تام رسا باشد و مرا بآن خوشنود گردان
و توبه مرا بپذیر یاالله یاالله یاالله ۵. ای بخشنده ای مهربان مرا هدایت نما و رحم کن
از آتش و برای آنچه اختلاف در آن شد از حق مرا هدایتکن باراده خود زیرا هر که را
خواهی هدایت میکنی براه راست و نگهدار مرا از شیطان رانده شده و برسان محمد ص را از طرف من
تحفه با برکت و سلامی. و دعایم را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان

۶۴ـ از دعای آن حضرت در عقب نمازهای پنجگانه بعد از آنکه ۱۲ مرتبه سوره توحید را بخواند
دست خود را باز کند و بگوید

خدایا براستی که من از میخواهم بنام تو آن نام که پنهانست و در گنجینه غیب تو است آن نام پاک طاهر با برکت
و از تو خواهانم بنام بزرگت و سلطنت عزیز قدیمت ای بخشنده عطاها ای رهاکننده اسیران ای
آزاد کننده گردنها از آتش سئوال میکنم ترا که رحمت فرستی بر محمد و بر آل او و آزاد کنی گردنم را
از آتش و بیرون بری مرا از دنیا در حال امن و داخل کنی مرا به بهشت در حال سلامت و قرار دهی
دعایم را اول آنرا رستگاری و میانه آنرا نیکبختی و آخر آنرا شایستگی براستی که تو
خودت دانای غیبهائی

۶۵ـ دعای آنحضرت در تعقیب هر نماز واجبی

ای آنکه مشغول نمیکند او را شنیدن صوتی از شنیدن صوت دیگر ای آنکه سئوال کنندگان او را باشتباه نمیاندازند
و ای آنکه اصرار اصرار کنندگان او را خسته نمیکند بچشان مرا خوشی عفوت و شیرینی رحمت و آمرزشت را

٦٧ - ايضاً دعائه فى التعقيب

الهى هذه صلوتى صليتها لا لحاجة منك اليها ولا رغبة منك فيها الا تعظيما وطاعة واجابة لك الى ما امرتنى به الهى ان كان فيها خلل او نقص من ركوعها او سجودها لا تؤاخذنى وتفضل على بالقبول والغفران

٦٨ - ايضاً دعائه فى تعقيب كل صلوة

سبحان من لا يعتدى على اهل مملكته سبحان من لا يأخذ اهل الارض بالوان العذاب سبحان الرؤف الرحيم اللهم اجعل لى فى قلبى نورا وبصرا وفهما وعلما انك على كل شيئ قدير

٦٩ - دعائه فى حفظ القرآن وعدم نسيانه

اللهم ارحمنى بترك معاصيك ابدا ما ابقيتنى وارحمنى من تكلف ما لا يعنينى وارزقنى حسن النظر فيما يرضيك عنى ان تلزم قلبى حفظ كتابك كما علمتنى و ارزقنى ان اتلوه على النحو الذى يرضيك عنى اللهم نور بكتابك بصرى واشرح به صدرى وفرج به قلبى واطلق به لسانى واستعمل به بدنى وقونى على ذلك واعنى عليه انه لا معين لى الا انت لا اله الا انت

٧٠ - دعائه فى جوف الليل

الهى كم من موبقة حلمت عن مقابلتها بنقمتك وكم من جريرة تكرمت عن كشفها بكرمك الهى ان طال فى عصيانك عمرى وعظم فى الصحف ذنبى فما انا مؤمل غير غفرانك ولا انا براج غير رضوانك الهى افكر فى عفوك فتهون

۶۷ – و نیز دعای آنحضرت در تعقیب نماز

خدای من این نماز من است که بجا آورده ام نه برای آنکه تورا احتیاجی بآن باشد و نه برای آنکه تورا در آن رغبتی باشد بلکه برای تعظیم و فرمانبرداری و امتثال امر تو است خدایا معبودا اگر در آن خلل و یا نقصی باشد از رکوع و یا سجود آن مرا مؤاخذه مفرما و منت گذار بر من بپذیرفتن و آمرزیدن

۶۸ – و نیز دعای آنحضرت در تعقیب هر نماز

منزه است آنکه تعدی نمیکند بر اهل مملکت خود منزه است آنکه اهل زمین را بعذابهای رنگارنگ نمیگیرد منزه است خدای مهربان رحیم خدایا در دلم نور و بینائی و فهم و دانش قرار ده زیرا بر هر چیزی تو توانائی

۶۹ – دعای آنحضرت درباره حفظ قرآن و فراموش نکردن آن

خدایا مرا رحم کن بر رها کردن عصیانت همیشه مادامیکه مرا باقی بگذاردی و مرا رحم کن از اینکه خود را بزحمت اندازم و آنچه برایم مفید نیست انجام دهم و روزی کن مرا خوش بینی در آنچه باعث خوشنودیت از من است که از دلم جدا نشود حفظ کتابت همانطوریکه یاد دادی مرا و مرا روزی کن که آنرا تلاوت کنم بنحویکه باعث خوشنودیت از من شود خدایا نورانی کن بکتابت چشم را و باز کن بدان سینه ام را و ببخش بدان دلم را و بکار انداز بآن بدنم را و نیرو بده مرا بر آن و مرا یاری کن بر آن زیرا یاری کننده ای نیست جز تو نیست معبودی جز تو

۷۰ – دعای حضرت در جوف شب

خدایا چه بسیار از گناه مهلکی که حلم نمودی و عذابی بمقابل آن ننمودی و چه بسیار جنایتی پرده برداری از آن ننمودی بکرمت ۱ خدایا اگر عمرم در نافرمانی تو طولانی شد و گناهم در پرونده اعمالم بزرگ گشته پس من جز بآمرزش تو امیدی ندارم و آرزوئی جز خوشنودیت در من نیست ۲ خدایا اگر مسکنم در عفو تو پس آسان میشود

على خطيئتي ثم اذكر العظيم من اخذك فتعظم علي بليتي آه ان انا قرأت
في الصحف سيئة انا ناسيها وانت محصيها فتقول خذوه فياله من مأخوذ
لا تنجيه عشيرته ولا تنفعه قبيلته آه من نار تنضح الاكباد والكلى آه من
نار نزاعه للشوى آه من غمرة من لهبات لظى

٧١ ـ دعائه ؏ في وتره

رب اساءت وظلمت نفسي وبئس ما صنعت فهذه يداي يا رب جزاءاً
بما كسبت وهذه رقبتي خاضعة لما اتيت وها انا ذا بين يديك فخذ لنفسك
من نفسي الرضا حتى ترضى لك العتبى لا اعود ثم قل العفو ثلثمأة مرة
ثم قل رب اغفر لي وارحمني وتب علي انك انت التواب الرحيم

٧٢ ـ دعائه ليلة السبت

يا عدتي عند كربتي ويا غياثي عند شدتي ويا ولي نعمتي يا منجي في حاجتي
يا مفزعي في ورطتي يا منقذي من هلكتي يا كالئي في وحدتي صل على محمد وآل
محمد واغفر لي خطيئتي ويسر لي امري واجمع لي شملي وانجح لي طلبتي واصلح لي
شأني اكفني ما اهمني واجعل لي من امري فرجاً ومخرجاً ولا تفرق بيني وبين
العافية ابداً ما ابقيتني وعند وفاتي اذا توفيتني يا ارحم الراحمين

٧٣ ـ ~~دعائه ؏ بعد الفراغ من الزوال~~ ومن دعائه في سجدة الشكر

~~اللهم انى اتقرب اليك بجودك وكرمك واتقرب اليك~~ يا رب وعظتني فلم
اتعظ وزجرتني عن محارمك فلم انزجر وغمرتني اياديك فما شكرت

بر من خطایم پس بیاد مؤاخذه بزرگ تو میافتم پس گرفتارم برنج بزرگ جلوه میکند آه
اگر من در صحیفه های عمل بدی و گناهیرا ببینم که خود فراموش کرده ام ولی تو آنرا ضبط کرده و شمار
آورده ای پس بگوئی بگیرید اورا و بزنجیرش کنید (اشاره است بآنچه خدا فرموده در سوره
حاقه آیه ۳۰ فرموده خذوه فغلوه) پس ای وای گرفتار چه گرفته شده ای است که عشیره او
نجاتش نمیدهند و قبیله او بدردش نمیخورند آه از آتشی که آب میکند میکند از جگر و کلیه ها را
آه از آتشی که میکند پوست را آه از از سختی و عذاب از شعله های دوزخ

الفیح الحم
جعله یفیحا

۷۱ – دعای آنحضرت در نماز وتر

پروردگارا بدکردم و بخود ستم نمودم و بد عملی کردم پس این دو دستم است (یعنی خودرا تسلیم تو کردم)
ای پروردگار من مستحقم جزایم بآنچه کسب کرده ام و این گردنم سزاوار است از مجازات برای آنچه
آورده ام و این منم در حضورت هرچه موجب رضایت باشد بگیر تا خوشنود شوی بار توراست حق عتاب
بگناهی که نمی کردم پس سیصد مرتبه بگو العفو آنگاه بگو پروردگارا مرا بیامرز و ترحم کن و توبه ام
بپذیر زیراکه توئی توبه پذیر و مهربان

۷۲ – دعای آنحضرت در شب شنبه

ای ذخیره من در گرفتاریم ای دادرس من وقت سختیم ای سرپرست نعمتم ای برآورنده حاجتم
ای پناه من در پرتگاهم ای نجات دهنده من در هلاکتم ای حافظ من در تنهائیم رحمت فرست بر محمد و آلش
و بیامرز خطای مرا و آسان کن کار مرا و جمع کن پراکندگی مرا و انجام ده خواسته مرا و اصلاح کن شأنم را
و کفایت کن مهمات مرا و برای کارم فرجی و چاره ای قرار ده و بین من و عافیت جدائی میانکن هیچ وقت
مادامیکه بمن هستی میدهی و نزد مرگم چون وفاتم دهی یا ارحم الراحمین

۷۳ – واز دعای حضرتست در سجده شکر

پروردگارا مرا موعظه کردی گوش ندادم و مرا از فرق گناهانت دور کردی دور نرفتم و بنعمتهایت مرا فراگرفتی شکر نکردم

عفوك عفوك يا كريم اسئلك الراحة عند الموت واسئلك العفو عند الحساب

٧٤ – ايضا في سجدة الشكر

يا من لا يزيده الحاح الملحين الا جودا وكرما يا من له خزائن السموات والارض يا من له خزائن ما دق وجل لا تمنعك اسائتي من احسانك اسئلك ان تفعل بي ما انت اهله فانت اهل الجود والكرم والعفو يا رب وانت قادر على العقوبة يا رب وقد استحققتها لا حجة لي ولا عذر لي عندك ٢ اليك الجأت امورى كلها اعترف بها كي تعفو عنى وانت اعلم بها منى بُؤت اليك بكل ذنب اذنبته وبكل خطيئة اخطأتها وبكل سيئة عملتها فاغفر وارحم وتجاوز عما تعلم انك انت الاعز الاكرم ٣

٧٥ – دعائه في السجود

اللهم ارحم ذلى بين يديك وتضرعى اليك ووحشتى من الناس وانسى بك يا كريم

٧٦ – دعائه عند النوم

بسم الله وضعت جنبي لله على ملة ابراهيم ودين محمد صلى الله عليه وآله وولاية من افترض الله على طاعته ما شاء الله كان وما لم يشاء لم يكن

٧٧ – دعائه للتقلب على الفراش عند النوم

لا اله الا هو الحي القيوم سبحان الله رب النبيين المرسلين وسبحان الله رب السموات وما فيهن ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين

عفو تو عفو ترا خواهانم ای کریم از تو درخواست میکنیم راحتی وقت مرگ و بخشش وقت حسابرا

۷۴- و نیز در سجده شکر میگفت

اگر زیاد نمیکند اصرار اصرار کنندگان مگر جود و کرم او را اگر مال اوست خزینه‌های آسمانها و زمین ۱
اگر مال اوست خزینه‌های آنچه کوچک و ریز و بزرگست باز نمیدارد ترا بدی من از احسانت
از تو درخواست دارم که بجا آوری با من آنچه تو اهل آنی که تو اهل جود و کرم و بخشش و گذشتی پروردگارا
و تو بر عقاب کردن قادری پروردگارا بتحقیق من استحقاق عقاب دارم حجه و عذری برایم نزد
تو نیست ۲ بسوی تو و پناه تو آورده‌ام تمام امورم را اعتراف میکنیم بآنچه کرده‌ام تا از من بگذری
و حال آنکه تو داناتری بآنها از من اقرار نمودم برای تو بهر گناهی که کرده‌ام و بهر خطائی که مرتکب شده‌ام
و بهر بدی که انجام داده‌ام پس بیامرز و رحم کن و از آنچه میدانی بگذر زیرا تو ئی عزیزتر و کریمتر ۳

۷۵- دعای آنحضرت در سجده

خدایا رحم کن ذلت مرا در حضورت و زاریم را البوبیت و وحشتم را از مردم و انسم را بتو با کریم

۷۶- دعای آنحضرت وقت خواب

بنام خدا نهادم پهلویم را برای خدا (برای خدا خوابیدم) بر ملت ابراهیم و دین محمد ص و رستی
آنکه خدا واجب نموده برمن طاعت او را آنچه خدا خواسته شد و آنچه نخواست نشد

۷۷- دعای آنحضرت برای گردیدن بر فراش وقت خواب

نیست معبود بحق جز او که زنده و پاینده است منزه است خدائیکه پرورد پیمبران مرسلین است و منزه است خدائیکه
پروردگار آسمانها و زمینهاست و آنچه در آنها و پروردگار عرش بزرگست و رحمت بر مرسلین و ستایش برای
خدائیکه پروردگار جهانیانست

٧٨ – دعائه للجلوس بعد النوم

حسبى الرب من العباد حسبى الذى هو حسبى مذكنت حسبى حسبى الله ونعم الوكيل

٧٩ – دعائه مما علمه الحسن

اللهم انى احمدك على كل نعمة واشكرك على كل حسنة واستغفرك من كل ذنب واسئلك من كل خير واستعيذ بك من كل بلاء ولاحول ولا قوة الا بالله العلى العظيم

٨٠ – دعائه فى تلقين المحتضر وهو كلمات الفرج

لا اله الا الله الحليم الكريم لا اله الا الله العلى العظيم سبحان الله رب السموات السبع ورب الارضين السبع وما فيهن وما بينهن وما تحتهن ورب العرش العظيم وسلام على المرسلين والحمد لله رب العالمين

٨١ – دعائه تحت السماء كل ليلة ثلث مرات

اللهم انى قد اكتفيت بعلمك عن المقال وبكرمك عن السؤال انت ثقتى ورجائى وعليك معولى افعل بى ما شاء اللهم اتيتك زائرا متعرضا لمعروفك فأتنى من معروفك معروفا تغنينى عن معروف من سواك يا معروفاً بالمعروف اللهم عافنى ابدا ما ابقيتنى واغفرلى اذا توفيتنى بمنك يا ارحم الراحمين

٨٢ – دعائه عند ختم القرآن

اللهم اشرح بالقرآن صدرى واستعمل بالقرآن بدنى ونور بالقرآن

۷۸ – دعای آنحضرت برای نشستن پس از خواب

کافی است مرا پروردگار از بندگان کافی است آنکه او مرا کافی است کافی است مرا از ابتدائی که بوده‌ام مرا کافی است کافی است مرا خدای کامل الذات و خوب وکیل است

۷۹ – دعائیکه آنحضرت بفرزندش حسن علیهما السلام یاد داد،

خدایا براستی ترا ستایش میکنم و سپاس گذارم بر هر نعمتی و شکر گذارم ترا بر هر کار نیک و آمرزش میخواهم از تو از هر گناهی و سئوال میکنم ترا از هر خیری و پناه میبرم بتو از هر بلائی و نیست قدرت و قوتی مگر از خدای والای بزرگ

۸۰ – دعای آنحضرت در تلقین محتضر و آن کلمات فرج است

نیست معبود بحق جز خدای حلیم کریم نیست معبود بحق جز خدای والای بزرگ منزه است خدائیکه پروردگار آسمانهای هفت گانه و پروردگار زمینهای هفت گانه و آنچه در آنها و آنچه بین آنها و آنچه زیر آنها و پروردگار عرش بزرگست و رحمت بر مرسلین و سپاس مر خدای پروردگار جهانیانرا

۸۱ – دعای آنحضرت زیر آسمان شبی سه مرتبه

خدایا براستی من اکتفا کردیم بدانائی تو از گفتگو و اکتفا کرد بکرمت از سئوال کردن توئی محل وثوق و امیدم و بر تو است اعتمادم آنچه خواهی با من بکن خدا آمدم ترا بعنوان زیارت که سترش شوم نیکی ترا پس از نیکیت بمن به چنان نیکی که بی نیاز شوم از نیکی هر که جز تو است اگر شناخته شده‌ای بنیکی خدایا همواره تا مرا بجا باقی میگذاری عافیتم ده و مرا بیامرز چون مرا بمیرانی بعطای خودت یا ارحم الراحمین

۸۲ دعای آنحضرت وقت ختم قرآن

خدایا بقرآن سینه مرا باز کن و بدنم را بکار واداز طبق قرآن و ببرکت قرآن نورانی ام در دلش کن

بصرى واطلق بالقرآن لسانى واعنى عليه ما ابقيتنى فانه لاحول ولا قوة الا بك

٨٣ــ دعائه[٤] يوم الجمعه

الحمد لله الذى لا من شيئ كان ولا من شيئ كون ما قد كان مستشهد بحدوث الاشياء على ازليته[١] وبما وسمها به من العجز على قدرته[٢] وبما اضطرها اليه من الفناء على دوامه[٣] لم يخل منه مكان فيدرك باينيته[٤] ولا له شبه ولا مثال فيوصف بكيفيته[٥] ولم يغب عن شيئ فيعلم بحيثيته[٦] مبائن لجميع ما احدث فى الصفات[٧] وممتنع عن الادراك بما ابتدع من تصرف الذوات[٨] وخارج بالكبرياء والعظمة من جميع تصرف الحالات[٩] محرم على بوارع ثاقبات الفطن تحديده[١٠] وعلى عوامق ثاقبات الفكر تكييفه[١١] وعلى غوامض سابقات الفطر تصويره[١٢] ولا تحويه الاماكن لعظمته[١٣] ولا تذرعه المقادير لجلاله[١٤] ولا تقطعه المقاييس لكبريائه[١٥] ممتنع عن الاوهام ان تكتنهه[١٦] وعن الافهام ان تستغرقه[١٧] وعن الاذهان ان تمثله[١٨] قد يئست عن استنباط الاحاطة به طوامح العقول[١٩] ونضبت عن الاشارة اليه بالاكتناه بحار العلوم[٢٠] ورجعت عن الاهواء الى وصف قدرته لطائف الخصوم[٢١] واحد لا من عدد[٢٢] ودائم لا بامد[٢٣] وقائم لا بعمد[٢٤] ليس بجنس فتعادله الاجناس[٢٥] ولا بشبح فتضارعه الاشباح[٢٦] ولا كالاشياء فتقع عليه الصفات[٢٧] قد ضلت العقول فى امواج تيار ادراكه ٢٨ وتحيرت الاوهام عن احاطة ذكر ازليته ٢٩ وحصرت الافهام عن استشعار وصف قدرته ٣٠ وغرقت الاذهان فى لجج بحار افلاك ملكوته ٣١ مقتدر بالآلاء ٣٢

دیده امرا و رها و باز کن تقرب آن زبانم را و یاریم کن بر آن مادامیکه باقی میداری مرا
زیرا نیست قدرت و قوه ای مگر بتو

۸۳ دعای آنحضرت در روز جمعه

ستایش خدائیرا که نه از چیزی بوده (وجود او از مواد قبلی و یا منشاء قبلی نیست) و از چیزی
بوجود نیاورده آنچه را هستی داده گواه گرفته حدوث چیزها را بر ازلیت خود (هر ممکن الوجود
حادثی محتاج است بواجب الوجودی که آنرا هستی عطا که پس تمام ممکنات هستی خود را از او که حادث
نیست و ثابت الوجود بوده گرفته اند) ۱ و نشانه عجز یکه بر موجودات نهاده و بناتوانی آنرا داغ نموده بر
قدرت خود گرفته ۲ و فنا شدن بناچار یرا که برای موجودات مقرر نموده گواه بر دوام او ۳
هیچ مکانی از او خالی نیست تا بمکان داشتن محدود و درک شود ۴ و برای او شبیهی نیست تا بچگونگی
آن شبیه وصف شود (چون هر چیزیرا باوصاف شبیه خودش معرفی میکنند و او شبیه ندارد) ۵
و از چیزی غایب نیست تا بداشتن طرف دانسته شود (زیرا اگر بیکطرف باشد از طرف دیگر غایب خواهد بود
و بدین واسطه محاط فکر و دانش شود) ۶ با تمام ممکنات حادثه در صفات مباین است (هیچ صفتی
از صفات ممکنات در او نیست و هیچ صفتی از صفات او در ممکنات نیست پس کسانیکه پیغمبران و
یا اوصیا را متصف بیکی از صفات خدا میدانند این کلام امام را ببینند و از عقیده خود توبه کنند
با اضافه صفات او عین ذات و صفات ممکنات غیر ذات است پس سنخیتی بین او و ممکنات نیست
و معنی تباین همین است) ۷ ممتنع و محال است از اینکه درک شود بدلیل تصرفات او در ذوات (هر
چیزیرا از احوال و تغییر اینکه در او بوجود میاید میشناسند چون ذات حقتعالی متغیر نیست پس خارج
از اشیاء بوده و مانند ذوات دیگر درک نشود ۸ خارج است از جمیع از جمیع تغییر و تغییر در احوال و از سلطه بزرگی

عظمتش (یعنی بزرگی و عظمتش بیشتر از آن است که چیزی در او اثر گذارد و حال او را تغییر دهد
پس نه زیبائی او را اسیر نماید و نه دشمنی کسی او را آزار رساند گرچه جملهٔ کائنات کافر گردد
بر دامن کبریائیش ننشیند گرد) ۹ بر افکار بلند و زیرکیهای فوق العاده روا نباشد تحدید او
زیرا فکر هر قدر پرواز کند بذات او احاطه نکند ۱۰ و بر اندیشه‌های عمیق تیزرو جایز نیست
تعیین چگونگی او زیرا اندیشه هر قدر عمیق باشد مخلوقست و مخلوق چگونگی خالق را درک نکند ۱۱
و بر فطرتهای تیزرو روا نباشد تصور او (زیرا هر چه تصور کند آن صورت ذهنی مخلوق اوست) ۱۲
مکانها او را در بر نگیرد برای عظمت او ۱۳ بمقدار و اندازه نیاید برای جلالت او ۱۴ مقیاسها
او را نه پیماید برای بزرگی شأن او ۱۵ — درک کنه او از اوهام محال است ۱۶ و غرق شدن و فرو شدن
برای پیدا کردن او از افهام ممتنع است ۱۷ و پروازها از ممکن نیست او را مجسم نماید ۱۸ حقیقتاً خردهای
بلند پرواز مأیوسند از احاطه باو ۱۹ دریاهای دانش فرو ماند از اشاره بکنه ذات او ۲۰
دقائق و لطائف براهینی که مکلف است از آنکه بالا رود بمقام توصیف قدرت او ۲۱ ملکی است اما نه
بعدد ۲۲ دائم است اما بدون مدت ۲۳ - ایستاده بدون ستون ۲۴ جنسی نیست تا مانند اجناس
باشد ۲۵ شخصی مانند اشخاص نیست ۲۶ مانند چیزها نیست تا صفات چیزی برای او فرض شود ۲۷
حقیقتاً عقول سرگردانست در میان امواج هیجان آور بحار ادراک او ۲۸ - اوهام حیرانست از یاد
کردن ازلیت او ۲۹ شعورها باز داشته شد از درک قدرت او ۳۰ دلها غرق شد در
موجهای عظیم دریاهای افلاک ملکوت او ۳۱ قدرتمند است بدادن نعمتها ۳۲

و ممتنع بالکبریاء ۳۳ و متملک علی الاشیاء ۳۴ فلا دهر یخلقه ولا وصف
یحیط به ۳۵ قد خضعت له رقاب الصعاب فی محل تخوم قرارها ۳۶

ممتنع از نقائص است بکبریائیش ۳۳ مسلط بر هر چیزی است بتملکش ۳۴ نه روزگاری او را
کهنه کند و نه وصفی باو احاطه نماید ۳۵ بتحقیق در آستان او خاضع است گردنه‌های سخت ریشه‌دار ۳۶

واذ عنت له رواصن الاسباب فی منتهی شواهق اقطارها ۳۳ [۴۷] مستشهد
بکلیة الاجناس علی ربوبیته ۳۴ [۴۸] وبعجزها علی قدرته ۳۵ [۴۹] وبفطورها
علی قدمته ۳۶ [۴۰] وبزوالها علی بقائه ۳۷ [۴۱] فلا لها محیص عن ادراکه ۳۸ [۴۲]
ولا خروج عن احاطته بها ۳۹ [۴۳] ولا احتجاب عن احصائه لها ۴۰ [۴۴] ولا
امتناع من قدرته علیها ۴۱ [۴۵] کفی باتقان الصنع آیة ۴۲ [۴۶] وبترکیب الطبع
علیه دلالة ۴۳ [۴۷] وبحدوث الفطر علیه قدمه ۴۴ [۴۸]

و کوه‌های محکم بلند مرتفع فروتننده در آستان عظمت او ۳۳ [۴۷] گواه گرفته تمام اجناس را
بر ربوبیت خود (زیرا هر جنسی دارای فصل و مرکب است و مرکب محتاج بترکیب کننده است که خدا باشد)
۳۴ [۴۸] و عجز و ناتوانی اشیاء شاهد بر قدرت او است ۳۵ [۴۹] اختراع آنها دلیل است بر تقدم او ۳۶ [۴۰]
و زوال آنها دلیل است بر بقاء او ۳۷ [۴۱] برای موجودات راهی نیست بر ادراک او ۳۸ [۴۲] و خارج نشوند
از احاطهٔ قدرت او ۳۹ [۴۳] و پنهان نمانند از احصائیهٔ او ۴۰ [۴۴] و خودداری نتوانند از نفوذ قدرت او
۴۱ [۴۵] محکمی صنعت او نشانهٔ کافی بر ملک او ۴۲ [۴۶] ترکیب طبائع مختلفه دلیل است بر وجود او ۴۳ [۴۷]
تازگی خلقت دلیل بر قدیم بودن او ۴۴ [۴۸]

وباحكام الصنعة عليه عبرة [٤٩] ٤٥ - فليس اليه حد منسوب [٥٠] ٤٦
ولا له مثل مضروب [٥١] ٤٧ تعالى عن ضرب الامثال له والصفات المخلوقة
علوا كبيرا [٥٢] ٤٨ وسبحان الله الذى خلق الدنيا للفناء والبيود والآخرة
للبقاء والخلود [٥٣] ٤٩ - وسبحان الله الذى لا ينقصه ما اعطى فاسنى
وان جاز المدى فى المنى وبلغ الغاية القصوى ولا يجور فى حكمه اذا
قضى [٥٤] ٥٠ وسبحان الله الذى لا يرد ما قضى ولا يصرف ما امضى ولا
يمنع ما اعطى ولا يهفو ولا ينسى ولا يعجل بل يمهّل ويعفو ويغفر و
يرحم ويصبر ولا يسأل عما يفعل وهم لا يسئلون [٥٥] ٥١ - ولا اله الا الله
الشاكر للمطيع له المملى للمشرك به القريب ممن دعاه على حال بعده و
البر الرحيم بمن لجاء الى ظله واعتصم بحبله [٥٦] ٥٢ - ولا اله الا الله المجيب
لمن ناداه باخفض صوته السميع لمن ناجاه لاغمض سره الرؤوف بمن
رجاه لتفريج همه القريب ممن دعاه لتنفيس كربه وغمه [٥٧] ٥٣ ولا اله الا الله
الحليم عمن الحد فى آياته وانحرف عن بيناته ودان بالجحود فى كل
حالاته [٥٨] ٥٤ والله اكبر القاهر للاضداد المتعالى عن الانداد المتفرد
بالمنة على جميع العباد [٥٩] ٥٥ والله اكبر المحتجب بالملكوت والعزة
المتوحد بالجبروت والقدرة المتردى بالكبرياء والعظمة [٦٠] ٥٦

[۵۰]
محکم بودن مصنوعات کافی است بر نیروی او ۴۵ [۴۹] هدی باو نسبت داده شود ۴۶ -
و برای او مثل زده شود ۴۷ [۵۱] از زدن مثال و یا آوردن صفات مخلوقین برای برتر است
برتری بزرگی ۴۸ [۵۲] و منزه است خدای کامل الذات والصفاتیکه خلق کرد دنیا را برای فناء
نابودی و آفرید آخرة را برای بقاء جاویدی ۴۹ [۵۳] و منزه است خدائیکه کم نمیکند از او
هر چه عطا کند و زیاد کند و اگرچه آرزوها دور باشد و بنهایت برسد و در فرمان خود
ستم نمیکند و چون قضاوت کند زور نمیگوید ۵۰ [۵۴] و منزه است خدائیکه رد نمیشود حکم و برگشت
ندارد امضای او و جلوگیری نشود عطای او و لغزش و نسیانی نیست برای او و عجله نمیکند
بلکه مهلت میدهد و می بخشد و بیامرزد و رحم میکند و صبر مینماید و از آنچه بکند سئوال
و مؤاخذه نشود ولی مخلوق او مسئولند (تمام ملائکه حتی انبیاء و رسل مکلف و مسئول و مؤاخذه دارند
چنانچه در سوره اعراف آیه ۶ فرموده فلنسئلن الذین ارسل الیهم ولنسئلن المرسلین
۵۱ [۵۵] و نیست معبود بحق جز خدائیکه برای اطاعت کننده شکرگذار و برای شرک باو مهلت
دهنده است بکسیکه او را بخواند نزدیک است در حال دوری او و به آنکه بسایه لطفش پناه برد و بر بیسامان دریوزه خاک‌نشینه
نیکوئی کن و رحیم است ۵۲ [۵۶] و نیست معبود بحق جز خدائیکه برای هر کس او را بخواند
بکوتاه ترین صدا جواب میدهد و بکسیکه با او راز گوید شنوا است برای بسته ترین سر او مهربانست
آنکه باو امید دارد برای گشایش غصه اش نزدیک است بهر کس او را بخواند برای برطرف کردن
گرفتاری و غمش ۵۳ [۵۷] و نیست معبود بحق جز خدائیکه بردبار است بکسیکه انکار کند آیات
او را و مسخره گردد از دلیلهای روشن او و دین خود را در تمام حالات بی دینی قرار دهد ۵۴ [۵۸]
و خدا بزرگتر است از آنکه وصف شود آنکه با ضداد قهر و غلبه دارد و از همتا داشتن برتر است آنکه
درهم شکست بر عباد متفرد است ۵۵ [۵۹] و خدا بزرگتر است آنکه سلطنت و عزت یکتا و جبروت و قدرت یگانه است
آنکه رداء کبریا و بزرگی آن اوست ۵۶ [۶۰]

والله اكبر المتقدس بدوام السلطان والغالب بالحجة والبرهان
ونفاذ المشية فى كل حين واوان ٥٧ [٦١] اللهم صل على محمد وال محمد عبدك
ورسولك واعطه اليوم افضل الوسائل واشرف العطاء واعظم الحباء و
اقرب المنازل واسعد الجدود واقر الاعين ٥٨ [٦٢] اللهم صل على محمد وآل محمد
واعطه الوسيلة والفضيلة والمكان الرفيع والغبطة وشرفا المنتهى
والنصيب الاوفى والغاية القصوى والرفيع الاعلى حتى يرضى وزده
بعد الرضا ٥٩ [٦٣] ~~اللهم صل على محمد وآل محمد عبدك~~ اللهم انى اسئلك سؤال
وجل من عقابك حاذر من نقمتك فزع اليك منك لم يجد لفاقته مجيرا
غيرك ولا آمنا لخوفه غير فنائك وتطولك ياسيدى ومولاى على
طول معصيتى لك اقصدنى اليك وان كانت سبقتنى الذنوب وحالت
بينى وبينك لانك عماد المعتمد ورصد المرتصد لاتنفصل المواهب
ولاتغيظك المطالب فلك المنن العظام والنعم الجسام ٦٠ [٦٤] يامن لا
تنقص خزائنه ولا يبيد ملكه ولاتراه العيون ولا تعزب منه حركة
ولا سكون لم تزل سيدى ولاتزال لايتوارى عنك متوار فى كنين
ارض ولا سماء ولا تخوم تكفلت بالارزاق يارزاق وتقدست عن ان
تناولك الصفات وتعززت عن ان تحيط بك تصاريف اللغات ولم تكن
مستحدثا فتوجد منتقلا عن حالة الى حالة بل انت الفرد الاول والآخر

و خدا بزرگتر است از توصیف آنکه مقدس کرد به دوام سلطنت و بحجه و برهان غالب است
و هر ساعت و آن مشیت او نافذ است ۵۷ [61] خدایا رحمت فرست بر محمد و آل محمد بنده ات
~~رسول~~ و رسولت و او را عطا کن امروز بهترین وسائل و شریفترین عطا و بزرگترین مقام
و نزدیکترین منازل و سعادتمندترین بهره ها و روشن کن تر چشم ها را ۵۸ [62] خدایا رحمت
فرست بر محمد و آل محمد و عطا کن او را وسیله (مقامی است در بهشت بنام وسیله) و فضیلت و مکان
بلند و مایه غبطه و شعار شرف و سهم بهتر و انتهای مقام و درجه بالاتر تا خوشنود
شود و بعد از خوشنودی زیادی به او را ۵۹ [63] خدایا ملتجی از تو سئوال میکنیم سئوال آنکه از
عقاب ترسناکست از عذابت میهراسد خروج میکند بسوی تو از غضبت برای چیزیش
پناهی جز تو نیافته و غیر از آستان کرم و محل امنی برای ترسش ندیده ای خداوندا
با این طول نافرمانی حق مرا روانه کرده بسوی تو و اگر چه کار هم قبل از من جلو آمده و پیش رفته
حائل شده زیرا توئی تکیه گاه تکیه کنندگان و کمین گاه کمین کنندگان بخششها ترا کم نکند
و خواسته ها ترا بخشش نیازارد پس برای توست منت های بزرگ و نعمت های سترگ ۶۰ [64]
ای آنکه خزائن او کم نشود و ملک او از بین نمیرود و چشم ها او را نمی بیند و حرکتی ولو کوچکی
از او غایب نگردد همیشه بوده ای ای قادر و همیشه خواهی بود پنهان شونده ای از تو
پنهان نشود در پنهانی های زمین و نه آسمان و نه حدود و سستی کفالت نمودی روزیها را
ای روزی دهنده و منزهی از اینکه صفاتی عارضت گردد و تو عزیزتری از اینکه تعبیرات لغات
بتو احاطه کند و تو حادثه نبودی تا اینکه از حالتی بحالتی منتقل شوی بلکه تو یکتا و اول و آخری

ذو العز القاهر جزيل العطاء سابغ النعماء احق من تجاوز وعفى عمن ظلم
واساء ٦٥ ٤١ بكل لسان الهى عبدك يحمد وفى الشدائد عليك يعتمد فلك الحمد والمجد
لانك المالك الابد والرب السرمد اتقنت انشاء البرايا فاحكمتها بلطف
التقدير ٤٢ ٦٦ وتعاليت في ارتفاع شأنك عن ان يُنفذ فيك حكم التغيير
او يحتال منك بحال يصفك به الملحد الى تبديل او يوجد في الزياده والنقصان
مساغ في اختلاف التحويل او تلتثق سحائب الاحاطة بك في بحور وهم الاحلام
او تمتثل لك منها جبلة تضل فيها رويات الاوهام ٤٣ ٦٧ فلك الحمد مولاى انقاد
الخلق مستخذئين باقرار الربوبيه ومعترفين خاضعين لك بالعبودية ٤٤ ٦٨
سبحانك ما اعظم شأنك واعلى مكانك وانطق بالصدق برهانك
وانفذ امرك واحسن تقديرك ٤٥ ٦٩ سمكت السماء فرفعتها ومهدت الارض
ففرشتها واخرجت منها ماء ثجاجا ونباتا رجراجا فسبح نباتها
وجرت بامرك مياهها وقاما على مستقر المشية كما امرتهما ٤٦ ٧٠ فيا من تعزز
بالبقاء وقهر عباده بالفناء اكرم مثواى فانك خير منتجع لكشف الضر
يا من هو مأمول في كل عسر ومرتجى لكل يسر بك انزلت اليوم حاجتي
واليك ابتهل فلا تردني خائبا مما رجوت ولا تحجب دعائي عنك اذ
فتحته لي فدعوت فصل على محمد وال محمد وسكن روعتي واستر عورتي
وارزقني من فضلك الواسع رزقا واسعا سائغا هنيئا مريئا لذيذا

صاحب عزت پیروز گرنده عطای تو بسیار و نعمتهای تو بی شمار سزاوارتر کسیکه بگذرد و از ستم
و بدی عفو کند ٦١ ٦٥ بهر زبانی خدایا بنده تو ستایش میکند و در سختیها بر تو اعتماد دارد
پس حمد و مجد مخصوص تو است زیرا تو مالکی دائمی و پروردگار همیشگی ای محکم ایجاد
کردی و بلطف تقدیرت متقن نمودی ٦٢ ٦٦ در بلندی مقام و برتری از اینکه قانون
در تو نفوذ کند یا چنانچه پدیدشان میگردند حیله حیله گری ترا عوض کند و یا زیادی و نقص
و اختلاف احوال در تو راه یابد و در تحت تأثیر ابر در یا مار خیال واقع شوی و یا طبعی
که با اوهام عادت کرده و اقسام اوهام در آن گم است بتواند ترا در خود مجسم کند ٦٣ ٦٧
پس مخصوص تست ستایش مولای مخلوق سر اطاعت در کمند آستان تو نهاده در حالیکه
اقرار بر بوبیت تو دارد و با کمال خضوع اعتراف ببندگی تو نموده ٦٤ ٦٨ منزهی چه بزرگست شأن تو
٦٥ ٦٩ و برتر است سلطان تو و براستی گویاتر است برهان تو و چه قدر امر تو نافذتر و تقدیر تو نیکوتر است
بلند کردی آسمانرا و بالا بردی و زمین را مانند گهواره نموده رهین کردی و از آن آب جاری
و گیاه متحرک خارج کردی پس آن گیاه ترا تسبیح کنند و آبها بامر تو جاری شود و هر دو قراریکه
خواستی و امر کردی مستقر شدند ٦٦ ٧٠ پس اینکه عزت خود را ثابت کردی ببقاء خود و بندگانترا
مقهور کردی بفانی شدن ، گرامی بدار جایگاه مرا زیرا تو بهترین امید امیدوارانی برای برطرف
کردن ضرر اینکه در هر سختی آرزو بسوی تو است و در هر امر آسانی امید بتو است بتو حاجتم را
عرضه داشتم و بسوی تو زاری میکنم پس مرا از آنچه امید دارم مأیوس مگردان و دعای مرا مستور از خود
مگردان زیرا تو گشودی در دعا را و دعوت بآن کردم پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و ترس مرا آرام
گردان و زشتی مرا بپوشان و روزی کن مرا روزی وسیع راحت گوارا بی رنج لذیذ از فضل وسیع خود

في عافية ٧١ ٤٧ اللهم اجعل خير ايامي يوم القاك واغفر لي خطاياي فقد اوحشتني
وتجاوز عن ذنوبي فقد اوبقتني فانك مجيب منيب رقيب قريب قادر غافر
قاهر رحيم كريم قيوم وذلك عليك يسير وانت احسن الخالقين ٧٢ ٤٨ اللهم
افترضت على للآباء والامهات حقوقا فعظمتهن وانت اولى من حط الاوزار
وخففها وادى الحقوق عن عبيده فاحتملهن عني اليهما واغفر لهما كما
رجاك موحد مع المؤمنين والمؤمنات والاخوان والاخوات والحقنا واياهم بالابرار
وابح لنا ولهم جنانك مع النجباء الاخيار انك سميع الدعاء قريب مجيب لما تشاء
وصلى الله على سيدنا محمد وآله وسلم كثيراً ٧٣ ٤٩

١٤- دعائه في اليوم السبت

الحمد لله الذي قرن رجائي بعفوه وفسح املي بحسن تجاوزه وصفحه وقوى
متني وظهري وساعدي ويدي بما عرفني من جوده وكرمه ولم يخلني مع مقامي
على معصيته وتقصيري في طاعته وما يحق علي من اعتقاد خشيته واستشعار
خيفته من تواتر مننه وتظاهر نعمه وسبحان الله الذي يتوكل كل مؤمن عليه ويضطر
كل جاحد اليه ولا يستغني احد الا بفضل ما لديه ولا اله الا الله المقبل على من
اعرض عن ذكره التواب على من تاب اليه من عظيم ذنبه الساخط على من قنط من
واسع رحمته ويئس من جاسم روحه والله اكبر خالق كل شيء ومالكه

در حال عافیت ۷۱ خدایا قرار ده بهترین ایام مرا روز مرگ که تو را ملاقات کنم و بیامرز
خطاهای مرا که مرا به وحشت افکند و از گناهانم بگذر که مرا هلاک انداخته زیرا تو ای
جلیل گرامی توبه پذیر مراقب نزدیک آمرزنده دارای مقام شامخ مهربان کریم پاینده
و غفران گناه بر تو آسان است و تو بهترین خالق ۷۲ خدایا واجب کردی بر من برای
پدران و مادرانم حقوق را و آن را بزرگ شمردی و تو سزاوارتری ~~بعطاکردن~~ بانیکه کنی بآنان
و بارهای سنگین را برداری و سبک گردانی و حقوقی که برگردن بندگانت میباشد ادا کنی پس
توفیق اداء آنها را نسبت بوالدین بمن عطا کن و ایشان را بیامرز چنانچه تو امیدوارم ای یکتا پروردگار
و بیامرز مؤمنین و مؤمنات و برادران و خواهرانرا و ما و ایشان را ملحق کن با ابرار و برای
ما و ایشان بهشتهای خود را مباح گردان با سعادتمندان اخیار زیرا تو شنونده دعا
و نزدیک و جوابگوئی بآنچه بخواهی و رحمت خدا بر آقای ما محمد و آل او و سلام بسیار

۸۴ - دعای آنحضرت در روز شنبه

ستایش مر خدائی را که قرین قرار داده امید مرا بعفو خودش و وسعت داده آرزوی مرا
بسبب گذشت و عفوش و نیرو داده شانه و پشتم و بازو و دستم را بسبب آنچه شناخته
مرا از جود و کرمش و ~~بلند داشت~~ ارزانی با اینکه بر معصیت او دو گناهی از طاعت او تقصیر
در آنچه سزاوار است از دل گرفتن ترس او و شعار خود نمودن خوف او منزل کرده ام باز نداشت
از من منتهای پی در پی و نعمتهای آشکار خود را و منزه است خدائیکه بر او توکل میکند هر صاحب
ایمانی و ناچار باور میآورد هر منکری و احدی بی نیاز نگردد مگر بفضل آنچه نزد او است
و نیست معبود بحق جز خدائیکه رو میآورد بر هر کس که اعراض کرده او توبه پذیر است بر کسیکه رجوع کند باو
از گناه بزرگش غضبناک است بر کسیکه ناامید شود از رحمت وسیع او و مأیوس گردد از نسیم کرم او
و خدا بزرگتر است از اینکه وصف شود آنکه آفرید هر چیز را و مالک آنست

ومبيد كل شيئ ومملكه والله اكبر كبيرا كما هو اهله ومستحقه ٤ اللهم
صل على محمد عبدك ونبيك ورسولك وامينك وشاهدك التقى النقى وعلى آله
الطيبين الطاهرين ٥ اللهم انى اسئلك سؤال معترف بذنب نادم على اقتراف
تبعته وانت اولى من اعتمد وعفى وجاد بالمغفرة على من ظلم فقد اوبقتنى
الذنوب فى مهاوى الهلكة واحاطت بي الآثام وبقيت غير مستقل بها وانت
المرتجى وعليك المعول فى الشدة والرخاء وانت ملجاء الخائف الغريق وارءف
من كل شفيق واليك قصدت يا سيدى وانت منتهى القصد للقاصدين
وارحم من استرحم فى تجاوزك عن المذنبين ٦ اللهم انت الذى لا يتعاظمك
غفران الذنوب وكشف الكروب وانت علام الغيوب وستار العيوب وكشاف
الكروب لانك الباقى الرحيم الذى تسربلت بالربوبية وتوحدت بالالهية
وتنزهت من الحيثوثيه فلم يجدك واصف محدودا بالكيفوفية ولا تقع فى
الاوهام بالمائية والحيونية فلك الحمد عدد نعمائك على الانام ولك الشكر
على كرور الليالى والايام ٧ الهى بيدك الخير وانت وليه متيح الرغائب وغاية
المطالب اتقرب اليك بسعة رحمتك التى وسعت كل شيئ فقد ترى يا رب
مكانى وتطلع على ضميرى وتعلم سرى ولا يخفى عليك امرى وانت اقرب الى
من حبل الوريد فتب على توبة لا اعود بعدها فيما يسخطك واغفرلى مغفرة
لا ارجع معها الى معصيتك يا اكرم الاكرمين ٨ الهى انت الذى اصلحت
قلوب الفاسدين فصلحت باصلاحك اياها فاصلحنى باصلاحك وانت الذى

و فانی کننده هر چیز و هلاک کننده آنست د خدا بزرگترست بزرگی که خود ابن آن مستحق آنست ۴

خدا رحمت فرست بر محمد ﷺ بنده و پیغمبر و رسولت و امین و گواه تو آن پرهیزکار پاکیزه و بر آل

پاکیزه و پاک او ۵ خدایا به راستی از تو خواستارم خویشتن اعتراف کننده بگناه پشیمان برکب

وزر و وبال و تو سزاوار کسی هستی که باو اعتماد شود و ببخشد و بر کسیکه ستم کرد بخود بیامرزد

پس بتحقیق هلاک کرده مرا گناهانم و در پرتگاه های هلاکتم انداخته و من متحیرانه ام و تو امیدی

و بر تو است اعتماد در سختیها و آسانی و تو ملجأ پناه ترسناک غرق شده و تو مهربانتری از هر مهربان

و بسوی تو قصد کردم و تو ای ؟ من نهایت مقصد قصد کنندگانی و رحیم ترین کسیکه از او خواهش

ترحم بشود در گذشت از گناهان توئی ۶ خدایا توئی که غفران گناهان و برطرف کردن بلاها را

بزرگ نمی شماری و اینها در جنب عظمت تو بزرگ نیست و توئی داننده غیبها و پوشنده عیبها و برطرف

کننده بلاها زیرا که توئی باقی مهربانیکه لباس ربوبیت در بر کرده ای و معبودیت یگانه ای و از

همانند داشتن منزهی پس کسی را روا نباشد که ترا وصف بچگونگی کند و حقیقت ذات در اوهام و زمان وجودت

واقع نشود پس مخصوص تو است ستایش بعدد نعمتهای تو بر مردم و مخصوص تو است شکر بر آمدن شبها

و روزها ۷ خدایا بدست تو است خیر و اختیار آن با تست دهنده جایزه ها و نهایت خواسته ها توئی

تقرب میجویم بسوی تو بوسعت رحمتت که هر چیز را فراگرفته پس بتحقیق می بینی مکان مرا و آگاهی

بر دلم و میدانی سر مرا و بر تو مخفی نیست امر من و تو نزدیکتری بمن از رگ حیاة پس بپذیر توبه مرا

توبه ایکه دیگر برنگردم در ارتکاب چیزیکه موجب غضب تو گردد و بیامرز مرا آمرزشیکه دیگر برنگردم بنافرمانیت

ای کریمترین کریمها ۸ خدایا تو نیکه اصلاح کردی دلهای فاسد را پس بلطفت اصلاح دلها شد

پس مرا اصلاح کن بلطفت و تو نیکه

مننت على الضالين فهديتهم برشدك من الضلالة وعلى الجاحدين قصدك فسددتهم ٣
وقومت منهم عثر الزلل فمنحتهم محبتك وجنبتهم معصيتك وادرجتهم درج
المغفور لهم واحللتهم محل الفائزين فاسئلك يا مولاي ان تلحقني بهم يا ارحم
الراحمين ٤ اللهم انى اسئلك ان تصلى على محمد وآل محمد وان ترزقني رزقاً واسعاً
حلالاً طيباً فى عافية وعملاً يقربنى اليك يا خير مسئول ١١ اللهم واتضرع اليك ضراعة
مقر على نفسه بالهفوات واتوب اليك يا تواب فلا تردني خائباً من جزيل عطائك
يا وهاب فقديماً جدت على المذنبين بالمغفرة وسترت على عبيدك قبيحات
الفعال يا جليل يا متعال ١١ ~~اتوجه اليك~~ اتخذ لى ربى وانت املى ام ترد
يدى صفراً من العفو وانت منتهى رغبتى يا من هو موجود موصوف معروف بالجود
والخلق له عبيد واليه مرد الامور ١٢ فصل على محمد وآل محمد وجد على باحسانك الذى فيه
الغنى عن القريب والبعيد والاعداء والاخوان والاخوات والحقنى بالذين غمرتهم
بسعة تطولك وكرامتك لهم وتطولك عليهم وجعلتهم اطائب ابراراً اتقياء اخياراً
ولنبيك محمد صلى الله عليه وآله وسلم فى دارك جيراناً واغفر لى وللمؤمنين والمؤمنات
مع الآباء والامهات والاخوة والاخوات يا ارحم الراحمين ١٣

٨٥- دعائه فى اليوم الاحد

الحمد لله على حلمه واناته والحمد لله على علمه بان ذنبى وان كبر صغير فى
جنب عفوه وجرمى وان عظم حقير عند رحمته ١ وسبحان الله الذى

منت گذاردی بر گمراهان که هدایتشان کردی براه رشد و تو ئی که منت گذاشتی بر منکرین راست
پس ایشانرا برگرداندی و لغزشهای آنانرا تبدیل براستی نمودی و محبت خود را بایشان عطا نمودی
و از عصیان بازشان داشتی و بدرجات آمرزیده شدگان رساندی و ایشانرا بجای بهره بردگان
جای دادی پس درخواستم ای مولایم این است که مرا ملحق بایشان سازی یا ارحم الراحمین ۹
خدایا براستی از تو میخواهم که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مرا روزی کنی رزق وسیع گوارای پاکیزه
در حال عافیت و عطا کنی مرا عملی که نزدیکم کند بسوی تو ای بهترین مسئول شده ۱۰ خدایا
و زاری میکنم بسوی زاری اقرار کننده بر خودش بلغزشها و توبه میکنم بسوی تو ای توبه پذیر
پس مرا مأیوس مگردان از عطا ای بسیار بخشنده پس همیشه بخشش کرده ای بر گنهکاران با آمرزش
و بر بندگان پوشاندی کارهای زشت را ای خدای بزرگ ای برتر ۱۱ آیا مرا وامیگذاری بسوی گناهانم
و حال آنکه تو آرزوی منی آیا مرا [illegible] برمیگردانی دست خالی از عفوت و حال آنکه تو
انتهای توجه منی ای آنکه در موجود و هستی موصوف و بجود معروف و کرم اورا بندگان دلبر
اوست برگشت امور ۱۲ پس رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بخشش کن بر من با احسان خود آن احسانیکه در اوست
بی نیازی از خویشان و نزدیکان و دوریها و دشمنان و برادران و خواهرها و مرا ملحق کن با آنانکه
سفینه فضل و کرمت اینها را فرا گرفته و قرار دادی ایشانرا پاکیزگان نیکوکارها پرهیزکارها
خوبان و ملحق سازمرا به پیغمبرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم در خانه ات بهشت همسایه و
بیامرز مرا و مؤمنین و مؤمنات را با پدرها و مادرها و برادرها و خواهرها یا ارحم الراحمین ۱۳

۸۵ - دعای آنحضرت در روز یکشنبه

سپاس مر خدا را بر بردباری بعد از دانش و سپاس مر خدا را بر درگذشتن با آنکه گناهم و اگرچه بزرگ است
در جنب عفو او کوچک است و جرمم و اگرچه بزرگ باشد حقیر است نزد رحمتش ۱ و [illegible] آنکه

رفع السموات بغير عمد وانشأ جنات المأوى بلا امد وخلق الخلائق
بلا ظهر ولا سند ٢ ولا اله الا الله المنذر من عند عن طاعته وعتى عن امره
والمحذر من لج في معصيته واستكبر عن عبادته المعذر الى من تمادى في غيه
وضلالته لتثبيت حجته عليه وعلمه بسوء عاقبته والله الاكبر الجواد الكريم الذي
ليس لقديم احسانه وعظيم امتنانه على جميع خلقه نهاية ولا لقدرته و
سلطانه على بريته غاية ٣ اللهم صل على محمد وعلى اهل بيته كافضل ما صليت
على ابراهيم وآل ابراهيم انك حميد مجيد اللهم اني اسئلك سؤال مذنب اوبقته
معاصيه في ضيق المسالك وليس له مجير سواك ولا له امل غيرك ولا
مغيث ارءوف به منك ولا معتمد يعتمد عليه غيرك ٤ انت مولاي الذي
جدت بالنعم قبل استحقاقها واهلتها بتطولك غير مؤهليها ولم تزل
منع ولا اكداك اعطاء ولا انفد سعتك سؤال ملح بل اردت ارزاق
عبادك تطولا منك عليهم وتفضلا منك لديهم ٥ اللهم كلت العبارة عن
بلوغ مدحتك وهفت الالسن عن نشر محامدك وتفضلك وقد تعمدتك
بقصدي اليك وان احاطت بي الذنوب وانت ارحم الراحمين واكرم الاكرمين و
اجود الاجودين وانعم الرازقين واحسن الخالقين الاول الآخر الظاهر الباطن
اجل واعز وارءوف واكرم من ان ترد من املك ورجاك وطمع فيما عندك فلك
يا اهل الحمد ٦ الهي اني جرت على نفسي في النظر لها وسالمت الايام باقتراف

بالا برد آسمانها بدون ستون و ایجاد کرد بهشتهای محل سکنی را بدون سر آمد و آفرید
آفریدگان را بدون یاور و تکیه‌گاه ۲ و نیست معبود بحق جز خدای ترساننده کسی را که عناد
ورزید از طاعت او و سرکشی کرد از امرش و آن خدائیکه بر حذر داشته آنکه را اصرار ورزد
در نافرمانی او و تکبر کند از عبادتش و آنکه عذر را تمام میکند برکسانیکه مدتها ادامه داده در
گمراهی خود تا حجت را بر او ثابت کند و علم خود را به عاقبتش بظهور رساند و خدای بزرگوار با جود
و کرم آنکه نیست برای نیکی همیشگی و بزرگی منت گذاریش بر تمام خلقش نهایتی و نیست برای
قدرت و سلطنتش بر بندگان حد انتهائی ۳ خدایا رحمت فرست بر محمد و بر خانواده‌اش بهتر از
آنچه رحمت فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم براستی توئی قابل حمد و بزرگوار خدایا از تو سئوال میکنیم
مانند سئوال گنهکاریکه نافرمانیهایش او را درمانده کرده در راههای تنگ و پناه دهنده‌ای
جز تو ندارد و آرزوئی برای او جز تو نیست و فریادرسی مهربانتر باو از تو نیست و معتمدی
برای اعتماد نماید غیر تو ندارد ۴ توئی مولایم آنکه بخشش نعمتها کردی قبل از استحقاق نعمتها
و آنها را بفضل خود بغیر امتحانش عنایت کردی و باز داشتی تو را باز نداشت و عطا کردن
تو را فقیر ننمود و نیروی شنیدنی تو را نتوانست سئوال اصرار کنند و سعت جود تو را تمام نکرد بلکه
زیاده کردی روزی بندگانت را احسان برایشان و تفضلی است از تو نزد ایشان ۵
خدایا عبارت نارسا است از بیان مدحت و زبانها الکن است از نشر ستایشهای مدحت و فضل بسیار تو
و بتحقیق بطلب توجه خود را بسوی تو نمودم و اگرچه گناهانم احاطه کرده مرا ولی تو ارحم الراحمین و اکرم
الاکرمین و اجود الاجودین و بهتر روزی دهنده و نیکوترین خلق کنندگانی توئی اول و آخر و ظاهر
و باطن بزرگتر و عزیزتر و مهربانتر و گرامی‌تری از اینکه آرزومند و امیدوار تراکه طمع کرده در آنچه
نزد تو است رد کنی پس مخصوص تو است حمد ای ابر حمد ۶ خدایا اگر ستم کردم بر خودم در کوتاهی نظرم و بادوزکار
مسالت کردم بکسب

الآثام وانت ولي الانعام ذو الجلال والاكرام فما بقي الا نظرك لها فاجعل
مردها منك بالنجاح واجعل النظر منك لها بالفلاح فانت المعطي الفتاح
ذو الالاء والنعم والسماح يا فالق الاصباح امنحها سؤلها وان لم تستحق
يا غفار ٧ اللهم اني اسئلك باسمك الذي تمضي به المقادير وبعزتك التي تتم
به التدابير ان تصلي على محمد وال محمد وترزقني رزقا واسعا حلالا طيبا من فضلك
وان لا تحول بيني وبين ما يقربني منك يا حنان يا منان ٨ اللهم وادرجني فيمن
اوجبت لهم من غفرانك وعفوك ورضاك واسكنته جنانك برأفتك وطولك وامتنانك
٩ يا الهي انت اكرمت اوليائك بكراماتك فاوجبت لهم حياطتك واظللتهم برعايتك
من المتابع في المهالك وانا عبدك فانقذني والبسني العافية وولي طاعتك
فمل بي عن طغيانك ومعصيتك فردني فقد عجت اليك الاصوات بضروب اللغات
يسئلونك الحاجات ترتجي لمحو العيوب وغفران الذنوب يا علام الغيوب ١٠
اللهم اني استهديك فاهدني واعتصم بك فاعصمني وادعني حقوقك على انك اهل
التقوى واهل المغفرة واصرف عني شر كل ذي شر الى خير ما يملكه احد سواك و
احتمل عني مفترضات حقوق الاباء والامهات واغفر لي ولهما وللمؤمنين والمؤمنات
والاخوة والاخوات والقرابات يا ولي البركات وعالم الخفيات

و توئی ولی نعمتها صاحب جلال و کرم پس چیزی برایم باقی نماند مگر نظر لطفت پس
قرار ده برگشت آنرا از نظر خود بآسانی و بنظر نیک برسان آنرا برستگاری پس
توئی عطا کننده خیر رساننده صاحب لطفها و نعمتها و بخشش ای شکافنده صبح عطا کن
سؤال او را و اگرچه مستحق نباشد ای آمرزنده ۷ خدایا از تو سؤال میکنیم بآن اسمی که بآن
میگذرد مقدرات و بفرست که بآن تمام میکنی تدبیرات را که رحمت فرست بر محمد و آل محمد
و روزی ده مرا روزی وسیع حلال پاکیزه از فضل خودت و دیگر آنکه برطرف حائل بین من و بین
آنچه مرا بتو نزدیک میکند ای مهربان ای منت گذار ۸ خدایا و مرا هم در جرگه کن بآنکه
غفران و عفو و خوشنودیت را برایشان مباح کردی و رایگان نمودی و داور برأفت و فضل و
منت خود بهشتهایت مسکن داده ای ۹ خدایا تو گرامی داشتی دوستانت را بکرامات خود
پس لازم دانستی برای ایشان حفظ خود را و سایه رعایت و لطف خود را برایشان افکندی که مبادا
پیچ و پیچ در موارد هلاک وارد شوند و من بنده توام پس مرا نجات ده و لباس عافیت را
بمن بپوشان و مرا امید بده بسوی طاعت و از طغیان و عصیان مرا برگردان پس ناله ها و صداها
بسوی تو بلند است باقسام زبانها و لهجه ها و سؤال میکنند از تو حاجتها را تو محل امیدی برای
برطرف کردن عیبها و آمرزش گناهان ای دانای غیبها ۱۰ خدایا براستی لذت هدایتت بچشیم
مرا هدایت نما و از تو حفاظت میخواهم مرا حفظ کن و موفق کن مرا باداء حقوقت که بر من است
براستی تو اهل تقوی و آمرزشی و بگردان از من شر هر صاحب شر را و بگردان بسوی خیر که اهل
مالک آن نیست جز تو و توفیق ده مرا برای انجام واجبات حقوق پدرم و مادرم و مرا و ایشان را
با مؤمنین و مؤمنات و برادرم و خواهرم و خویش را بیامرز ای متولی برکات و ای دانای خفیات

٤٨ـ دعائه في يوم الاثنين

الحمد لله الذى هدانى للاسلام واكرمنى بالايمان وبصرنى فى الدين وشرفنى باليقين وعرفنى الحق الذى عنه يؤفكون والنبأ العظيم الذى هم فيه مختلفون ٢ وسبحان الله الذى يرزق القاسط والعادل والعاقل والجاهل ويرحم الساهى والغافل فكيف الداعى السائل ولا اله الا الله اللطيف بمن شرد عنه من مسرفى عباده ليرجع عن عتوه وعناده الراضى من المنيب المخلص بدون الوسع والطاقة والله اكبر الكريم الحليم العليم الذى له فى كل صنف من غرائب فطرته وعجائب صنعته اية بينة توجب له الربوبية وعلى كل نوع من غوامض تقديره وحسن تدبيره دليل واضح وشاهد عدل يقضيان له بالوحدانية ٣ اللهم انى اسئلك يا من يصرف البلايا ويعلم الخفايا ويجزل العطايا سؤال نادم على اقتراف الآثام وسالم على المعاصى من الليالى والايام اذ لم يجد مجيرا سواك لغفرانها ولا موئلا يفزع اليه لارتجاء كشف فاقته الا اياك يا جليل ٤ انت الذى عم الخلائق منك وغمرتهم سعة رحمتك وسوغتهم سوابغ نعمتك يا كريم المآب والجواد الوهاب والمنتقم ممن عصاه باليم العذاب ٥ دعوتك مقرا بالاساءة على نفسى اذ لم اجد ملجاء الجاء اليه فى اغتفار ما اكتسبت من الآثام يا خير من استدعى لبذل الرغائب وانجح مأمول لكشف الكوارب لك عنت الوجوه فلا تردنى منك بالحرمان انك تفعل ما تشاء وتحكم ما تريد ٦ الهى وسيدى

۸۶ــ دعای حضرت در روز دوشنبه

ستایش خدائیرا که هدایتم کرد باسلام و گرامی داشتم با ایمان و بپیامبر گرد در دین و شرافتم داد
بیقین و شناسانیدم آن حقیرا که از آن دور شدند و خبر بزرگی که ایشان در آن اختلاف دارند ۱
و منزه است خدائیکه روزی بیدهد ستمگر و عادل و عاقبت جاهل را و رحم میکند اهل سهو و غفلت را
پس چگونه وامیگذارد خوانندهٔ را خواهندهٔ را ۲ نیست معبود بحق جز خدائیکه لطف دارد بآنکه
از طاعتش خارج شد از بندگان اسراف کنند تا آنکه برگردد از سرکشی و عنادش خدائیکه خوشنود است
از آنکه بسوی او برگشته و اظهار خلوص میکند بسبب کمتر از وسعت و طاقتش خوشنود است و خدای بزرگیکه
بردبار و داناست آنکه در هر صنفی از مخلوقاتش از فکر و صنعتهای عجیب او دلیلی است روشن
که ثابت میکند برای او پروردگاریرا و بر هر نوعی از مشکلات تقدیرش و نیکی تدبیرش دلیل آشکار
و گواه عدلی است که حکم میکند برای او یگانگی را ۳ خدایا براستی از تو خواهانم آنکه برگردانی
گرفتاریها را و پیدائی پنهانیها را و زیاد میکنی عطاها را خواستن کسیکه پشیمانست از کسب گناهان
و خوش است بر معاصی شبها و روزها چون نیافته پناه دهنده ای برای آمرزش خود جز تو
و نیافته مرجعی که بسوی او بنالد برای ~~کشف~~ طلب چارهٔ برطرف کردن بیچارگیش مگر تو ای بزرگ ۴
توئیکه شامل شده و فرا گرفته تمام خلائقرا از جانب تو وسعت رحمتت و ریخته برایشان نعمتهای
فراوانت ای مرجع کریم و ای صاحب جود بخشنده و آنکه از ~~[illegible]~~ بندهٔ معصیت کارش
انتقام گیرد بعذاب دردناک ۵ تو را خواندم در حالیکه اقرار دارم ببه گردن بر جرمم زیرا
نیافته ام پناهگاهی که بآن پناه برم برای آمرزش آنچه بدست آورده ام از گناهان ای بهتر کسیکه
خوانده شده برای بذل جائزه ها و مرغوب و ای بهتر اجابت کننده برای برطرف کردن بلاها برای تو بزیر
آمده صورتها پس مرا محروم برمگردان از خود زیرا تو آنچه بخواهی بجا میاوری و آنچه اراده کنی حکم میکنی ۶ خدایا تو ای

ومولاى اىّ رب ارتجيه ام اى اله اقصده اذا الم بى الندم و احاطت
بى المعاصى ونكائب خوف النقم وانت ولى الصفح ومأوى الكرم ٧ الهى
اتقيمنى مقام الهلكة وانت جميل الستر وتسئلنى عن اقترافى على رؤس
الاشهاد وقد علمت مخبآت السر فان كنت يا الهى مسرفا على نفسى مخطئا عليها
بانتهاك الحرمات ناسيا لما اجترمت من الهفوات فانت لطيف تجود على المسرفين
برحمتك و تتفضل على الخاطئين بكرمك فارحمنى يا ارحم الراحمين ٨ فانك
تسكن يا الهى بتحننك روعات قلوب الوجلين و تحقق بتطولك امل الآملين
وتفيض سجال عطاياك على غير المستأهلين فامنى برجاء لا يشوبه قنوط
و امل لا يكدره يأس يا محيطا بكل شيئ علما ٩ وقد اصبحت سيدى
وامسيت على باب من ابواب منحك سائلا وعن التعرض لسواك بالمسئلة
عادلا وليس من جميل امتنانك رد سائل ماسور ملهوف ومضطر لانتظار
خيرك المألوف ١٠ الهى انت الذى عجزت الاوهام عن الاحاطة بك وكلت
الالسن عن نعت ذاتك فبآلائك وطولك صل على محمد وال محمد واغفر لى ذنوبى
واوسع على من فضلك الواسع رزقا واسعا حلالا طيبا فى عافية واقلنى
العثرة يا غاية الآملين وجبار السموات والارضين والباقى بعد فناء الخلق
اجمعين وديان يوم الدين ١١ وانت يا مولاى ثقة من لم يثق بنفسه
لافراط خلله وامل من لم يكن له تأميل لكثرة زلله ورجاء من لم يرتج

و مولایم کدام پروردگاری هست که امیدوارش باشم بلکه کدام معبودی پیدا شود که قصد او کنم
دقتیکه پشیمانی بمن رو آورد و معاصی مرا احاطه کند و مصیبتهای ترس عذاب و نکبت آن مرا
دریابد و توئی صاحب گذشت و عفو ای کریم ۷ خدایا مرا بجای هلاک شوندگان وامیداری
و حال آنکه تو پرده پوشی و مرا از آنچه کرده ام شعال میکنی در حضور مردم و حال آنکه پیوسته [illegible]
و سائر پرده پوشی را پس اگر ای ضامن اسراف کننده بر خود بوده و خطا کار بوده ام بواسطه هتک حرمتها
و ارتکاب محرمات فراموش کرده ام آنچه را جرم بعیده از لغزشها پس تو دارای لطفی برحمت خود می
بخشی بر پسر فنی و بکرم خود ترحم میکنی بر خطا کاران پس برا رحم کن یا ارحم الراحمین ۸ خدایا تو
بمهربانیت آرام میکنی اضطراب دلهای ترسو را و تحقق می بخشی بمنت خود آرزوی آرزومندانرا
و مشمول ریزش عطایای خود قرار میدهی نااهلانرا پس مرا ایمن گردان بواسطه امیدیکه ناامیدی
در آن نباشد و با آرزوئیکه یأس آنرا تیره نکند اینکه دانشت بهر چیز احاطه کرده ۹ و بتحقیق
ای قائم صبح و شب وارد شده ام بدری از درهای عطای تو بگدائی و از متعرض شدن بغیر تو در
سؤال اعراض کرده ام و از نیکی منت گذاریت این نیست که رد کنی گدای اسیر غصه دار بیچاره ایکه
منتظر خیر توست و بخیر تو الفت گرفته است ۱۰ خدایا تو آنکه اوهام از تو ناتوانست لذا احاطه بدرک ذاتت
و زبانها نارسا است از وصف کردن ذاتت پس تو نعمتها واجب است که رحمت خود را بر محمد و آل محمد
و گنههای مرا بیامرز و از فضل وسیع خود بر من وسعت رزق حلال پاکیزه عنایت کن در حال عافیت
و لغزش مرا نادیده گیر ای نهایت و مقصد آرزومندان و ای جبار آسمانها و زمینها و آنکه باقی هستی
بعد از نابودی تمام خلق و ای جزا دهنده روز جزا ۱۱ و تو ای مولای من محل وثوق آن کسی هستی
از زیادی عیوب خود وثوق و اعتماد بخود ندارد و تو آرزوی آن کسی هستی از کثرت لغزش آرزو
و امیدی بخود ندارد و تو امید آن کسی هستی که امید بخود ندارد

لنفسه بوسيلة عمله ١٢ الهى فانقذنى من المهالك ونجنى يا مولاى من
ضيق المسالك واحللنى دار الاخيار واجعلنى من موافقى الابرار واغفرلى
ذنوب الليل والنهار يا مطلعا على الاسرار احتمل عنى مولاى اداء ما
افترضت على للآباء والامهات والاخوان والاخوات بلطفك وكرمك يا ذا الجلال
والاكرام واشركنا فى دعاء من استجبت له من المؤمنين والمؤمنات انك عالم
جواد كريم وهاب وصلى الله على محمد واله وسلم تسليما

٨٧ـ دعائه ع فى اليوم الثلثاء

الحمد لله الذى من على باستحكام المعرفة والاخلاص بالتوحيد له ولم
يجعلنى من اهل الغواية والغباوة والشك والشرك ولا من استحوذ عليه
الشيطان عليه فاغواه واضله واتخذ الهه هويه ١ وسبحان الله الذى يجيب
المضطر ويكشف الضر ويعلم السر ويملك الخير والشر ٢ ولا اله الا الله الذى
يحلم عن عبده اذا عصاه ويتلقاه بالاسعاف والتلبيه اذا دعاه ٣ والله
اكبر البسيط ملكه المعدوم شركه المجيد عرشه الشديد بطشه ٤ اللهم
انى اسئلك سؤال من لم يجد لسؤاله مسؤلا سواك واعتمد عليك اعتماد
من لا يجد لاعتماده معتمدا غيرك لانك الاول الذى ابتدأت الابتداء فكونته
بايدى بلطفك فاستكان على مشيتك منشاء كما اردت باحكام التقدير
وانت اعز واجل ان تحيط العقول بمبلغ وصفك انت العالم الذى

بوسیلهٔ عمل خود ۱۲ خدایا پس مرا بیرون آور از موارد هلاکت و نجات بده مرا ای مولایم
از فشار راهها و جای بده مرا بخانهٔ اخیار (در بهشت) و قرارم ده از موافقت کنندگان نیکان
و بیامرزم گناهان شب و روز را ای آنکه آگاهی به اسرار توفیق ده مرا برای تحمل آنچه واجب کرده‌ای
بر من برای پدرم و مادرم و برادرانم و خواهرم بلطف و کرمت ای صاحب جلالت و کرم
و مارا شریک نما در دعای کسیکه اجابت شده برایش از مؤمنین و مؤمنات براستی توئی دانا
و بخشنده و کریم و عطا دهنده و رحمت خدا بر محمد و آل او و سلام کامل

۸۷ — دعای آنحضرت در روز سه شنبه

ستایش مر خدائیرا که منت نهاد بر من بمحکم کردن معرفت و اخلاص بیگانه شناختن او و قرارم
نداد از گمراهان و نفهمان و اهل شک و شرک و نه از کسانیکه شیطان مسلط شده بر او و گول
زده او را و گمراهش کرده و هوای خود را معبود خود گرفته ۱ و منزه است خدائیکه بیچارگان را
جواب میدهد و ضرر را برطرف میکند و سر را امید آنه و خیر و شر را مالک است ۲ و نیست
معبود بحق جز خدائیکه از بنده نافرمان خود بردبار است و چون بنده‌اش او را بخواند
او را میبیند بدو لبیک میگوید ۳ و خدا بزرگ از آنستکه وصف شود آنکه ملکش وسیع
و در ملک خود شریک ندارد آنکه عرش او مجید و غضب او شدید است ۴ خدایا براستی
سؤال میکنیم از تو سؤال آنکه نیافته برای سؤال خود کسی را جز تو و اعتماد میکنیم
بر تو اعتماد کردن آنکه نیافته برای اعتماد خود محل اعتمادی را غیر تو زیرا توئی آن اولیکه
هر ابتدائی را تو از عدم بوجود آوردی بدستیاری لطفت پس هر ابتدائی طبق مشیئت
ایجاد شده چنانچه خواستی بتقدیر محکم و تو عزیزتر و بزرگتر از این هستی عقلها احاطه کنند
که بمقدار وصفت برسد ۵ توای دانائیکه

لايعزب عنك مثقال ذرة في الارض والسماء والجواد الذى لا ينجلك الحاح

الملحين فانما امرك للشئ اذا اردته ان تقول له كن فيكون ٤ امرك

ماض ووعدك حتم وحكمك عدل لايعزب عنك شيء واليك يرد كل

شيء احتجبت بالائك فلاترى وشهدت كل نجوى وتعاليت على العلى

وتفردت بالكبرياء وتعززت بالقدرة والبقاء فلك الحمد في الاخرة والاولى

ولك الشكر في البدو والعقبى ٧ انت الهي حليم قادر رؤف بما خرو

ملك قاهر ورازق بديع مجيب سميع بيدك نواصي العباد وقواصي ~~العباد~~

البلاد حي قيوم جواد ماجد كريم رحيم ٨ انت الهي المالك الذى ملكت الملوك

فتواضع لهيبتك الاعزاء ودانت لك بالطاعة الاولياء فاحتويت بالهيبة

على المجد والثناء ولايؤدك حفظ خلقك ولاتهلك عطاياك بمن منحه

سعة رزقك ٩ وانت علام الغيوب سترت على عيوبي واحصيت على

ذنوبي والكرمتني بمعرفة دينك ولم تهتك عني سترك يا حنان ولم تفضحني

يا منان ١٠ اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد وان توسع على من فضلك الواسع

رزقا حلالا طيبا وان تغفر لي ذنوبا حالت بيني وبينك باقترافي لها فانت اهل

ان تجود على بسعة رحمتك وتنقذني من اليم عقوبتك وتدرجني درج المكرمين

وتلحقني مولاى بالصالحين مع الذين تتوفهم الملائكة طيبين يقولون سلام عليكم

از نظرت غایب نشود مثقال ذره ای در زمین و آسمان و آن بخشنده ایکه بمشقت نمیاندازد
تورا اصرار اصرارکنندگان پس همانا امر تو بچیزیکه آنرا بخواهی این است که بگوئی موجود باش
پس بشود ۴ فرمان تو گذرا و وعده تو حتم و حکم تو عدل است چیزی از تو غایب نشود و
بسوی تو است برگشت هر چیز نعمتهای خود را دلیل بر غیب ذات نمودی پس دیده نشوی و گواه هر رازی
و تفوق داری به برتری ~~و عزیزی به بزرگی~~ و یکتائی به بزرگی و عزیزی بتوانائی و بقا پس مخصوص
تو است ستایش در آخرت و دنیا و مخصوص تو است شکر در ابتدا و انتها ۷ تو ای خدای من توانا و
مهربانی و آمرزنده و پادشاه و پیروز و روزی دهنده و از نیستی ایجاد کننده و جواب دهنده و شنوائی
بدست تو است پیشانی و زمام بندگان و دورترین بلادی زنده ای پاینده با جود و بزرگوار و کریم
و رحیم ۸ توئی ای خدای من آن مالکی که مالک تمام پادشاهانی پس عزیزانی برابر هیبت تو
متواضعند و بزرگان برابر طاعت تو حاضرند و تو بخدائی خود مخصوص بزرگواری و ثناء
و تورا خسته نمیکند نگهبانی خلقت و بواسطه آنکه بخشش کرده ای با آنکه وسعت رزق
داده ای عطایای تو از بین نمیرود ۹ و توئی داننده غیبها پوشاننده بر من عیبهایم را و
شماره کرده ای گناهانم را و مرا گرامی داشتی شناختن دینت و پرده پوشی خود را از من
باز نداشتی ~~و پرده مرا پاره ننمودی~~ ای خدای مهربان و مرا رسوا نکردی ای خدای من ۱۰
سئوال میکنم از تو که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و وسعت دهی بر من از فضل وسیع خود رزق
گوارای پاکیزه و بیامرزی گناهانم را که بین من و تو حائل شده است بواسطه ارتکاب آنها را
پس تو سزاواری که بر من از وسعت رحمت ببخشی و مرا از رنج عقوبت خود نجات دهی
و بدرجات بندگان گرامی برسانی و مرا ای مولای من بصالحین ملحق سازی با آنانکه فرشتگان در حالت
پاکیزگی قبض روح کنند و گویند سلام بر شما

ادخلوا الجنة بما كنتم تعملون بصفحك وتعمدك يا رؤف يا رحيم ١١
رب واسئلك الصلوة على محمد وال محمد وان تحمل عني واجب الاباء و
الامهات واد حقوقهم عني والحقني معهم بالابرار والاخوان والاخوات
والمؤمنين والمؤمنات واغفرلي ولهم جميعا انك حميد مجيد وصلى الله
على محمد واله اجمعين

٨٨ — دعائه في يوم الاربعاء

الحمد لله الذي رضاته في الطلب اليه والتماس ما لديه وسخطه في ترك الالحاح
في المسئلة عليه ١ وسبحان الله شاهد كل نجوى بعلمه ومباين كل ذي
جسم بنفسه ٢ ولا اله الا الله الذي لا يدرك بالعيون والابصار ولا يجهل
بالعقول والالباب ولا يخلو من الضمير ويعلم خائنة الاعين وما تخفي الصدور
٣ والله اكبر المتجلل عن صفات المخلوقين المطلع على ما في قلوب الخلائق اجمعين
٤ اللهم اني اسئلك سئوال من لا يمل دعاء ربه واتضرع اليك تضرع
غريق يرجو كشف كربه وابتهل اليك ابتهال تائب من ذنوبه وخطاياه وانت
الرؤف الذي ملكت الخلائق كلهم وفطرتهم اجناسا مختلفات الالوان والاقدار على
مشيتك وقدرت اجالهم وارزاقهم فلم يتعاظمك خلق خلق حتى كونته كما شئت
مختلفا مما شئت فتعاليت وتجبرت عن اتخاذ وزير وتعززت موازرة شريك وتنزهت
عن اتخاذ الابناء وتقدست عن ملامسة النساء فليست الابصار بمدركة لك ولا
الاوهام بواقعة عليك وليس لك شريك ولا ند ولا عديل ولا نظير ٥

داخل بهشت نمود بسبب آنچه کرده اند (از این جمله که آیه ۳۲ سوره نحل است معلوم شود که انبیا و اولیاء
بندگان صالحین چون قبض روح شوند روح ایشان به بهشت رود پس آنچه مردم خرافی خیال میکنند روح
پیغمبر و یا امام در دنیا میان مردم است برخلاف حقیقت است) بگذشت و در گذشتن رحمت ای مهربانترین رحیم [11]
پروردگارا سؤال میکنم از تو رحمت بر محمد و آل محمد و آنکه از جانب من تحمل و ادا کنی حق واجب پدران و مادرانرا
و حقوق ایشانرا ادا فرمائی و مرا با ایشان ملحق سازی بجز ما بدان برادران و خواهران و مؤمنین و مؤمنات
و بیامرزی مرا و ایشانرا تماماً براستی تو ستوده شده و بزرگواری و رحمت خدا بر محمد و آل او جمیعاً

۸۸ — دعای آن حضرت در روز چهارشنبه

ستایش بر خدائیرا که خوشنود بهارا و دو دست احتیاج بلند کردن بسوی او ~~[illegible]~~ و التماس و درخواست آنچه نزد اوست
و بغضب در ترک سؤال و اصرار بسوی اوست ۱ و منزه است خدائیکه شاهد و ناظر هر نجوی بلند شده باشد
و غیر از هر صاحب جسمی است بذاته ۲ و منزه است معبودیکه جز او آنکه بچشمها و دیدها درک نشود
و بحدها و مغزها مجهول نماند و بیرون از هر ادراکی نیست و میداند خیانت چشمها و آنچه در سینهها
پنهان است ۳ و خدا از دیگر از آنکه وصف شود آنکه شان او اجل از صفات مخلوقات است آنکه مطلع
بر آنچه در دلهای خلق است تماماً ۴ خدایا براستی از تو میخواهم خواستن کسیکه از خواستن پروردگارش
خسته نمیشود و زاری میکنم مانند زاری کردن کسی که امید دارد بر طرف کردن بلایش را و ~~زاری میکنم زاری کسیکه~~ التماس
میکنم التماس کسیکه از گناهانش توبه کرده و توئی مهربانیکه مالک تمام مخلوقاتی و ایشانرا با جنس مختلفه — و خطاهایش
از جهت رنگ و مقدار خلق کردی بخواست خود و مدت بقاء و رزق ایشانرا مقدر کردی و هیچ خلقت خلقی
در نظرت بزرگ نیامده تا آنرا هستی دادی چنانچه خواستی و از آنچه خواستی پس تو برتری و شان تو برتر است
از گرفتن وزیر و تو عزیز و توانا تری از اینکه شریکی را تملک بخواهی و تو منزهی از گرفتن اولاد و تو مقدسی از ۵
لمس زنان پس نه چشمها ترا درک کنند و نه اوهام بر تو واقع شوند و نه شریکی برای تو است و نه همتا و مانند و نه نظیری

انت الفرد الواحد الدائم الاول الاخر والعالم الاحد الصمد القائم الذى لم تلد
ولم تولد ولم يكن لك كفوا احد ٤ لا تنال بوصف ولا تدرك بوهم ولا يغيرك
فى مر الدهور صرف كنت ازليا لم تزل ولا تزال وعلمك بالاشياء فى الخفاء كعلمك
بها فى الاجهار والاعلان فيا من ذلت لعظمته العظماء وخضعت لعزته الرؤساء
ومن كلت عن بلوغ ذاته الالسن البلغاء ومن احكم تدبير الاشياء واستعجمت
عن ادراكه عبارة علوم العلماء ٧ يا سيدى اتعذبنى بالنار وانت املى او
تسلطها على بعد اقرارى لك بالتوحيد وخضوعى وخشوعى لك بالسجود او تلجلج
لسانى فى الموقف وقد مهدت لى بمنك سبل الوصول الى التسبيح والتحميد و
التمجيد فيا غاية الطالبين وامان الخائفين وعماد الملهوفين وغياث المستغيثين
وجار المستجيرين وكاشف ضر المكروبين ورب العالمين وارحم الراحمين ٨ صل
على محمد وال محمد وتب على والبسنى العافية وارزقنى من فضلك رزقا واسعا
واجعلنى من التوابين ٩ اللهم وان كنت كتبتنى شقيا عندك فانى اسئلك بمعاقد
العز من رحمتك وبالكبرياء والعظمة التى لا يقاومها متكبر ولا عظيم ان تصلى على محمد
وآل محمد وان تحولنى سعيدا فانك تجرى الامور على ارادتك وتجير ولا يجار عليك
وانت على كلشيئ قدير ١٠ وانت الرؤف الرحيم الخبير تعلم ما فى نفسى ولا اعلم ما فى
نفسك انك انت علام الغيوب فالطف بى فقد يما لطفت بمسرف على نفسه فامنن

تویی یکتا و یگانه دائم اول آخر دانا و یگانهٔ بی نیاز پاینده اینکه نه فرزند داری و نه
فرزند کسی بودی و نبوده برای احدی همتا ۶ وصفها بتو نرسد وهم درک تو نکند تغییر در گردش
روزگارها ترا تغییر ندهد تو همیشه بودی زائل نشدی و زائل نمیشوی و علم تو بچیزها در پنهان
مانند علم تو بآنها میباشد در آشکار و علن پس اینکه برای عظمتش بزرگان ذلیلند و برای
عزت او سران خاضعند و اینکه از رسیدن بکنه ذاتش ناتوانست زبانهای رسای گویندگان
و اینکه محکم کرده تدبیر اشیا را و نارسا است از درک او عبارت دانشمندان دانا بیان ۷
ای قادر من آیا مرا باتش عذاب میکنی و حال آنکه بتو آرزو دارم و آیا آنرا بر من مسلط میکنی
پس از اقرار من برای تو بیگانگی و پس از خضوع و خشوع من برای تو بسجود و یا در بازداشت
زبانم را میلرزانی و حال اینکه راه وصول تسبیح و حمد و تمجید را برای تو آسان و منتظم نمودی
پس ای نهایت آرزوی خواستاران و ای امان خائفان و ای تکیه گاه غصه داران و ای فریادرس
فریادرس خواهان و ای پناه ده پناهندگان و ای برطرف کن ضرر گرفتاران و ای پروردگار جهانیان
و ای رحم کننده تر رحم کنندگان ۸ رحمت فرست بر محمد و آل محمد و بپذیر توبه مرا و لباس عافیت
و تندرستی بر من بپوشان و از فضل خود مرا روزی کن روزی وسیع و قرارم ده از توبه کنندگان ۹
خدایا و اگر نوشته ای مرا از بدبختان نزدت پس براستی من از تو خواهانم محو بستن پیمانها
عزت از رحمت و بزرگی و عظمت آن بزرگی که هیچ متکبر و بزرگی در مقابل آن نایستد
که رحمت فرستی بر محمد و آل محمد و مرا خوش بخت بگردانی زیرا تو جریان میدهی امور را طبق اراده خود
و پناه میدهی و پناه داده نشود بدون رضای تو و تو بر هر چیزی توانائی ۱۰ و تویی مهربان رحیم
آگاه که میدانی آنچه در من است و من نمیدانم آنچه در تو میباشد بدرستیکه تو خود دانای غیبهائی پس
لطف کن درباره من پس همیشه لطف کرده ای تا اینکه بر ضرر خود بسر خود کرده پس منت گذار

على فقد منت على غريق فى بحور خطيئته هائما اسلمته الحتوف لكثرة زلله وتطول على يا متطولا على المذنبين بالصفح والعفو فانك لم تزل آخذا بالفضل على الخاطئين والصفح على العاثرين ومن وجب له باجترائه على الآثام حلول دار البوار ١١ يا عالم الخفيات والاسرار يا جبار يا قهار وما الزمتنيه مولاى من فرض الاباء والامهات وواجب حقوقهم مع الاخوان والاخوات فاحتمل ذلك عنى اليهم واده يا ذا الجلال والاكرام واغفر للمؤمنين والمؤمنات انك على كل شيئ قدير

٨٩ – دعائه في اليوم الخميس

الحمد لله الذى له فى كل نفس من الانفاس وخطرة من الخطرات منا منن لا تحصى وفى كل لحظة من اللحظات نعم لا تنسى وفى كل حال من الحالات عائدة لا تخفى ١ وسبحان الله الذى يقهر القوى وينصر الضعيف ويجبر الكسير ويغنى الفقير ويقبل اليسير ويعطى الكثير وهو على كل شيئ قدير ٢ ولا اله الا الله السابغ النعمة البالغ الحكمة الدامغ الحجة الواسع الرحمة المانح العصمة ٣ والله اكبر ذو السلطان المنيع والبنيان الرفيع والانشاء البديع والحساب السريع وصلى الله على محمد خير النبيين واله الطاهرين وسلم تسليما ٤ اللهم انى اسئلك بسؤال الخائف من وقفة الموقف الوجل من العرض المشفق من الخشية لبوائق القيمة المأخوذ على الغرة النادم على خطيئته

بر من که بتحقیق منت گذارده‌ای بر غرق شده در دریاهای خطاهایش آنکه جرأت لغزشهای
بسیارش او را تسلیم مرگها نموده و منت گذار بر من ای منت گذار بر گنه‌کاران بگذشت و عفو
زیرا تو همیشه با فضلت خطاکاران را گرفته‌ای و باگذشت [illegible] کرده‌ای با لغزش کاران و کسانیکه بواسطه
جرأت واجب شده بر آنها وارد شدن بدوزخ ۱۱ ای دانای پنهانها و اسرار ای جبران
کن نقصها ای قهار و آنچه لازم کرده‌ای ای مولایم از حق واجب پدرم و مادرم و برادرانم
و خواهران پس متحمل باش آنرا از من برای ایشان و اداکن آنرا ای صاحب جلالت و کرم
و بیامرز مؤمنین و مؤمنات را براستی تو بر هر چیزی توانا

۸۹ — دعای آنحضرت در روز پنجشنبه

ستایش مر خدائیرا که برای او در نفسی از نفس کشیدنها و در برابر هر خطوری از خطورها نعمتهای بی‌شمار بزرگ
که و در هر آنی از آنات نعمتهائیست فراموش نشدنی و در هر حالی از حالات بهره‌هائی
غیر پنهانی است ۱ و منزه است خدائیکه مغلوب میکند قوی را و یاری میدهد ضعیف را و جبران
میکند شکسته را و بی‌نیاز میکند فقیر را و می‌پذیرد آسان را و عطا میکند بسیار را و او
بر هر چیز توانا است ۲ و نیست معبودی بحق جز خدائیکه نعمتش بسیار است و حکمت او رسا
و حجت او برنده و رحمت او واسع و حفاظت او کامل است ۳ و خدا بزرگتر است از اینکه
وصف شود آنکه سلطنت او محکم و بنای او بلند و ایجاد او تازه و حساب او با سرعت است
و رحمت خدا بر محمد که بهترین پیغمبران است و بر آل پاکان او و سلام او سلام کامل ۴
خدایا براستی من سؤال میکنم از تو سؤال خائف از توقف در بازداشت (برای حساب) ترسناک
از عرضه کردن اعمال لرزان از ترس شرور قیامت آنکه گرفتار شده بر غرور آنکه نادم است بر خطاکاری خود

المسئول المحاسب المثاب المعاقب الذى لم يكنه مكان عنك ولا وجد مفرا الا اليك مستظلا ملتجأ من شيى عمله ، مقرا بعظم ذنوبه قد احاطت به الهموم وضاقت عليه رحائب التخوم موقن بالموت مبادر بالتوبه قبل الفوت ان مننت بها عليه وعفوت ٥ فانت الهى رجائى اذا ضاق عنى الرجاء وملجأى اذلم اجد فناءً للالتجاء توحدت سيدى بالعز والعلاء وتفردت بالوحدانية والبقاء وانت المتعزز المتفرد بالمجد فلك ربى الحمد لا يوارى منك مكان ولا يغير لدهر ولا زمان ٦ الفت بقدرتك الفرق وفلقت بقدرتك الفلق واثبت بكرمك دياجى الغسق واجريت المياه من الصم الصياخيد عذبا واجاجا واهمرت من المعصرات ماء ثجاجا وجعلت الشمس للبرية سراجا وهاجا والقمر والنجوم ابراجا من غير ان تمارس فيما ابتدات لغوبا ولا اعلاجا ٧ وانت اله كل شيئ وخالقه وجبار كل مخلوق ورازقه فالعزيز من اعززت والذليل من اذللت والسعيد من اسعدت والشقى من اشقيت والغنى من اغنيت والفقير من افقرت ٨ انت وليى ومولاى وعليك رزقى وبيدك ناصيتى فصل على محمد وال محمد وافعل بى ما انت اهله وعد بفضلك على عبد غمره جهله واستولى عليه التسويف حتى سالم الايام فارتكب المحارم والآثام فاجعلنى سيدى عبدا يفزع الى التوبه فانها مفزع المذنبين واغننى

آنکه مورد سئوال و حساب و ثواب و عقاب است آنکه مکانی او را پناه ندهد از تو و فرارگاهی پناه به
جز بسوی تو آنکه سایه و پناهی جوید از آنچه کرده است آنکه اقرار دارد به بزرگی گناهش که بتحقیق
غصه‌ها او را احاطه کرده و طبقات فراخیهای زمین بر او تنگ شده آنکه یقین بمرگ دارد و بسوی
تو به سرعت کرده قبل از فوت آن سئوال او این است که منت گذاری بر او بتوفیق توبه و از او گذشت
نمائی ۵ پس توئی معبود من امید من وقتیکه امیدواریم بسته شود و توئی پناهم وقتیکه آستانی
نیابم برای پناه بردن ای توئی یگانه‌ای بعزت و بزرگی و تنهائی بیگانگی و بقاء و توئی
آن عزیز یکتای بزرگواری پس مخصوص تو است پروردگار احد که هیچ مکانی از تو مستور
نماند و روزگار و زمان ترا تغییر ندهد ۶ الفت داری بتوانائی خود جدا فرقه‌ها را
و شکافتی بقدرتت سپیده صبح را و نگاه داشتی بکرمت تاریکیهای شب را و جاری ساختی
آبهای ~~سنگهای سخت~~ گوارا و شور را از سنگهای سخت و ریختی از ابرهای با فشار آب ریخت
نخورده را و خورشید را برای مردم چراغ تابان قرار دادی و ماه و ستاره‌ها را برجها نمودی
بدون آنکه در این آفرینش بدون سابقه بخستگی و چاره جوئی دچار شوی ۷ و توئی مقدار
هر چیز و خالق آن و جبران کننده احتیاجات هر مخلوق و روزی دهنده آن پس عزیز آنکه
تو عزیزش کنی و ذلیل آنکه تو ذلیلش کنی و خوش بخت آنکه تو خوش بخت کنی و بدبخت
آنکه تو بدبخت کنی و بی نیاز آنکه تو بی‌نیازش کنی و محتاج آنکه تو محتاج کنی ۸ توئی سرپرست
و مولای من و بر عهده تو است رزق من و بدست تو است موی پیشانی یعنی زمام اختیارم پس رحم فرست
بر محمد و آل محمد و بجا آور با من آنچه تو اهل آن و سزاوار آنی و تفضل نما بر بنده‌ات آنکه جهل او را
فرا گرفته و امروز و فردا یعنی سهل‌انگاری بر او مستولی شده تا اینکه با روزگار قرار گذاشته
که مرتکب محرمات و گناهان گردد پس قرار ده مولای من بنده‌ات آنکه پناه برده بتو به زیرا توبه پناه گنهکار است

بجودك الواسع عن المخلوقين ولا تحوجني الى شرار العالمين وهب لي عفوك
في موقف يوم الدين فانك ارحم الراحمين واجود الاجودين واكرم الاكرمين ٩
يامن له الاسماء الحسنى والامثال العليا وجبار السموات والارضين اليك
قصدت راجيا فلا ترد يدي عن سني مواهبك صفرا انك جواد مفضال
يا رؤفا بالعباد ومن هو لهم بالمرصاد ١٠ اسئلك ان تصلي على محمد وال محمد
وان تجزل ثوابي وتحسن مآبي وتستر عيوبي وتغفر ذنوبي وتنقذني مولاي
بفضلك من اليم العقاب انك جواد كريم وهاب ١١ فقد القتني السيئات
والحسنات بين ثواب وعقاب وقد رجوت ان تكون بلطفك تتغمد عبدك
المقر بفوادح العيوب بجودك وكرمك يا غافر الذنوب وتصفح عن زلله
فليس لي سيدي رب ارتجيه غيرك ولا اله اسئله جبر فاقتي ومسكنتي
سواك فلا تردني منك بالخيبة يا مقيل العثرات وكاشف الكربات ١٢ الهي
فسرني فاني لست باول من سررته يا ولي النعم وشديد النقم ودائم المجد
والكرم واخصصني منك بمغفرة لا يقارنها شقاء وسعادة لا يدانيها
اذى والهمني تقاك ومحبتك وجنبني موبقات معصيتك ولا تجعل للنار علي
سلطانا انك اهل التقوى واهل المغفرة وقد دعوتك وتكفلت بالاجابة
فلا تخيب سائلك ولا تخذل طالبك ولا ترد آملك يا خير مأمول ١٣ واسئلك

و بی نیازم کن بجود وسیعت از مخلوقات و مرا محتاج مکن بمردم شرور جهان و در بازداشت روز جزا
عفوت را شامل حالم کن زیرا توئی ارحم الراحمین و باجودترین اهل جود و کریمترین کریمان ۹
ای آنکه مر او راست نامهای نیکوتر و مثلهای برتر و جبران کن احتیاج آسمانها و زمینها و اهل آن
بسوی تو آمده‌ام بحال امیدواری پس مرا رد مگردان از بخششهای بزرگ جود دست خالی زیرا تو باجود
و کثیر الخیری ای مهربان ببندگان و ایکه برای بندگان در کمین گاهی ۱۰ از تو میخواهم که رحمت
فرستی بر محمد و آل محمد و ثواب مرا زیاد کنی و عاقبتم را نیکو گردانی و عیبهایم را بپوشانی و گناهانم را
بیامرزی و مرا خلاص کنی ای مولای من بفضل خودت از رنج عذاب زیرا تو باجود و کریم و بخشنده‌ای
۱۱ پس بتحقیق کارهای بد و خوب مرا انداخته میان ثواب و عقاب و بتحقیق امیدوارم که
بلطف خود ~~بنده را فراگیری~~ بنده‌ایکه اقرار دارد بعیبهای بسیار فراگیری بجود و کرمت ای آمرزنده
گناهان و بگذری از لغزشهای او پس نیست برایم ای قیم پروردگاریکه امیدوار باشم جز تو
و نیست خدائی که از او سئوال کنم جز تو بچیزی و ندارم غیر تو پس مرا از درگاهت محروم مگردان
ای که لغزشها را نادیده میگیری و گرفتاریها را برطرف میکنی ۱۲ خدایا مرا خوشحال کن زیرا
من اول کسی نیستم که سرورش کرده‌ای ای سرپرست نعمتها ایکه عذابهایت سخت و بزرگواری
و کرمت دائم است و مخصوص گردان مرا از جانب خود با آمرزشیکه با آن شقاوت نباشد و سعادتیکه
با آن آزاری نباشد و ترس و محبت با بهم الهام کن و مرا از نافرمانیهای هلاک کننده دور کن
و آتش را بر من مسلط مگردان زیرا تو اهل تقوی و آمرزشی که تقوی و استغفار را می پذیری
و بتحقیق ترا خوانده‌ام و تو شگفت اجابت شده‌ای پس بنده خود را ناامید مکن و خویشتن خود را
وامگذار و آرزومند خود را رد مکن ای بهترین برآورنده آرزو ۱۳ و از تو خواهانم

برأفتك ورحمتك وفردانيتك وربوبيتك يامن هو على كل شيء قدير و بكل شيء محيط ١٤ فاكفني ما اهمني من امر دنياي واخرتي فانك سميع الدعاء لطيف لما تشاء وادرجني درج من اوجبت له حلول دار كرامتك مع اصفيائك واهل اختصاصك بجزيل مواهبك في درجات جناتك مع الذين انعمت عليهم من النبيين والصديقين والشهداء والصالحين وحسن اولئك رفيقا وما افترضت علي فاحمله عني الى من اوجبت حقوقه من الاباء والامهات والاخوة والاخوات واغفرلي ولهم مع المؤمنين والمؤمنات انك قريب مجيب واسع البركات وذلك عليك يسير يا ارحم الراحمين وصلى الله على محمد واله وسلم تسليما ١٥

٩٠ـ دعائه في القنوت

اللهم اليك شخصت الابصار ونقلت الاقدام ورفعت الايدي ومدت الاعناق وانت دعيت بالالسن واليك سرهم ونجواهم في الاعمال ربنا افتح بيننا وبين قومنا بالحق وانت خير الفاتحين ١ اللهم انا نشكو اليك غيبة نبينا وقلة عددنا وكثرة عدونا وتظاهر الاعداء علينا و وقوع الفتن بنا ففرج ذلك اللهم بعدل تظهره وامام حق تعرفه امين رب العالمين ٢

مهربانیت و رحمت و یکتائیت ای پروردگار ای آنکه او بر هر چیزی توانا و بهر چیزی
محیط است ۱۴ پس کفایتم کن آنچه را که برایم اهمیت دارد از امر دنیا و آخرتم زیرا که تو
شنونده دعائی و به آنچه بخواهی لطف داری و مرا برسان بدرجات آنکه واجب کردهای
برایش خانه کرامت (بهشت) را با برگزیدگان و مخصوصین ببخششهای بسیارت
در درجات بهشتهایت با آنکه ~~[illegible]~~ نعمتشان دادی از پیغمبران و صدیقین
و شهداء و شایستگان و خوبند این برای رفاقت و آنچه واجب نمودی بر جنس پس آنرا
از من متحمل شو باضافه بحقوق واجبه پدران و مادران و برادران و خواهران و مرا ~~[illegible]~~
والدینم را بیامرز با مؤمنین و مؤمنات زیرا که تو نزدیک و اجابت کننده ~~[illegible]~~ و برکات
۱۵ شامل همه و این بر تو آسانست یا ارحم الراحمین و رحمت خدا بر محمد و آل محمد و سلام کامل

۹۰ — دعای آنحضرت در قنوت نماز

خدایا بسوی تو خیره شده چشمها و قدمها بسوی تو برداشته شده و دستها بلند شده و گردنها
کشیده شده و تو بزبانها خوانده شدی و بسوی تو است سر و رازشان در اعمال پروردگارا
بگشا ~~[illegible]~~ بین ما و بین قوم ما راهی بحق و تو بهترین ~~[illegible]~~ گشایندگانی — خدایا
براستی ما بتو شکایت داریم از غیبت پیغمبرمان و کمی عدد ما و بسیاری دشمن ما و تظاهر
کردن دشمنان بر ما و واقع شدن فتنهها بر ما پس برطرف آنرا خدایا بسبب عدالتی که ظاهر
کنی آنرا و امام حقی که باو بشناسانی او را مستجاب کن ای پروردگار جهانیان

٩١ـ دعائه بعد الثمان من ركعات الليل

اللهم انى اسئلك بحرمة من عاذ بك منك ولجاء الى عزتك واستظل بفيئك
واعتصم بحبلك ولم يثق الا بك يا جزيل العطايا يا مطلق الاسارى
يا من سمى نفسه من جوده وهابا ادعوك رهبا ورغبا وخوفا وطمعا و
الحاحا والحافا وتضرعا وتملقا وقائما وقاعدا وراكعا وساجدا وراكبا
وماشيا وذاهبا وجائيا وفى كل حالاتى واسئلك ان تصلى على محمد وآل محمد
وان تفعل بي كذا وحاجة وتذكره

٩٢ـ دعائه فى التسليم لامر الله تعالى

اللهم من على بالتوكل عليك والتفويض اليك والرضا بقدرتك والتسليم
لامرك حتى لا احب تعجيل ما اخرت ولا تأخير ما عجلت يا رب العالمين

٩٣ـ دعائه فى الاستعاذه من البلية الداعية الى المعاصى

اللهم انى اعوذ بك ان تبتلينى ببلية تدعونى ضرورتها الى ان اتعرض لمعصية
من معاصيك اللهم ولا تجعل بي حاجة الى احد من شرار خلقك ولئامهم
فان جعلت لى حاجة الى احد من خلقك فاجعلها الى احسنهم وجها
وخُلقا واسخاهم بها نفسا واطلقهم بها لسانا واسمحهم بها كفا
واقلهم بها امتنانا

۹۱ – دعای آنحضرت بعد از هشت رکعت از نماز شب

خدایا براستی از تو میخواهم بحق حرمت آنکه پناه برد بلطف از غضبت و پناهنده شود بعزت و در سایهٔ لطفت در آید و بریسمان دین تو چنگ زند و اعتماد نکند جز بتو ۱ ای صاحب عطای بسیار ای رهاکننده اسیران ایکه از جود نامیده خود را بخشنده ۲ ترا میخوانم در حال بیم و امید و ترس و طمع و اصرار و زاری و تملق و ایستاده و نشسته و در رکوع و در سجود و سواره و پیاده و در رفتن و آمدن و در تمام حالاتم و از تو میخواهم که رحمت فرستی بر محمد و آل و در حق من چنان کنی و حاجت خود را ذکر کند

۹۲ – دعای آنحضرت در تسلیم با مر خدا تعالی

خدایا منت بگذار بر من بتوکل بر خود و واگذار کردن کار بتو (یعنی توفیقم بده بتوکل و تفویض) و خوشنودی بقدرتت و تسلیم با مرت تا حدی که دوست نداشته باشم تعجیل آنچه را تأخیر داشته ای و تأخیر آنچه مقدم داشته ای ای پروردگار جهانیان

۹۳ – دعای آنحضرت در پناه بردن باو از گرفتاریکه باعث نافرمانیها شود

خدایا براستی من پناه میبرم بتو که مرا مبتلا کنی بگرفتاری و بلائیکه مرا ناچار کند بتعرض بمعصیتی از معاصی تو را (مثلا از ابتلاء بفقر ناچار گردم بکارهای حرام برای امر معاش) خدایا ~~[illegible]~~ مرا محتاج مگردان بیکی از شرار خلق و بمردم پست پس اگر مرا محتاج کردی بیکی از مخلوق خود پس احتیاج مرا متوجه کن بکسیکه خوشروتر و خوش خلق تر و ~~[illegible]~~ طبع سخی تر و زبان او نسبت بحاجتم آزادتر و دست او دهنده تر و منت او کمتر باشد

٩٤ - دعائه في طلب الزهد عن الدنيا

اللهم اني اسئلك سلوا عن الدنيا ومقتا لها فان خيرها زهيد وشرها عتيد وصفوها يتكدر وجديدها يخلق وما فات فيها لم يرجع وما نيل فيها فتنة الا من اصابته منك عصمة وشملته منك رحمة فلا تجعلني ممن رضي بها واطمأن اليها ووثق بها فان من اطمأن اليها خانته ومن وثق بها غرته

٩٥ - دعائه في اليوم الاول من كل شهر

اقرء الفاتحه ثم قل الحمد لله الذي خلق السموات والارض وجعل الظلمات والنور ثم الذين كفروا بربهم يعدلون ١ هو الذي خلقكم من طين ثم قضى اجلا واجل مسمى عنده ثم انتم تمترون ٢ وهو الله في السموات وفي الارض يعلم سركم وجهركم ويعلم ما تكسبون ٣ والحمد لله نجانا من القوم الظالمين والحمد لله الذي فضلنا على كثير من عباده المؤمنين ٤ ~~الحمد~~ رب اجعلني مقيم الصلوة ومن ذريتي ربنا وتقبل دعاء ربنا اغفر لي ولوالدي وللمؤمنين يوم يقوم الحساب ٥ فلله الحمد رب السموات ورب الارض رب العالمين وله الكبرياء في السموات والارض وهو العزيز الحكيم ٦ الحمد لله الذي له ما في السموات وما في الارض وله الحمد في الاخرة وهو الحكيم الخبير ٧ يعلم ما يلج في الارض وما يخرج منها وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو الرحيم الغفور ٨

۹۴ـ دعاء آنحضرت در زهد جستن از دنیا

خدایا از تو خواستارم بی اعتنائی بدنیا و خوش ننشستن آنرا زیرا خیر دنیا کم و شر آن مهیا
و صفای آن کدر و نو آن کهنه شدنی است و آنچه از دنیا فوت گردد برنگردد و آنچه
بانسان بآن برسد فتنه و موجب اشتمان است مگر آنکه تو او را نگهداری و رحمت شامل
شود پس قرار ده مرا از کسیکه خوشنود بدنیا و مطمئن بآن و اعتماد بآن داشته باشد زیرا
کسیکه بدنیا اطمینان پیدا کند دنیا با او خیانت کند و کسیکه بآن اعتماد کند او را دنیا گول زند
و مغرور کند

۹۵ـ دعاء آنحضرت در روز اول هر ماه

سورهٔ فاتحة الکتاب را بخوان پس بگو ستایش مر خدائیرا که آفرید آسمانها و زمین را و قرار داد
تاریکیها و روشنی پس آنانکه کافرند از پروردگار خود منحرفند ۱ او چنانستکه
آفرید شما را از گل پس اجلی گذارد و اجل نامبرده ایرا نزد خود پس شما تردید میکنید ۲ و او
خدای کامل الذات در آسمانها و زمین است میداند سر شما و آشکار شما را و میداند آنچه کسب
میکنید ۳ و ستایش خدائیرا که نجات داد ما را از قوم ستمگران و ستایش مر خدائیرا که برتری
داد ما را بر بسیاری از بندگان با ایمانش ۴ پروردگارا مرا از نماز گذار قرار ده
و هم از ذریه من دعاء مرا بپذیر پروردگارا بیامرز مرا و والدین مرا و مؤمنین را
روزیکه حساب برپا میشود ۵ پس اختصاص بخدا دارد حمد پروردگار آسمانها و پروردگار
زمین پروردگار جهانیان و برای اوست بزرگی در آسمانها و زمین و اوست عزیز و حکیم ۶
ستایش مر خدائیرا که ملک او و در اختیار اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین و برای اوست حمد در آخرت
و اوست با حکمت و آگاه ۷ میداند آنچه در زمین فرو میرود و آنچه از آن خارج میشود و آنچه از آسمان نازل و آنچه
در آسمان بالا میرود و اوست مهربان آمرزنده ۸

الحمد لله فاطر السموات والارض جاعل الملائكه رسلا اولى اجنحة مثنى وثلث
ورباع يزيد فى الخلق مايشاء ان الله على كل شيئ قدير ٩ ما يفتح الله للناس
من رحمة فلا ممسك لها وما يمسك فلا مرسل له من بعده وهو العزيز الحكيم ١٠
يا ايها الناس اذكروا نعمة الله عليكم هل من خالق غير الله يرزقكم من السماء و
الارض لا اله الا هو فانى تؤفكون ١١ الحمد لله رب العالمين الحى الذى لايموت و
القائم الذى لايتغير والدائم الذى لايفنى والملك الذى لايزول والعدل الذى
لايغفل والحكم الذى لايحيف واللطيف الذى لايخفى عليه شيئ والواسع الذى لا
لايعجزه شيئ والمعطى مايشاء لمن يشاء ١٢ الاول الذى لايسبق والظاهر الذى
ليس فوقه شيئ والباطن الذى ليس دونه شيئ احاط بكل شيئ علما واحصى كل
شيئ عددا ١٣ اللهم صل على محمد وآله واطلق بدعائك لسانى وانجح به طلبتى و
اعطنى به حاجتى وبلغنى به املى وقنى به رهبى واسبغ به نعمائى واستجب به
دعائى وزك به عملى تزكية ترحم بها تضرعى وشكواى واسئلك ان ترحمنى وان
ترضى عنى وتستجيب لى آمين رب العالمين ١٤ الحمد لله الذى ينشئ السحاب
الثقال ويسبح الرعد بحمده والملائكه من خيفته ويرسل الصواعق فيصيب بها
من يشاء وهم يجادلون فى الله وهو شديد المحال ١٥ الحمد لله الذى له دعوة الحق
وهو الحق المبين وما يدعى من دونه فهو الباطل وهو العلى الكبير ١٦ الحمد لله الذى
يتوفى الانفس حين موتها والتى لم تمت فى منامها فيمسك التى قضى عليها الموت

ستایش مر خدای را که ایجاد کرد آسمانها و زمین را قرار داد فرشتگان را پیغامبر صاحبان بالهای دوگانه
و سه گانه و چهارگانه زیاد میکند در آفرینش آنچه بخواهد براستی خدا بر هر چیزی تواناست ۹
آنچه از رحمت برای مردم باز کند بازدارنده نیست و آنچه باز دارد فرستاده نیست پس از او
و اوست عزیز حکیم ۱۰ ای مردم یاد آورید نعمت خدا را بر خودتان آیا خالقی غیر خدا هست
که روزی دهد شما را از آسمان و زمین نیست خدا و معبودی جز او پس کجا بدروغ رانده میشوید ۱۱
ستایش مر خدای را که پروردگار جهانیانست آنکه زنده است نه میمیرد و پاینده است که تغییر
نمیکند و دائمی است که فانی نمیشود و سلطانی است که زائل نمیشود و دادگریست که خلاف نمیشود و حاکمی
است که حیف و میل نمیکند و لطیفی است که چیزی بر او مخفی نمیماند و وسعت دهنده‌ایست که چیزی او را
ناتوان نمیکند و عطا کننده است آنچه بخواهد بهر کس بخواهد ۱۲ آن اولیکه چیزی قبل از او نبوده
و آن پیدا اینکه چیزی فوق او نیست و باطنیکه چیزی از او مخفی‌تر نیست و دانش او بهر چیز احاطه دارد
و شماره هر چیز را شماره کرده ۱۳ خدایا رحمت فرست بر محمد و آل او و رها کن بخواهان خود
زبانم را و برآور بدعا خواسته امرا و عطا کن بدعا حاجتمرا و برسان بدعا آرزویمرا و حفظ
کن بدعا هراسمرا و گوارا بگردان بدعا نعمتهایمرا و مستجاب کن بدعا دعایمرا و پاک گردان
بآن عملمرا پاک گردانیکه بدان سبب رحم کنی ناله و شکایتمرا و از تو سئوال میکنم که مرا رحم کنی
و از من خوشنود شوی و اجابتم کنی آمین ای پروردگار جهانیان ۱۴ ستایش مر خدای را که ایجاد
میکند ابرهای سنگین را و رعد تسبیح میکند بحمد او و فرشتگان تسبیح میکنند از خوف او و میفرستد
صاعقه‌ها را و بهر که بخواهد میرساند و ایشان مجادله میکنند و او صاحب نیروی سخت میباشد ۱۵ ستایش
مر خدای را که برای اوست دعوة حق و اوست حق آشکار و آنچه خوانده میشود غیر او باطل است و اوست
برتر بزرگ ۱۶ ستایش مر خدای را که میمیراند جانها را هنگام مردن آنها و آنکه نمرده در خوابش قبض آن میکند
پس نگه میدارد آنکه حکم شده بمرگ آن

ويرسل الاخرى الى اجل مسمى ان فى ذلك لايات لقوم يتفكرون ١٧ الحمد لله الذى وسع
كرسيه السموات والارض ولايؤده حفظهما وهو العلى العظيم ١٨ الحمد لله عالم الغيب
والشهادة هو الرحمن الرحيم هو الله الذى لا اله الا هو الملك القدوس السلام المؤمن
المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحان الله عما يشركون ١٩ الحمد لله الذى
لا اله الا هو الخالق البارئ المصور له الاسماء الحسنى يسبح له ما فى السموات
والارض وهو العزيز الحكيم ٢٠ الحمد لله الذى لم يتخذ ولدا ولم يكن له شريك فى الملك
ولم يكن له ولى من الذل وكبره تكبيرا ٢١

٩٦ - دعائه فى اليوم الخامس عشر

اللهم لا اله الا انت اسئلك باسمك الواحد الاحد الفرد الصمد المتعالى الذى
ملأ كل شيئ ١ واسئلك باسمك الفرد الذى لايعدله شيئ واسئلك باسمك
العلى الاعلى ٢ واسئلك باسمك العظيم الاعظم واسئلك باسمك الجليل الاجل و
اسئلك باسمك الذى لا اله الا انت عالم الغيب والشهادة الرحمن الرحيم ٣ واسئلك
باسمك القدوس السلام المؤمن المهيمن العزيز الجبار المتكبر سبحانك اللهم وتعاليت
عما يشركون ٤ واسئلك باسمك الكريم العزيز وبانك انت الله لا اله الا انت الخالق البارئ
المصور لك الاسماء الحسنى يسبح لك ما فى السموات والارض وانت العزيز الحكيم ٥
واسئلك باسمك المخزون المكنون لا اله الا انت واسئلك باسمك الذى اذا دعيت
به اجبت واذا اسئلت به اعطيت ٦ واسئلك باسمك الذى اوجبت لمن سئلك
به ما سائلك ٧ واسائلك باسمك الذى سئلك به عبدك الذى كان

و آن دیگر را رها شد تا وقت معین و نام برده شده براستی در این آیاتی است برای مردمیکه فکر کنند ۱۷
ستایش مر خدائیرا که فراگرفته تحت نفوذ او آسمانها و زمین را و حفظ آنها او را خسته نمیکند ۱۸
ستایش مر خدائیرا که دانای غیب و آشکارا است اوست بخشنده مهربان اوست خدائیکه نیست معبود بحق
جز او پادشاه منزه ایمن دهنده نگهبان با عزت جبران کننده متکبر منزه است خدای کامل الذات
از آنچه شرک میاورند ۱۹ ستایش مر خدائیرا که نیست معبود بحق جز او آن آفریننده پدید آورنده
صورتگر که برای اوست نامهای نیکوتر برای او تسبیح میکند آنچه در آسمانها و زمین و اوست عزیز
حکیم ۲۰ ستایش مر خدائیرا که نگرفته فرزند و نبوده برای او شریکی در پادشاهی و برای او
نبوده سرپرستی از ذلت و بزرگ شمار او را بزرگ شمردنی ۲۱

۹۶ - ~~دعائه ۳ فی الیوم الخامس عشر~~ دعاء آنحضرت در روز پانزدهم

خدایا نیست معبود بحق جز تو از تو سؤال میکنم بنام تو یکتای یگانه فرد بی نیاز برتریکه پر کرده
هر چیز را ۱ و سؤال میکنم بنام تو یکتائیکه چیزی همتای تو نیست و سؤال میکنم تو بنام تو
والای برتر ۲ و سؤال میکنم بنام تو بزرگ بزرگتر و سؤال میکنم بنام جلیل تو که احد است
و سؤال میکنم تو را بنام تو نیست معبود بحق جز تو دانای غیب و حاضر بخشنده مهربان ۳ و سؤال
میکنم تو را بنام تو منزه پاک نگهبان عزت جبران کننده متکبر منزهی تو خدایا و برتری از آنچه
شرک میاورند ۴ و سؤال میکنم تو را بنام تو کریم عزیز و سؤال میکنم بانکه تو خدائیکه نیست معبودی
بحق جز تو خالق پدید آورنده صورتگر برای تو است نامهای نیکوتر تسبیح میکند آنچه در آسمانها
و زمین است و توئی عزیز حکیم ۵ و سؤال میکنم بنامت که در خزینه غیبت مستور است نیست معبود بحق
جز تو و سؤال میکنم تو را بآن نامت که چون ترا بآن بخوانند اجابت کنی و چون بآن نام سؤال شوی
عطا میکنی و سؤال میکنم تو را بآن نامت که واجب کردی برای آنکه ترا بآن سؤال کرده باشد مسئول
او را بدهی و سؤال میکنم ترا بآن نامت که سؤال کرد ترا بآن نام آن بنده ات

عنده علم من الكتاب فاتيته بالعرش قبل ان يرتد اليك طرفه فاسئلك به
وادعوك بما دعاك به فاستجبت له فاستجب لى ﴿ واسئلك اللهم بلا اله
الا انت فانه لا اله الا انت يا الله يا الله لا اله الا انت الحى القيوم
لا تأخذه سنة ولا نوم له ما فى السموات وما فى الارض من ذا الذى يشفع
عنده الا باذنه يعلم ما بين ايديهم و ما خلفهم ولا يحيطون بشيئ من علمه الا بما
شاء وسع كرسيه السموات والارض ولا يؤده حفظهما وهو العلى العظيم ﴿
واسئلك اللهم لا اله الا انت بالقرآن العظيم الذى انزلت على خاتم النبيين
وسيد المرسلين رسولك يا رب العالمين واسئلك اللهم لا اله الا انت بكل اسم
سماك به احد من خلق السموات السبع والارضين السبع وما بينهما ١ ربنا
قد مددنا اليك ايدينا وهى ذليلة بالاعتراف بربوبيتك موسومة ورجوناك
بقلوب الفت الذنوب مهمومة اللهم فاقسم لنا من خشيتك ما يحول بيننا
وبين معصيتك ومن طاعتنا لك ما تبلغنا به جنتك ومتعنا باسماعنا
وابصارنا ولا تجعل مصيبتنا فى ديننا ولا الدنيا اكبر همنا ولا تجعلها
مبلغ علمنا ولا تسلط علينا من لا يرحمنا ونجنا من ظلمهم وشدة ونجم
يا ارحم الراحمين ١٢

که نزد او علمی از کتاب بود پس تو آوردی برای او آن تخت را پیش از آنکه برگردد
بسوی تو چشم او پس سئوال میکنیم تو را بآن نام و میخوانیم تو را بآنچه او خواند تو را بآن پس
اجابتش نمودی پس برایم اجابت کن ٨ و سئوال میکنیم تو را خدایا بجمله لا اله الا انت زیرا که
نیست معبود بحق جز تو یا الله یا الله نیست معبود بحق جز تو که زنده و پاینده ای نمیگیرد
تو را چرت و نه خوابی برای اوست آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است کیست آنکه
شفاعت کند نزد جز باذن او زیرا که او میداند آنچه در جلو و آنچه در عقب ایشان است و ایشان
احاطه بچیزی از دانش او ندارند مگر آنچه بخواهد کرسی قدرت و مشیت او فرا گرفته آسمانها
و زمین را و خسته نکند او را نگهبانی آنها و اوست برتر و بزرگ ٩ و خدایا از تو خواستاریم بخواندنکه
نیست معبود بحق جز تو بآیین قرآن بزرگیکه نازل کردی بر خاتم پیغمبران و سید رسولان ابوالق
ای پروردگار جهانیان و سئوال میکنیم تو را ای خدا اینکه نیست معبود بحق جز تو بهر اسمی خواند تو را بآن یکی از
مخلوقات آسمانهای هفتگانه و زمینهای هفتگانه و آنچه بین آنهاست ١٠ پروردگارا بتحقیق ما دستهای
خود را بسوی تو دراز کرده ایم و در حال خواری بحضرتت و اعتراف به پروردگاری تو را بر خود نهاده ایم
و با دلهائیکه بگناه الفت گرفته در حال فسردگی بتو امید داریم ١١ خدایا آن مقدار از ترس خود را
نصیب ما گردان که میان ما و نافرمانیت مانع باشد و از طاعت خود آن مقدار نصیب ما گردان
که ما را ببهشت برساند و ما را بگوشها و چشمهایمان بهره مند گردان و مصیبت ما را در
دینمان قرار مده و دنیا را بزرگترین همت ما قرار مده و آن را نتیجه دانش مکن و بر ما مسلط مگردان
کسیکه بر ما رحم نکند و از هر هم و غم و سختی ما را نجات ده یا ارحم الراحمین ١٢

٩٧ - دعائه في الصلوة على النبي صلى الله عليه واله

الحمد لله رب العالمين وصلى الله على الطيب المرسلين محمد بن عبد الله المنتجب الفائق الرائق ١ـ اللهم فخص محمداً ص بالذكر المحمود والحوض المورود ٢ـ اللهم اعط محمداً ص الوسيلة والرفعة والفضيلة واجعل في المصطفين محبته وفي العليين درجته وفي المقربين كرامته ٣ـ اللهم اعط محمداً ص من كل كرامة افضل تلك الكرامة ومن كل نعيم اوسع ذلك النعيم ومن كل عطاء اجزل ذلك العطاء ومن كل يسر انضر ذلك اليسر ومن كل قسم اوفر ذلك القسم حتى لايكون احد من خلقك اقرب منه مجلساً ولا ارفع منه عندك ذكراً ومنزلة ولا اعظم عليك حقاً ولا اقرب وسيلة من محمد صلواتك عليه واله امام الخير وقائده والداعي اليه والبركة على جميع العباد والبلاد ورحمة للعالمين ٤ـ اللهم اجمع بيننا وبين محمد ص في برد العيش وتروح الروح وقرار النعمة وشهوة الانفس ومنى الشهوات ونعم اللذات ورجاء الفضيلة وشهود الطمأنينة وسؤدد الكرامة وقرة العين ونضرة النعيم وبهجة لاتشبه بهجات الدنيا ٥ـ نشهد انه قد بلغ الرسالة وادى النصيحة واجتهد للامة واوذي في جنبك وجاهد في سبيلك وعبدك حتى اتاه اليقين فصلى الله عليه واله الطيبين ٦ـ اللهم رب البلد الحرام والركن والمقام ورب المشعر الحرام ورب الحل والحرام

۹۷ دعای آنحضرت در طلب رحمت بر پیغمبر ص

ستایش مر خدای پروردگار جهانیان را درحمت خدا بر پاکیزه‌ترین فرستادگان محمد بن عبدالله انتخاب شده خدا که فصل و وصل امور کرد ۱ خدایا مخصوص گردان محمد ص را بذکر پسندیده شده و حوض کوثر که بر آن وارد شوند ۲ خدایا عطا کن محمد ص را مقام وسیله و مقام بلند و فضیلت و دوستی او را در جمله و زمره انتخاب شدگان برگزیده و درجه او را در زمره بلندمرتبه‌گان و بزرگی در میان نزدیک شده‌گان خود قرار ده ۳ خدایا بده محمد ص از هر کرامتی بهتر آن کرامت را و از هر نعمتی وسیع‌تر آن نعمت را و از هر عطائی زیادتر آن عطا را و از هر راحتی خوشتر آن راحتی و از هر قسمت زیادتر آن قسمت را تا آنکه نبوده احدی از خلقت نزدیکتر از او بمقام و نه بالاتر از او بدرجه و ذکر و منزلت و نه بزرگوارتر از او بحق و نه نزدیک‌تر از او بوسیله از محمد ص و رحمت خدا بر او و بر آل او دوست پیشوای خیر و زمامدار آن و دعوت کننده بسوی آن و اوست برکت بر تمام بندگان و تمام شهرها و رحمت بر جهانیان ۴ خدایا جمع کن میان ما و محمد ص در خوشی زندگی و راحتی روح و جایگاه نعمت و خواهشهای جانها و آرزوی خوشیها و نعمتهای لذیذ و فضیلتهای لذت‌بخش سرور دائمه و شاهدهای آرامش و بزرگواریهای سیادت‌آور و روشنی چشم و خوشی نعمتها و نشاطی که مانند نشاط دنیا نباشد ۵ ما گواهیم که او پیغامهای ترا رسانید و اداء نصیحت نمود و بسیار کوشش کرد و در حضور تو اذیت شد و در راه تو جهاد کرد و ترا بندگی نمود تا مرگ رسید پس رحمت خدا بر او و بر آل پاکیزه او ۶ خدایا ای پروردگار شهر حرام (مکه) و ای پروردگار رکن (ارکان کعبه) و ای پروردگار مقام (مقام ابراهیم) و پروردگار مشعر الحرام (یک کوه بالای منی بنام مزدلفه) و پروردگار حل و حرام (حرام همان حرم است که مکه و اطراف آن به ۱۲ میل در ۱۲ میل و حل خارج از حد حرم میباشد)

بلغ روح محمد عنا السلام . اللهم صل على ملائكتك المقربين وعلى انبيائك ورسلك اجمعين وصل اللهم على الحفظة الكرام الكاتبين وعلى اهل طاعتك من اهل السموات السبع ورب الارضين السبع من المؤمنين اجمعين ع

٩٨- دعائه اذا نظر الى الهلال

ايها الخلق المطيع الدائب السريع المتردد فى منازل التقدير ، المتصرف فى فلك التدبير آمنت بمن نور بك الظلم واوضح بك البهم وجعلك آية من آيات ملكه وعلامة من علامات سلطانه وامتهنك بالزيادة والنقصان والطلوع والافول والانارة والكسوف فى كل ذلك انت له مطيع والى ارادته سريع . سبحانه فما اعجب ما دبر فى امرك والطف ما صنع فى شأنك جعلك مفتاح شهر لامر حادث جعلك الله هلال بركة لا تمحقه الايام وطهارة لا تدنسه الاعوام هلال امنة من الآفات وسلامة من السيئات هلال سعد لا نحس فيه ويمن لا نكد فيه ويسر لا يمازجه عسر وخير لا يشوبه شر هلال امن وايمان ونعمة واحسان وسلامة واسلام ٢ اللهم اجعلنا من ارضى من طلع عليه وازكى من نظر اليه واسعد من تعبد لك فيه اللهم وفقنا للتوبة واعصمنا من الحوبة واوزعنا شكر النعمة والبسنا جنن العافية واتمم علينا باستكمال طاعتك فيه المنة انك المنان الحميد ٣

برسان روح محمد را از ما سلام. خدایا رحمت فرست بر فرشتگان مقربت و بر پیغمبران مرسلت
بتمام ایشان و خدایا رحمت فرست بر فرشتگانیکه نگهبان و نویسندگان بزرگوارند و رحمت فرست
بر اهل طاعتت از ساکنین آسمانهای هفت گانه و زمینهای هفت گانه از تمام مؤمنین ع

۹۸ ـ دعاء آنحضرت چون نظر بماه می‌افکند

ای آفریده شده مطیع خدا ای حرکت کننده پر سرعت ای آینده و رونده در منزلهای اندازه گرفته شده
(در جهان حدود و ناورسکان) ای تصرف کننده در مدار معین شده ایمان آوردم بآنکه نورانی کرد بتو
تاریکیها را و روشن کرد بتو مشکلات را و ترا یک نشانه‌ای از نشانه‌های ملک خود و علامتی از علائم
سلطنت خود قرار داد و ترا خادم نمود بسبب زیاده و نقصان و طلوع و غروب و نور دادن و گرفتن
در تمام این مراحل تو مطیع او و بسوی اراده او دونده‌ای پاک و منزه است او چه بسیار
شگفت آور است آنچه تدبیر کرده در کار تو و با لطف است آنچه صنعت کرده در شأن تو ترا قرار داده
ابتدای هر ماه برای امر تازه‌ای خدا قرار دهد ترا ماه برکتیکه روزها آنرا از بین نبرد و قرار
دهد ترا ماه پاکی که سالها آنرا آلوده نگرداند ماه امنیت از آفات و سلامتی از سیئات
ماه خوش بختی که نحس در آن نباشد و ماه میمنت که کدورت در آن نباشد و ماه راحتی که سختی
مخلوط بآن نگردد و ماه خیریکه شری در آن نباشد ماه امن و ایمان و نعمت و احسان و سلامت و اسلام ۳
خدایا قرار ده مارا از خوشنودترین ~~افرادیکه~~ فردیکه این ماه برای او طلوع کرده و پاکیزه‌ترین فردیکه بآن نظر
نموده و خوش بخت‌ترین فردیکه در اینماه عبادت ترا کرده باشد خدا توفیق مارا برای توبه ده
حفظ کن مارا از برگشت بگناه و نصیب کن مارا نعمت و بپوشان مارا بهترین لباس عافیت
و منت خود را بر ما تمام گردان بکمال رساندن طاعتت را در این ماه براستی تو منت گذار
ستایش شده میباشی

بقیه از ص ٥٢ مبلوا بالاعمال والاعتبار فانا الهالك ان لم تُعِنْ علينا بتخفيف الاثقال
الهي امن اهل الشقاء خلقتني فاطيل بكائي ام من السعادة فابشر رجائي ١٨
الهي ان حرمتني رؤية محمد صلى الله عليه واله في دار السلام واعدمتني تطواف
الوصفاء من الخدام وصرفت وجه تاميلي بالخيبة في دار المُقام فغير
ذلك مَنَّتني نفسي منك يا ذا الفضل والانعام ١٩ الهي وعزتك وجلالك
لو قرنتني في الاصفاد طول الايام ومنعت سيبك من بين الانام وحلت
بيني وبين الكرام ما قطعت رجائي منك ولا صرفت وجه انتظاري للعفو
عنك ٢٠ الهي لو لم تهدني الى الاسلام ما اهتديت ولو لم تطلق لساني
بدعائك ما دعوت ولو لم تعرفني حلاوة معرفتك ما عرفتُ ولو لم تبين لي
شديد عقابك ما استجرت ٢١ الهي اطعتك في احب الاشياء اليك وهو التوحيد
ولم اعصك في ابغض الاشياء اليك وهو الكفر فاغفر لي ما بينهما ٢٢ الهي احب
طاعتك وان قصرتُ عنها واكره معصيتك وان ركبتها فتفضل علي بالجنة
وان لم اكن من اهلها وخلصني من النار وان استوجبتها ٢٣ الهي ان
تعدني التخلف عن السبق مع الابرار فقد اقامتني الثقة بك على مدارج الاخيار
٢٤ الهي قلب حشوته من محبتك في دار الدنيا كيف تطلع عليه نار محرقة في لظى ٢٥
الهي نفس اعززتها بتأييد ايمانك كيف تذلها بين اطباق نيرانك الهي لسان
كسوته من تماجيدك انيق اثوابها كيف تهوي اليه من النار مشتعلات التهابها ٢٦

در حال گرفتاری با محال و کسب عبرت پس اگر تو یاریم نکنی بسبب نمودن بارها از هلاک شوندگان
خواهم بود خدایا نمیدانم آیا از بدبختان مرا آفریدی که گریه طولانی کنم یا آنکه از زمره نیکبختان
که مژده امید بخود دهم ۱۸ خدایا اگر مرا از دیدن محمد صلی الله علیه وآله محروم کنی واز حوریان و
وغلامهای بهشتی بدورم و مرور آرزویم را در قیامت برگردانی پس چنین توقع و آرزوئی از کرمت نداشتم
ای صاحب فضل و نعمت ۱۹ خدایا بعزت و جلالت قسم اگر در تمام روزها مرا در کنده و زنجیر کنی
و عطاء خودرا از من بازداری در میان مردم و پیش چشم بزرگواران جدائی افکنی امیدم از تو قطع نشود
و توجهی که با نتظار عفو تو دارم بر نگردانم ۲۰ خدایا اگر مرا باسلام هدایت نکرده بودی من
هدایت نمیشدم واگر زبانم را بخواندنت باز نکرده بودی ترا نمی‌خواندم و اگر شیرینی معرفت را
۲۱ بمن نشناسانده بودی من ترا نشناخته بودم و اگر برای سختی عقابت را بیان نکرده بودی پناهنده نمیشدم
خدایا ترا در بهترین چیزها که توحید است اطاعت کردم و در بدترین چیزها که کفر است ترا عصیان ننمودم
پس آنچه پیش آمده و میانه برایم بیامرز ۲۲ خدایا طاعتت را دوست دارم واگرچه از آن کوتاهی
کرده‌ام وعصیان ترا خوش ندارم واگرچه مرتکب شده‌ام پس تفضل نما و منت گذار بر من ببهشت
واگرچه از اهل آن نباشم و مرا از آتش دوزخ خلاص کن واگرچه مستحق آن من باشم ۲۳ خدایا
اگر تخلف از سابقه با نیکان بازمانیم مرا بازداشت و عقب ماندم ولی اطمینان بلطف تو مرا بدرجات
خوبان رسانید ۲۴ خدایا دلیرا که در دنیا مملو کرده‌ای از محبت چگونه آتش سوزانیکه دلها را سوزاند
بر آن مشرف میکنی ۲۵ خدایا جانی را که بتأیید ایمانت عزیزش داشتی چگونه خوارش خواهی کرد با
آتشهای دوزخت خدایا زبانیکه که تمجید او مدح خودرا بآن پوشانیدی وخودرا بتمجید تو آراسته چگونه
شعله‌های آتش را بآن حمله ور میکنی ۲۶

الهى كل مكروب اليك يلتجى وكل محزون اياك يرتجى ٢٧ الهى سمع العابدون بجزيل ثوابك فخشعوا وسمع الزاهدون بسعة رحمتك فقنعوا وسمع المولون عن القصد بجودك فرجعوا وسمع المجرمون بسعة غفرانك فطمعوا وسمع المؤمنون بكرم عفوك وفضل عوارفك فرغبوا حتى ازدحمت مولاى ببابك عصائب العصاة من عبادك وعجت اليك منهم عجيج الضجيج بالدعاء فى بلادك ولكل امل قد ساق صاحبه اليك محتاجا وقلب تركه وجيب خوف المنع منك مهتاجا وانت المسئول الذى لا تسود لديه وجوه المطالب ولم ترزأ بنزيله قطيعات المعاطب ٢٨ الهى ان اخطأت طريق النظر لنفسى بما فيه كرامتها فقد اصبت طريق الفزع اليك بما فيه سلامتها ٢٩ الهى ان كانت نفسى استسعدتنى متمردة على ما يرديها فقد استسعدتها الآن بدعائك على ما ينجيها ٣٠ الهى ان عدانى الاجتهاد فى ابتغاء منفعتى فلم يعدنى برك بى فيما فيه مصلحتى ٣١ الهى ان قسطت فى الحكم على نفسى بما فيه حسرتها فقد اقسطت الآن بتعريفى اياها من رحمتك اشفاق رأفتها ٣٢ الهى ان اجحف بى قلة الزاد فى المسير اليك فقد وصلته الآن بذخائر ما اعددته من فضل تعويلى عليك ٣٣ الهى اذا ذكرت رحمتك ضحكت اليها وجوه وسائلى واذا ذكرت سخطك بكت لها عيون مسائلى ٣٤ الهى فافض بسجل من سجالك على عبد آيس قد تلفه الظماء واحاط بخيط جيده كلال الونى ٣٥ الهى ادعوك دعاء من لم يرج غيرك بدعائه وارجوك رجاء من لم يقصد غيرك برجائه ٣٦

۳۷ ~~الهی کیف اردّ عارض تطلّبی الی نوالک وانّما انا فی استرزاقی لهذا البدن احد عیالک~~

~~الهی کیف اُسکِتُ بالافحام~~ خدایا هر گرفتاری بسوی تو رو آورد و هر غمگینی شد امید وار است

۲۷ خدایا اهل عبادت ~~بواسطه دنیا~~ بسبب چون زیادی ثواب تو را شنیدند در پیشگاه تو خاشع شدند
و زاهدان وسعت رحمتت را شنیدند که از دنیا قانع شدند و منحرفین راه جود تو را شنیدند که رجوع براه
نمودند و گنهکاران وسعت آمرزش تو را شنیدند و طمع کردند و اهل ایمان کرم و عفوت و زیادی عطایایت
را شنیدند که بدرگاهت رغبت کردند تا آنکه هجوم کردند ای مولای من بدر خانه‌ات گروههائی از بندگان
معصیت کارت و بسوی تو ضجه کردند ضجه های ~~...~~ گریه دار بخواندن تو در شهرهای تو و برای هر یک از ایشان
آرزوئی است که کشانیده او را بسوی تو احتیاجش و برای هر یک دلی است که اضطراب از ترس منع لطف تو
بهیجان افتاده و توئی آن مسئول که سیاه نمیشود نزد او روی خواسته‌ها و نمیرسد بآنکه نازل گردد
قطعات رنج ۲۸ خدایا اگر در راه توجه بآن چه باعث کرامتم شود خطا رفتم پس بتحقیق در راه
فزع کردن بسوی آنچه باعث سلامتم شود بصواب رفته‌ام ۲۹ خدایا اگر نفسم زمین یار رحمت در حال
تمرد بر آنچه هلاک اوست پس بتحقیق الآن از دادیاری خواستم بخواندن تو برای آنچه نجاتش در آنست ۳۰
خدایا اگر کوشش در بهره جوئی مرا بتجاوز انداخت پس احسان تو مرا از آنچه مصلحتم بآنکه از تجاوزم باز داشت
۳۱ خدایا اگر در قضاوت بر نفسم بآنچه در آن جرئت ستم کردم پس بتحقیق الآن عدالت کردم بسبب آنکه
او را برحمت آشنا کردم و زیادی رأفت را باو یاد دادم ۳۲ خدا اگر کمی توشه مرا بفشار آورد در راه تو
پس الآن بآن وصل کردم ذخیره هائی که از اعتمادم بر تو مهیا کردم ۳۳ خدایا هرگاه رحمت کنم
صورت و سائلم خندان شود و چون یاد غضبت کنم دیده سائلم گریان شود ۳۴ خدایا بریز بر بنده پریشان
حال مقداری از رحمت را که تشنگی او را تلف کرده و بخشش او را با خستگی احاطه نموده ۳۵ خدایا تو را
میخوانم مانند آنکه بجز تو امیدی از دعایش ندارد و بتو امید دارم مانند آنکه بغیر تو امیدی ندارد ۳۶

خدایا چگونه رخساره توجه بسوی عطایت را برگردانم و حال آنکه من در طلب رزق بدن یکی از روزی
خواران توام ۳۷ خدایا چگونه ساکت کنم زبان زاری مرا بدون دلیل و حال آنکه جهل به آخر
کارم مرا مضطرب داشته ۳۸ خدایا تو دانائی بحاجت من و آنچه تکفل کرده ای در حاجتم
از رزق من و میدانم که من بی نیاز نیستم از روزی در بهشت پس از فنایم پس ای آنکه
بدنیا تفضلاً عطا کردی در آخرت که روز احتیاجم شود از من باز مدار زیرا که ارزش نثار
نعمت کریم اتمام آنست و از محسنات نعمت جواد اکمال آنست ۳۹ خدایا اگر عاجل
بار خود نبودیم از لغزشهایم شکوه میکردیم و اگر بیاد افراط خود نمیافتادم اشکم ریزان
نمی شد ۴۰ خدا رحمت فرست بر محمد و آل محمد و آثار لغزشم را بسیلاب اشکم محو کن و سیئات
بسیار مرا بحسنات کم ببخش ۴۱ خدایا اگر نبایستی تو برای آنکه رحم نکنی مگر بر کوشش کنندگان
در طاعت پس مقصران نزد که رحم جویند و اگر نمی پذیری مگر از اهل کوشش پس مسامحه کاران
بکه پناه برند و اگر اکرام نکنی مگر محسنین پس بدکاران چه کنند و اگر روز حشر بهره نبرند جز متقین
پس گنه کاران بکه استغاثه کنند ۴۲ خدایا اگر از صراط جز نخ نگذرد مگر آنکه جوازی از پاکی
عمل داشته باشد پس آنکه مرده است قبل از توبه از کی جواز آورد ۴۳ خدایا اگر نبخشی مگر با آنکه را که
دلش را از زهد آباد کرده پس که را دارد بپیماید آنکه سعی او موجب خوشنودیش نشده بین اهل جهان
۴۴ خدایا اگر از خطایات موحدین صرف نظر نکنی غضب تو ایشان را در گرفتاریها پیش کشی انکند ۴۵
خدایا اگر دست جنایت روز حشر بازرسد مجازات با منکرین یکسانست ۴۶ خدایا برکت
الطاف ذخیره های بخشش را بادهای جبر گردان و آنچه را اجابات نا کرده بسیارها خود صاف گردان
۴۷ خدایا بغربت ما رحم کن چون شکم لحدها را در بر گیرد و با خشتها سقف آن پوشیده شود

الهی کیف اردّ عارض تطلّعی الی نوالک وانما انا فی استرزاقی لهذا البدن احد عیالک ٣٧
الهی کیف اُسکتُ بالافحام لسان ضراعتی وقد اقلقنی ما ابهم علیّ من مصیر عاقبتی ٣٨
الهی قد علمت حاجة نفسی الی ما تکفلت لها به من الرزق فی حیاتی وعرفت قلّة استغنائی
عنه من الجنة بعد وفاتی فیا من سمح لی به متفضلا فی العاجل لا تمنعنیه یوم
فاقتی الیه فی الآجل فمن شواهد نعماء الکریم استتمام نعمائه ومن محاسن آلاء
الجواد استکمال آلائه ٣٩ الهی لولا ~~جهلت~~ ما جهلت من امری ما شکوت عثراتی
ولولا ما ذکرت من الافراط ما سفحتُ عبراتی ٤٠ الهی صلّ علی محمد وآل محمد وامح
مثبتات العثرات بمرسلات العبرات وهب لی کثیر السیئات لقلیل الحسنات ٤١
الهی ان کنت لا ترحم الا المجدّین فی طاعتک فالی من یفزع المقصرون وان کنت لا تقبل
الا من المجتهدین فالی من یلتجیء المفرطون وان کنت لا تکرم الا اهل الاحسان
فکیف یصنع المسیئون وان کان لا یفوز یوم الحشر الا المتقون فبمن یستغیث
المذنبون ٤٢ الهی ان کان لا یجوز علی الصراط الا من اجازته براءة عمله فانّی بالجواز
لمن لم یتب الیک قبل انقضاء اجله ٤٣ الهی ان لم تجد الا علی من قد عمر بالزهد
مکنون سریرته فمن للمضطر الذی لم یرضه بین العالمین سعی نقیبته ٤٤ الهی
ان حجبت عن موحدیک نظر تعطفک لجنایاتهم اوقعهم غضبک بین المشرکین فی
کرباتهم ٤٥ الهی ان لم تنلنا ید احسانک یوم الورود اختلطنا فی الجزاء بذوی
الجحود ٤٦ الهی فاوجب لنا بالاسلام مذخور هباتک واستصف ما کدرته الجرائم
منا بصفو صلاتک ٤٧ الهی ارحمنا غرباء اذا تضمنا بطون لحودنا وغمّیت

ماللبن سقوف بيوتنا وأُضجعنا مساكين على الأيمان في قبورنا وخلّفنا
فرادى في أضيق المضاجع وصرعتنا المنايا في أعجب المصارع وصرنا في
دار قوم كأنها مأهولة وهي منهم بلاقع ٤٨ الهي ارحمنا اذا جئناك عراة
حفاة مغبرة من ثرى الاجداث رؤوسنا وشاحبة من تراب الملاحيد وجوهنا
وخاشعة من افزاع القيامة ابصارنا وذابلة من شدة العطش شفاهنا و
جائعة لطول المقام بطوننا وبادية هنالك للعيون سوآتنا وموقرة من ثقل
الاوزار ظهورنا ومشغولين بما قد دهانا عن اهالينا واولادنا فلا تضعّف
المصائب علينا باعراض وجهك عنا وسلب عائدة ما مثّله الرجاء منا ٤٩
الهي ما حنّت هذه العيون الى بكائها ولا جادت متشربة بمائها ولا اسعدها بنحيب
الثاكلات فقد عزائها الا لما اسلفته من عمدها وخطائها وما دعاها اليه عواقب
بلائها وانت القادر يا عزيز على كشف غمائها ٥٠ الهي ان كنا مجرمين فانا نبكي على
اضاعتنا من حرمتك ما نستوجبه وان كنا محرومين فانا نبكي اذ فاتنا من جودك ما
نطلبه ٥١ ~~الهي شُب حلاوة ما يستعذب به لساني من النطق في بلاغته بزهادة~~
~~ما يعرفه قلبي من النصح في دلالته ٥٢~~ الهي امرت بالمعروف وانت اولى به من المأمورين
وامرت بصلة السؤال وانت خير المسؤولين ٥٢ الهي كيف ينقلب بنا اليأس الى
الامساك عما لهجنا بطلابه وقد ادّرعنا من تأميلنا اياك اسبغ اثوابه ٥٣ الهي
اذا هزّت الرهبة افنان مخافتنا انقلعت من الاصول اشجارها واذا تنسّمت
ارواح الرغبة منا اغصان رجائنا اينعت بتلقيح البشارة اثمارها ٥٤ الهي
اذا تلونا من صفاتك شديد العقاب اشفقنا واذا تلونا الغفور الرحيم فرحنا

و خوابانیده شویم بطرف راست در قبرهایمان و در تنگترین مکان تنها بمانیم و مرگ ما را بزمین
زند در شگفت ترین زمانها و برویم در خانه ها مرده که گواهی دارد و حال آنکه از اهل فنا و خاک
۴۸ خدایا ما را رحم کن چون بیائیم سر برهنه و پا برهنه و خاک آلوده از خاک قبرها سرهای ما و از خاکی که
رنگ ما پریده باشد و از ترس قیامت چشمهایمان نیز افتاده شود و لبهای ما از شدت عطش خشک گردد
و شکمهایمان از طول توقف گرسنه باشد و در مقابل بینندگان عیبهای ما ظاهر شود و پشت ما از
بار گناه سنگین گردد و از اهل و اولاد غافل باشیم پس بعد آن هنگام مصیبت ما را با اعراض خود زیاد
مکن و بهره ای که امید داشته ایم از ما مگیر ۴۹ خدایا اینده‌ها میل بگریه نکرده و آب اشک خود را
مشروب ننموده و ناله های ما در بچه مرده بدون تسلیت خود را پیدا نداشته مگر برای آنچه از عهد
وفای تو ترک شده و فکر عواقب عمل او را باین زاری دعوت کرده و قوتی ترا ~~ای خدای عزیز~~ برطرف
نمودن غمهایش ای خدای عزیز ۵۰ خدایا اگر مجرمیم گریه ما برای اینکه حرمت را اجرا ضایع کرده ایم
و اگر محرومیم گریه ما برای اینکه آنچه از جود تو خواسته ایم از دست داده ایم ۵۱ خدایا بکار خوب
امر کردی و تو باین سزاوارتری از مأمورین و امر نمودی بسائل عطا دهند و تو بهترین مسئول شدگانی ۵۲
خدایا چگونه یأس ما را باز دارد از آنچه در صدد آنیم و بتحقیق خود را مجذوب کرده ایم که کاملترین ذات را از ذکر
بجنبانیم ۵۳ خدایا هرگاه بجنبش آرد وحشت شاخه های ترس مرا از ریشه کنده شود اشجار آن یعنی
بکلی ناامید گردم و هرگاه بوزد نسیمهای لطفت بشاخه ها امید ما شکوفه دهد برگ پیوند شاخسار آن
میوه های آن ۵۴ خدایا هرگاه صفت شدید العقابت را قرائت کنم بلرزه میآیم و هرگاه صفت
عفو و رحمت را میخوانم خوشحال میگردم

فنحن بين امرين اليأس والامن ٥٥ الهى ان قصرت مساعينا عن استحقاق نظرتك
فما قصرت رحمتك بنا عن دفاع نقمتك ٥٦ الهى انك لم تزل علينا بحظوظ صنائعك
منعما ولنا من بين الاقاليم مكرما وتلك عادتك اللطيفة فى اهل الحنيفة فى سالفات
الدهور وغابراتها وخاليات الليالى وباقياتها ٥٧ الهى اجعل ما حبوتنا به من
نور هدايتك درجات نرقى بها الى ما عرفتنا من جنتك ٥٨ الهى كيف تفرح
بصحبة الدنيا صدورنا وكيف تلتئم فى غمراتها امورنا وكيف يخلص لنا فيها سرورنا
وكيف يملكنا باللهو واللعب غرورنا وقد دعتنا باقتراب الآجال قبورنا ٥٩
الهى كيف نبتهج فى دار حفرت لنا فيها حفائر صرعتها وفتلت بايدى المنايا حبائل
غدرتها وجرعتنا مكرهين جرع مرارتها ودلتنا النفس على انقطاع عيشتها
لولا ما صغت هذه النفوس من رفائع لذتها وافتتانها بالفانيات من فواحش
زينتها ٦٠ الهى فاليك نلتجئ من مكائد خدعتها وبك نستعين على عبور قنطرتها
وبك نستفطم الجوارح عن اخلاف شهوتها وبك نستكشف جلابيب حيرتها وبك
نقوم من القلوب استصعاب جهالتها ٦١ الهى كيف للدور ان تمنع من فيها من
طوارق الرزايا وقد اصيب فى كل دار سهم من اسهم المنايا ٦٢ ~~الهى ما تفجع~~
~~انفسنا من النقلة عن الديار ان لم توحشنا هناك من مرافقة الابرار~~ ٦٣ الهى
ما تضرنا فرقة الاخوان والقرابات ان قربتنا منك يا ذا العطيات ٦٤ الهى
~~ما تجف من ماء الرجاء مجارى لهواتنا ان لم تحم طير الاشائم بحياض رغباتنا~~
الهى لا سبيل الى الاحتراس من الذنب الا بعصمتك ولا وصول الى عمل

پس ما پس این دو امریم یأس و امید ۵۵ خدایا اگر سعی ما کوتاه شود از استحقاق نعمت لطفت
پس کوتاه نشده رحمتت با از دفع کردن عذابت ۵۶ خدایا براستی همیشه بهره های آفرینشترا
با انعام کردی و ما را در میان اقلیمها سرافراز نمودی و عادت لطیفت ترجیح بوده در ایام خوف
در زمانهای گذشته و سر آمده و شبهای طی شده ۵۷ نور هدایتی که باعطا نموده ای وسیله درجات
بهشت قرار داده که بآن بالا رویم بقدر معرفتمان ۵۸ خدایا چگونه سینه های ما بصحبت دنیا خوش
باشد و چگونه امور ما در عقاب دنیا ملایم گردد و چگونه سرور ما در آن خالص شود و چگونه غرور ما
ببازیچه و باطل آمیخته گردد در حالیکه قبور ما بسیار نزدیک ما را دعوت کرده ۵۹ خدایا چگونه
بنشاط آئیم در خانه ایکه کنده شده چاله هائی برای افکندن ما و ~~[illegible]~~ پیچیده شده بدست مرگ
ریسمانهای خدعه آن و نوشانیده با اکراه جرعه های تلخ آن و نفس دلالت کرده بود بر انقطاع
زندگی آن اگر نبود توجه نفوس بلذات پست و گول خوردنش بآنچه فنا پذیر است از زشتیهای
زینت آن ۶۰ خدایا بتو پناه میبریم از کیدهای خدعه دنیا و از تو مدد میجوئیم بر عبور از پل دنیا
و بمدد تو باز میداریم خود را از شهوات آن و بمدد بر طرف میکنیم پرده های حیرت آنرا و بمدد تو
بر میداریم از دلها شعلهای حجابات آنرا ۶۱ خدایا چگونه این خانه مانع باشد از حوادث کوبنده
و حال آنکه در هر خانه تیری از تیرهای مرگ رسیده ۶۲ خدایا جدائی برادران و خویشان با طری
ترند اگر بتر بتو نامی شویم ای صاحب عطا یا ۶۳ خدایا راهی باجتناب گناه نباشد جز بحفظ
و نگهداری تو و بعمل خیرات دسترسی نباشد جز بخواست تو ۶۴ ـ

الخيرات الا بمشيئتك ٤٤ الهى انت دللتني على سؤال الجنة قبل معرفتها فاقبلت النفس بعد العرفان على مسألتها افتدل على خيرك السؤال ثم تمنعهم النوال ٤٥

الهى لقد رجوت من البسنى بين الاحياء ثوب عافيته ان لا يعريني منه بين الاموات بجود رأفته ولقد رجوت من تولاني في حياتي باحسانه ان يشفعه لى عند وفاتى بغفرانه يا انيس كل غريب آنس في القبر غربتي ويا ثاني كل وحيد ارحم في القبر وحدتي ويا عالم السر والنجوى ويا كاشف الضر والبلوى كيف نظرك لى بين سكان الثرى وكيف صنيعك الى في دار الوحشة والبلى فقد كنت بي لطيفا ايام حياتي الدنيا يا افضل المنعمين في آلائه وانعم المفضلين في نعمائه ٤٦ الهى كثرت اياديك عندى فعجزت عن احصائها وضقت ذرعا في شكرى لك بجزائها فلك الحمد على ما اوليت ولك الشكر على ما ابليت يا خير من دعاه داع وافضل من رجاه راج بذمة الاسلام اتوسل اليك وبحرمة القرآن اعتمد عليك وبحق محمد وال محمد اتقرب اليك فصل على محمد وال محمد واعرف ذمتي التى بها رجوت قضاء حاجتي برحمتك يا ارحم الراحمين ٤٧

٩٩ــ دعائه في الغايات التى يطلب الدنيا لاجلها

اللهم انى اسئلك من الدنيا وما فيها ما اسدد به لساني واحصن به فرجي واؤدى به امانتي واصل به رحمي واتجر به لآخرتي

١٠٠ــ دعائه عند ختم القرآن

اللهم انى اسئلك اخبات المخبتين واخلاص الموقنين ومرافقة الابرار واستحقاق

خدایا تو دلالتم کردی بخواستن بهشت قبل از آنکه بشناسم آنرا پس نفس بآن توجه کرد و بعد از معرفت بآن
خواست آنرا آیا تو دلالت میکنی بخیر خود و از دادن آن امتناع داری ۴۵ خدایا من امیدوارم
آنکه مرا جامه عافیت پوشانیده در بین زندگان برهنه نگذارد در بین مردگان بجود و رأفتش
وبتحقیق امیدوارم آنکه بمن محبت کرده با احسانش در زندگیم بغفران خود ضمیمه کند آزادی
و نعمتم ای انیس هر غریب انیسم باش در غربت قبرم و ای همدم هر تنها رحم کن در قبر تنهائیم را
ای دانای هر سر و نجوی و ای برطرف کن هر ضرر و ابتلا چگونه است نظر لطفت بمن بین ساکنین
خاک و چگونه است رفتارت با من در خانه وحشت و پوسیدن بتحقیق تو در ایام دنیا نسبت بمن لطف
داشتی ای بهترین نعمت دهندگان و ای نعمت دهنده ترین اهل کرم در انعامها ۴۶ خدایا
آنقدر بمن عطا نمودی که عاجزم از شمردنش و ناتوانم از شکر کردن در مقابل آن پس
فقط برای توست ستایش بر آنچه عطا کردی و برای توست شکر بر آنچه آزمایش نمودی ای بهترین
کسیکه خوانندگان او را بخوانند و ای برترین کسیکه امیدواران باو امیدوار باشند برشته اسلام بسوی تو
توسل میجویم و بحرمت قرآن بتو اعتماد دارم و بحق محمد و آل محمد بسوی تو تقرب میجویم پس رحمت
فرست بر محمد و آل محمد و بشناس بیانیکه بآن امید بقضاء حاجتم دارم رحمت خود یا ارحم الراحمین

۹۹- دعای آنحضرت در نتیجه که دنیا را برای آن باید خواست

خدایا سؤال میکنم تو را از دنیا و آنچه در آنست آنقدریکه زبانم را ببندم و عورتم را حفظ کنم
و امانتم را ادا کنم و رحم خود را صله کنم و برای آخرتم بآن تجارت نمایم

۱۰۰- دعای آنحضرت وقت ختم قرآن

خدایا براستی از تو میخواهم خشوع و تواضع خشوع کنندگان و اخلاص اهل یقین و رفاقت نیکان و فهمیدن

حقائق الايمان والغنيمة من كل بر والسلامة من كل اثم ووجوب
رحمتك وعزائم مغفرتك والفوز بالجنة والنجاة من النار

قد تمت بعون الله تعالى هذه الصحيفة مع ترجمتها في شهر ذي حجة الحرام من سنة
الف وثلاثمائة وثلاث وتسعين من الهجرة النبوية على هاجرها الف صلوة وتحية
بيد عبد المقصر الفاني ابو الفضل بن الحسن القمي المرضوي الرجبي عفى الله عنهما

حقائق ایمان و بهره بردن از هر نیکی و سلامت از هر گناه و ثبوت رحمت
و مسلم شدن آمرزش و بهره بردن بهشت و نجاة از آتش

تمام شد بیاری خدایتعالی این صحیفه علویه با ترجمهٔ آن در ماه ذیحجة الحرام از سال هزار و سیصد و نود و سه
از هجرت نبویه بر هجرت کننده آن هزار صلوة و تحیات بدست بنده مقصر در پیشگاه الهی ابو الحسن
حسن المصطفوی التبریزی خدا عفو نماید از او

(امضا)